



بایسته های هنر مداحی

پیشخوان شماره ۴۱

در کلام حضرت آیت الله خامنه ای

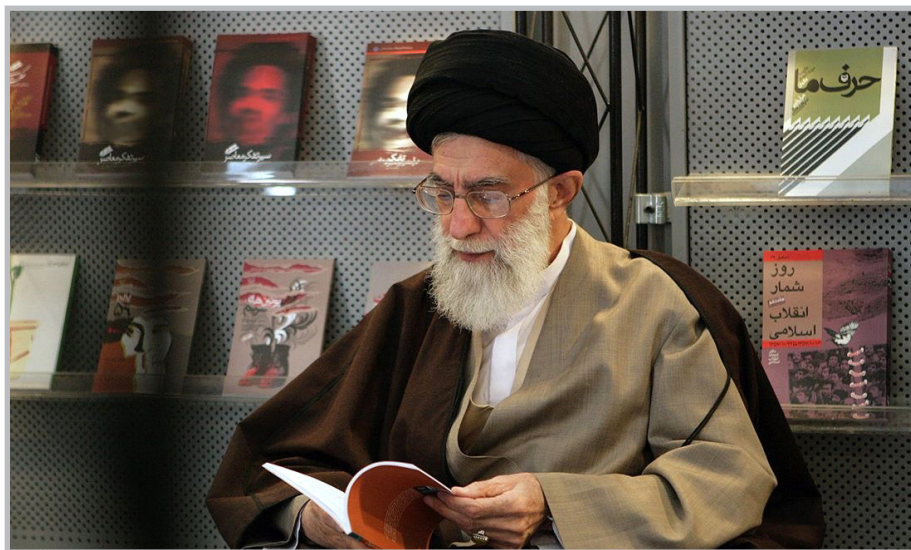


بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست

- ۷/ انتخاب اشعار از مهمترین الزامات مداحی
- ۱۵/ بایسته های مداحی؛ پالایش درونی و آموختن
- ۲۱/ ضرورت شباهت به محبوب برای محب
- ۲۷/ سه خصوصیت ممتاز لازم برای مداح
- ۳۱/ مداحی؛ ترکیب صدای خوش، آهنگ درست، لفظ خوب و مضمون حقیقی متناسب با نیاز
- ۳۵/ مداحی؛ یکی از اصلی ترین جبهه های تبلیغ
- ۴۱/ انحرافات در مداحی
- ۴۷/ لزوم پرهیز از اختلاف افکنی میان مسلمین
- ۵۵/ انحراف و ابتذال در هنر ممتاز مداحی
- ۶۳/ ترکیب شور و شعور در مجالس
- ۷۳/ شرایط مداحی و ویژگیهای شعر خوب
- ۷۹/ بایسته ها و الزامات اشعار آیینی
- ۸۷/ خدایی کردن نیتها نیازمند فکر و آموزش است
- ۹۳/ ضایع نشدن فرصت منحصر به فرد مداحی
- ۹۹/ هیئت سکولار نداریم
- ۱۰۵/ مسئولیت سنگین مداحان در برابر تخریب اعتقادی دشمن





«معرفتهاتان را بالا ببرید. عزیزان من! سقف معرفت خودتان را، سایتهای سیاسی و اوراق روزنامه‌ها و پرسه‌زدن در سایتهای گوناگون قرار ندهید؛ سقف معرفت شما اینها نیست... سطح معرفت دینی بالا برود؛ این یکی از کارهاست که حتماً لازم است. به نظر من آن کاری که مهم است انجام بگیرد، مطالعات اسلامی است.»

(بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی ۱۳۹۱/۰۵/۱۶)

اشاره

فراتر رفتن از اخبار و هیاهوهای رسانه‌ای روزمره و داشتن برنامه و سیر مطالعات دینی و اجتماعی از جمله توصیه‌ها و تأکیدات همیشگی رهبر معظم انقلاب اسلامی در طول سالیان متمادی بوده است.

از جمله عرصه‌هایی که می‌تواند در مسیر مطالعات اسلامی افراد گوناگون به خصوص فعالین فرهنگی - اجتماعی و ... مورد توجه و استفاده قرار گیرد اندیشه‌های مقام معظم رهبری بوده و اصلی‌ترین مجرای ظهور و بروز این افکار نیز بیانات معظم‌له می‌باشد. پایگاه اطلاع رسانی KHAMENEI.IR پیش از این در جهت نیل به این مهم و زمینه‌سازی مناسب جهت آشنایی مناسب اقشار گوناگون با ابعاد مختلف این اندیشه‌ها، محصول «پیشخوان» را ارائه داده بود. پیشخوان مبتنی بر فهرست بیانات پایه و اصلی رهبری در یک موضوع بود که هر یک از بیانات مربوط به موضوع نیز دارای نمایه‌ی موضوعی خاص خود بود که هم‌اکنون نیز آرشیو این موضوعات در صفحه‌ی پیشخوان این پایگاه قابل دسترسی است.

اینک در جهت تکمیل این حرکت مطالعاتی، جزوات موضوعی پیشخوان جهت دریافت و مطالعه‌ی مخاطبان آماده شده است. گفتنی است «جزوات پیشخوان» در قالب PDF آماده شده و شامل بیانات مختص به هر موضوع به صورت مجزا و مشخص می‌باشد.





انتخاب اشعار از مهمترین الزامات مداحی

- ❖ اهمیت مسأله مداحی
- ❖ اهمیت شعر در بیان مطلب
- ❖ تمجید و تأیید اهل بیت(ع) از اشعار خوب شاعران
- ❖ تأثیر ترکیب دو عنصر شعر و صدای خوب در مداحی
- ❖ لزوم طرح مفاهیم بلند اسلامی به جای پرداختن به مسائل ظاهری در اشعار
- ❖ حفظ پیوند عاطفی مردم با ائمه(علیهم السّلام)
- ❖ اهتمام امام خمینی بر مسأله مدح اهل بیت(ع)

انتخاب اشعار از مهمترین الزامات مداحی

اگر کسی، شاعری، گوینده‌ای و یا خواننده‌یی بخواهد درباره‌ی این بزرگوار حرفی بزند، شعری بگوید، سرودی انشاد کند، شرایط این کار چیست؟ آن چیزی که امروز برای ما مهم می‌باشد، این است. چند سال است که در مثل چنین روزی، با شما برادران مینشینیم و راجع به مداحی و شعرخوانی و سخنوری و توصیف اهل بیت (علیهم‌السلام) حرف می‌زنیم و چیزهایی می‌گوییم که شما برادران میشنوید و تلقی به قبول می‌کنید. نمی‌خواهیم آنچه را که گفتیم، دوباره و سه‌باره تکرار کنیم. البته امسال جلسه‌ی ما، به حضور برادرانی از سایر شهرها - مخصوصاً برادران مشهدی که در این راه و کار و خدمت، سابقه‌ی زیادی دارند و همچنین برادران قم و دیگر شهرها - مزین است.

اهمیت مسأله مداحی

برادرانی که در این رشته هستند، توجه کنند که مسأله‌ی مداحی، مسأله‌ی مهمی است. مداحی - همچنان که قبلاً هم در همین جلسه به شما عرض کردم - ادامه‌ی راه ستایشگران برجسته‌ی اهل بیت در دوران اختناق اموی و عباسی است. قضیه، فقط قضیه‌ی شعرخوانی نیست؛ بلکه مسأله، مسأله‌ی پراکندن مداخل و فضایل و حقایق در قالبی است که برای همه‌ی شنوندگان، قابل فهم و درک و در دل آنها دارای تأثیر است. لذا شما اطراف کشور اسلامی آن روز - از اقصای خراسان و سیستان تا یمن و مصر و کشورهای مغرب اسلامی - را ببینید، شیعیانی بودند که راجع به

امیرالمؤمنین و سایر ائمه (علیهم السّلام) و نیز راجع به فاطمه‌ی زهرا (س) حرف میزدند و سخن میگفتند و برای این و آن، حقایقی را بیان میکردند. شما در بین کلمات ائمه (علیهم السّلام) یا سیره‌ی آن بزرگواران، کسی را که دارای چنین خصوصیتی است و این‌گونه مورد توجه ویژه قرار داده باشند، کمتر میبینید؛ مگر آن افراد بسیار برجسته - مثل «هشام بن حکم» یا «مؤمن الطاق» - که اینها در بین رجال شیعه، بینظیر و یا بسیار کم نظیر بودند. ائمه (علیهم السّلام)، امثال «هشام» و «مؤمن الطاق» را ستایش میکردند و مورد توجه و علاقه قرار میدادند؛ اما آن کسانی که همین مدح و بیان فضایل را به زبان شعر بیان میکردند - ولو آنچه که میگفتند، در حد اوج سخن «هشام بن حکم» هم نبود - مورد توجه و نوازش و احترام و تجلیل و تکریم قرار میدادند. علت این کار چیست؟

اهمیت شعر در بیان مطلب

شما ببینید امام باقر و یا امام سجاد (علیهما الصّلاه والسّلام) نسبت به «فرزدق» چه محبتی انجام دادند؛ در حالی که «فرزدق» جزو شعرای اهل بیت نیست. او یک شاعر درباری وابسته‌ی به دستگاههای قدرت و یک آدم معمولی بود که یک دیوان پُر از شعر، راجع به همین حرفها و مبتذلاتی که شعرای آن روز بر زبانشان جاری میکردند، داشت؛ لیکن چون یکبار وجدان او بیدار شد و در مقابل قدرت، حق را بیان کرد - آن هم به زبان شعر - شما ببینید که امام سجاد (علیه الصّلاه والسّلام) چه محبتی نسبت به او انجام میدهد. یا بقیه‌ی شعرایی که مربوط به اهل بیت بودند - مثل «کمیت» و «دعبل» و «سید جمیری» - و بقیه‌ی کسانی که جزو شعرای اهل بیت محسوب میشدند و به آنها علاقه‌مند بودند، همین وضعیت را داشتند.

خیلی از اینها، شعرایی هستند که اگر چه نسبت به اهل بیت علاقه هم دارند، اما همه‌ی شعرشان درباره‌ی اهل بیت نیست. شما دیوان «دعبل خزاعی» را که نگاه کنید، این‌طور نیست که او از اول تا آخر، مدح اهل بیت را گفته باشد. خیر، او یک شاعر است؛ ولی شعر او شعر سیاسی و در جهت افکار و عقاید و محبت اهل بیت (علیهم السّلام) و جزو پیوستگان به این خاندان است. ولایت، یعنی پیوستن و وصل شدن و جزو پیوستگان و موالیان اهل بیت (علیهم السّلام) قرار گرفتن. ببینید این «دعبل» - و همین‌طور «کمیت» و دیگران - چه قدر در دنیای تشیع و در زمان ائمه (علیهم السّلام)، مورد احترام و تجلیل بوده‌اند. علتش چیست؟

آن چیزی که جناب «دعبل خزاعی» در قصیده‌ی «مدارس آیات» بیان کرده، یا آن چیزی که «کمیت بن زیداسدی» در قصاید «سبعه‌ی هاشمیات» بیان نموده، یا آن حرفهایی که سید جمیری (رضوان الله علیه) در اشعار خود ذکر کرده است، بیش از حرفهایی که بقیه‌ی شیعه میگفتند و برای هم بیان میکردند، نیست؛ اما چرا در نظر ائمه (علیهم السّلام)، این سخنان



ارزش بیشتری پیدا میکنند؟ چون شعر است. آقایان، به این نکته توجه کنند. مگر شعر چه خصوصیتی دارد؟ چون تأثیر شعر در ذهن مخاطب بیشتر است. گاهی یک شاعر، یک بیت شعر میگوید که از چند ساعت حرف زدن یک سخنور توانا گویاتر است. یک بیت یا یک مصرع شعر، در ذهنها میماند و مردم آن را میفهمند و تکرار میکنند و نتیجتاً ماندگار میشود. گاهی میبینید که برای حفظ یک بنای اعتقادی یا عاطفی، آن قدر که یک شعر اهمیت دارد، چندین کتاب اهمیت ندارد. همین دوازده بند معروف «محتشم» که جزو اشعار قدیمی مرثیه و مصیبت است، با این که مطالبی که در این کتاب و در این دوازده بند هست، چیزی نیست که امثال او، شبیه این مطالب را در کتابهای خود نیاورده باشند؛ در عین حال، اشعار او تأثیر خاصی دارد. غالباً هم چیزهای ذوقی است.

گر چشم روزگار بر او فاش میگریست

خون میگذشت از سر ایوان کربلا

آن چنان حادثه‌ی کربلا را برای مخاطب تصویر میکند که این مفاهیم با همه‌ی بار اعتقادی و عاطفی و انسانی و سیاسی و فکری، در اعماق جان مستمع نفوذ میکند. اهمیت این اشعار، چنین است.

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

بینید اصلاً با یک هنر و ذوق و آرایه‌ی سخن و به شکل خاصی، دل را متوجه میکند. اهمیت شعر، این است.

📌 تمجید و تأیید اهل بیت (ع) از اشعار خوب شاعران

رفتار ائمه (علیهم‌السلام) این گونه بود که دعوت شعری را تقویت میکردند. فقط ائمه هم نبودند که این کار را میکردند؛ نقطه‌ی مقابلشان هم همین طور بودند. یعنی همین خلفای بنیامیه و بنیعباس، برای پیشرفت کار خود، محتاج شعر بودند و به شعرا پولهای گزاف میدادند تا برای آنها شعر بگویند. شعرا هم میگفتند؛ چون پول و رشوه در میان بود. حتی گاهی اوقات، بعضی از شعرای متمایل به اهل بیت، برای آنها هم شعری میگفتند؛ برای این که پولی بگیرند! امام باقر (علیه‌الصلاة والسلام) در مجلسی نشسته بودند. «کُتِبَ عَزَّه» که یکی از شعرای معروف عرب است و متمایل به اهل بیت بود، او هم در جلسه حضور داشت. حضرت به او رو کردند و گفتند: «امتدحت عبدالملک؟»، تو مدح عبدالملک را گفتی؟ ملامتش کردند. در صدد عذرآوردن بر آمد. گفت: من چیزی در ستایش عبدالملک نگفتم. نگفتم که تو امام‌الهدی هستی. حضرت تبسمی کردند و چیزی نگفتند. در این بین، «کمیت» از آن طرف مجلس بلند شد و بنا به

خواندن آن قصیده‌ی معروف خودش - که در مدح اهل بیت (علیهم‌السلام) بود - کرد:

من لقلب متیم مستهام

غیر ما صبوه و لا احلام

آنها هم دنبال شعر بودند. خلفا به شاعران پول میدادند، برای این که مثلاً در مدح بنیامیه یا بنیعباس و در باب این که اینها برحقند، شعر بگویند. امروز هم پول میدهند و میگویند به ابتذال بکشید و اسلام را قدح کنید و اهل بیت را مورد مذمت قرار بدهید و شیعه را خراب کنید. الان در دنیا دهها نویسنده‌ی مزدور قلم‌به‌مزد وجود دارند که صاحب ذوق و هنر هم هستند و از این پولهای بی‌حساب دلارهای نفتی میگیرند و کتاب مینویسند. من - به قول مشهدها - بُری کتاب از همین مواردی که اینها علیه اسلام و تشیع و امام(ره) و جمهوری اسلامی و ماها نوشته‌اند، دارم. تبلیغات است دیگر؛ تبلیغات با شیوه‌های خوب، اما با محتواهای بد. ببینید چه قدر قضیه اهمیت دارد.

تأثیر ترکیب دو عنصر شعر و صدای خوب در مداحی

حالا اگر مداحی بتواند یک شعر خوب را که دارای مضمون و محتوای خوبی باشد، با صدای خوبی بخواند، شما ببینید که چه قدر خدمت بزرگی است. بسم‌الله، این گوی و این میدان. منتها شرط اولش این است که شعر خوب باشد. اگر شعر خوب نبود، همه‌ی این فضایی که ذکر کردم، هیچ کدام نخواهد بود. این نکته را بدانید. کسانی که این خصوصیات را داشته باشند، اگر یک قصیده را در مکان مناسب و با زبان و قالب و محتوای بایسته و حنجره‌یی مساعد بخوانند، شما ببینید که چه تأثیری خواهد گذاشت. البته این حنجره، مسأله‌ی مستحبی و نافله‌ی شعر است؛ فریضه‌اش همان شعر میباشد. یعنی چنانچه شعر با صدای خوش همراه شد، تأثیرش مضاعف میشود؛ اما در استخوان‌بندی این کار، صدای خوش دخالتی ندارد. اگر صدای خوش بود و این شعر را با آن محتوای خوب و با آن الفاظ زیبا و با آن مضمونی که مورد نیاز است، همراهی کرد، ارزش آن دو برابر میشود. یقیناً قصیده‌یی را که کسی این گونه بخواند، ارزش آن از یک سخنرانی یکساعته‌ی یک آدم دانشمند بیشتر است.

این که ما مرتب در این دیدارها به برادران عرض کردیم که بروید اشعار قوی فارسی را در کتابهای گوناگون پیدا کنید و آنهایی را که برای تفهیم مفاهیم و عقاید و اخلاق اسلامی و یا بینش سیاسی و یا هر آنچه که امروز جامعه‌ی اسلامی به آن نیاز دارد و مناسب است، برگزینید و بیاورید در محافل بخوانید، برای همین تأثیر است. آن وقت، شما یک «کمیت» و یک «دعبل» خواهید بود.

لزوم طرح مفاهیم بلند اسلامی به جای پرداختن به مسائل ظاهری در اشعار

همان طور که مطرح کردم، یکی از چیزهایی که باید در این اشعار باشد، عبارت از مفاهیم بلند اسلامی - مثلاً در باب توحید یا نبوت - است. بهترین اشعار قدما در باب توحید و نبوت، همین مدایحی است که شعرای بزرگ ما در مقدمه‌ی دیوانها و مثنویهایشان ذکر کرده‌اند و گفته‌اند. این اشعار شعرای برجسته، مضامینی قوی و حقیقتاً روشنگر دارد که انسان میتواند پیامبر(ص) یا امام(ع) یا فاطمه‌یزهرا(سلام‌الله‌علیها) را با مضمون این اشعار بشناسد. نمی‌گوییم درست بشناسد، چون ما که نمیتوانیم آن بزرگواران را درست بشناسیم؛ اما در همان حدی که ممکن است، باید تلاش کنیم. مثلاً وقتی راجع به امیرالمؤمنین شعری خوانده میشود، باید هم مقام معنوی علی(ع) - که ما از او خبر کمی داریم و از ذهن و فکر و دل ما آدمهای پایین و متوسط پنهان است - و هم عبادت و مظلومیت و حکومت و عدل و ضعیف پروری و دشمن ستیزی و جهاد امیرالمؤمنین(ع) را بشناسیم.

حدود بیست سال پیش، این حرفها را می‌زدیم و خیلی، آنها را میشنیدند؛ ولی نمیفهمیدند که ما چه می‌گوییم. می‌گفتیم فقط درباره‌ی خال و خط خیالی چهره‌ی ائمه(علیهم‌السلام) شعر نسرایید. شعر گفتن درباره‌ی زلف و ابروی و چشم و عارض امام که تعریف نیست. حالا ابروی امیرالمؤمنین(صلوات‌الله‌علیه) کمانی باشد یا نباشد، مگر در شخصیت او چه قدر اثر می‌گذارد؟! زلف او افشان باشد یا نباشد، مگر چه قدر اثر می‌گذارد که حالا بیاییم در قصیده‌پی که می‌خواهیم راجع به امیرالمؤمنین بسراییم، از زلف امیرالمؤمنین بگوییم! البته، حالا به نظرم کم شده است. ان‌شاءالله که الان این چیزها نباشد. وقتی می‌گفتیم چرا اینها را می‌گویید، تعجب میکردند و می‌گفتند: پس چه بگوییم؟ می‌گفتیم از مسایل زندگی و برجستگیهای عملی علی(ع) بگویید. در آن روز، این مسایل برایشان روشن نبود؛ اما امروز چگونه است؟ امروز، برای همه روشن است.

زندگی امیرالمؤمنین را بیان کنیم تا بین او و خصومش در تاریخ و امروز مقایسه شود. این چیز کمی نیست که یک نفر حاکم باشد و تمام ازته‌ی قدرت - بیت‌المال و شمشیر و نفوذ کلمه - در کف اقتدار او باشد، اما زندگی شخصی او آن چنان باشد که به یاران نزدیکش بگوید: شما نمیتوانید این قدر سخت زندگی کنید: «الا و انکم لا تقدرون علی ذلک». غذای او طوری باشد که راوی از اصحاب امیرالمؤمنین به قنبر - خادم آن حضرت - بگوید: چرا این نان جوین سخت خشک را به این پیرمرد میدهی؟ و قنبر در جواب بگوید: من این کار را نمیکنم، خود او میکند. اوست که این نان و یا آرد جو را در داخل کیسه‌ی می‌گذارد و در آن را مینندد و گاهی هم مهر میکند که کسی باز نکند و آن را با شکر یا روغن یا قاتقی مخلوط نکند. «الا و انّ امامکم قد اکتفی من دنیاہ بطمریہ و من طعمہ بقرصیہ»^۱. این، زندگی اوست. این را بیان کنید. کسانی که

امروز در دنیا، داعیه‌ی حمایت از مظلومان و مستضعفان و ملتها و آزادی و حقوق بشر دارند، چگونه زندگی میکنند؟ آیا در جوامع آنها فقیر و مستمند نیست؟ آیا سرگرسنه بر بالین نهاده نیست؟ اینها را بگویید، اینها را بیان کنید. امروز شما خوب میتوانید اینها را تصویر کنید. اول برای خود و بعد برای دیگران تصویر کنید. جهاد امیرالمؤمنین، چیز مهمی است. از دوران کودکی - مثلاً از سن یازده یا سیزده سالگی - که او به عنوان یک انسان خودش را درک کرد، تا آخر عمر با دشمنان خدا مشغول مبارزه بود و بالاخره در این راه هم جان داد. یک شاعر، چه قدر خوب میتواند این را بیان کند. یک گوینده، چه قدر خوب میتواند این را در ذهنها و تا آن اعماق دل مردم نفوذ بدهد.

🌸 حفظ پیوند عاطفی مردم با ائمه (علیهم‌السلام)

شما پیوند عاطفی مردم با ائمه (علیهم‌السلام) را حفظ کنید که یک بخش آن هم مسایل اخلاقی است. یک بار به مناسبت، در این جا گفتم که بعضی از این غزلیات - مثلاً غزلیات صائب - درباره‌ی مسایل اخلاقی است که به نظرم نمونه‌هایش را هم، در آن وقت برایتان خواندم. این، اهمیت و ارزش کار را نشان میدهد. شاعری که بگوید و مداح و خواننده‌ی که آن را بخواند، تأثیر خوبی خواهد گذاشت. ان شاء الله برادران در این خصوص همت کنند. بحمدالله امروز ما خوانندگان خوب داریم. خدا را شکر که صاحب فکر و صاحب نظر سیاسی و صاحب انگیزه زیاد است و در اشعار و خواننده‌های شما که در بعضی از مناسبتها آنها را میشنویم و مشاهده میکنیم، واقعاً چیزهای خوبی پیدا میشود؛ اما توجه کنید که نسبت به شعر سختگیری کنید.

این جلسه، جلسه مناسبی برای این که من بنشینم و بگویم کدام بیت، اگر این طور بود، بهتر بود یا چه اشکالی داشت، نیست؛ اما این کار باید در مجامع ادبی انجام بشود. یعنی همین شعری که خودتان سروده‌اید و ممکن است خوب هم باشد - قضاوت کلی نمیکنم - آن را در یک مجمع ادبی، وسط بگذارید و به هر کسی که آن شعر را نقد کند و اشکال بجایی بر این شعر وارد نماید، جایزه بدهید تا قوی بشود. یا از اشعار خوبی که دیگران دارند و یا از اشعار خوب خودتان استفاده کنید. سعی کنید این گونه سطح شعرها را بالا بیاورید.

امروز بحمدالله برادران اشعاری را خواندند که بعضی از آنها، انصافاً و واقعاً اشعار بسیار خوبی بود و این چیز بسیار با ارزشی است. البته باید بتدریج طوری بشود که این سمت مداحی - که واقعاً یک منصب است - حدود و ثغوری هم پیدا کند. مداحی اهل بیت، خیلی بالاست. هم مقام بالا و هم تأثیر زیادی در جامعه و ذهن مردم دارد. باید بدانید که چه کسی مداح است، مقدمات کار مداحی او چیست، چه قدر شعر میداند، چه قدر حفظ است و چه قدر میتواند



بخواند؟ این خصوصیات را باید مرکزی عهده دار شود. حالا نمیدانم این مراکز مرسوم باید این کار را بکنند یا خود شما به کیفیتی فکرش را میکنید. این چیزی است که دنیا و نیازهای جامعه‌ی امروز، غیر از آن را بر نمیتابد و قبول نمیکند. باید این طور باشد. کسانی که رسماً این منصب را به عهده میگیرند و لباس مقدس ستایش اهل بیت (علیهم‌السلام) را بر تن میکنند و مردم، آنها را به این عنوان میشناسند، بایستی خصوصیتی داشته باشند و مرکزی باشد که آنها را با این خصوصیات تشخیص بدهد و صحنه بگذارد. امیدواریم که خدای متعال به شما توفیق بدهد.

اهتمام امام خمینی بر مسأله مدح اهل بیت (علیهم‌السلام)

امام عزیزمان - آن انسان بزرگ زمان ما - نسبت به مدح ائمه (علیهم‌السلام) حساسیت فوق‌العاده‌ی داشت. ما شرح حال آدمهای بزرگ را در کتابها خوانده‌ایم و بعضاً هم از نزدیک دیده‌ایم؛ اما این انسان، انسان دیگری بود و با همه‌ی انسانهای بزرگی که ما شناخته‌ایم، فاصله‌ی زیادی داشت و حدش به همان حدود اولیاءالله می‌خورد. آن سبک انسان بود؛ نه مثل این انسانهای بزرگی که در دنیای امروز و گذشته وجود داشتند و به عنوان انسانهای بزرگ شناخته میشدند. رهبر بزرگ ما، با آنها تفاوت زیادی داشت. انصافاً شخصیت عظیمی بود. ایشان، در ارتباط با خواندن و مدح و زندگی ائمه (علیهم‌السلام) و پیوند عاطفی و محبت و تقویت این رشته، حساسیت فوق‌العاده‌ی داشت. کسی در این حد از مقام، این قدر به این مسأله اهتمام بورزد، نشاندهنده‌ی عظمت این مسأله است.

عاطفه‌ی مردم ما و پیوندشان با ائمه (علیهم‌السلام) و عشقشان که در شادی آنها حقیقتاً شاد میشوند و در عزای آنها حقیقتاً محزون و غمگین میشوند، چیز بسیار مهمی است. حفظ و تقویت و پالودن و پیراستن و جهت دادن و هدایت این، برعهده‌ی کسانی از برگزیدگان - از جمله همین سلسله‌ی محترم مداحان که دارای این منصب عالی هستند - میباشد.



بایسته های مداحی؛ پالایش درونی و آموختن

- مراقبت از خود برای حفظ طهارت درونی
- نیاز آموزش به بهره گیری از هنر شعر و خوب خواندن
- محبت به اهل بیت (علیهم السلام) رمز بقای تشیع
- چیزی خوانده شود که معقول باشد
- تعبیرات ادعیه و مناجاتها محور اشعار باشد
- برای تفهیم مطالب نباید از هر آهنگی استفاده کرد

بایسته های مداحی؛ پالایش درونی و آموختن

نکته‌ی دوم، مربوط به شماسست. شما مداحان و گویندگان فضایل اهل بیت(ع)، بهترین کسانی هستید که می‌توانید حلقه‌ی عمل را به حلقه‌ی محبت وصل کنید و یک سلسله و زنجیره‌ی واقعی به وجود بیاورید. تا کسی اهل محبت نباشد، قاعدتاً وارد این وادیی که شما هستید، نمیشود. آن کسی که قدم در این وادی میگذارد، لابد مایه‌ی محبت و استعداد و قابلیت در او هست. آنچه وظیفه‌ی هر انسانی است، این است که سرمایه‌ها را زیاد کند. سعی کنید این سرمایه‌ی محبت و معرفت زیاد بشود. هر کس در هر سطحی که هست، باید خودش را بالا بکشد؛ ولاً تمام میشود. برادران! این سرمایه‌های معنوی هم مثل سرمایه‌های مادی است که گاهی تمام میشود. اگر به آن اضافه نکردید، تمام خواهد شد.

🏠 مراقبت از خود برای حفظ طهارت درونی

مولوی تمثیل خوبی دارد. او میگوید: آبی که خلائق از آن استفاده میکنند، خودشان را پاک و باطراوت و پاکیزه میکنند و کلاً به وجود پاکیزگی میدهد؛ اما خود این آب هم به پاکیزه شدن احتیاج دارد. آن کسی که آن آب را پاکیزه میکند، همان قوه‌ی فرونده‌ی در خلقت الهی است که او را بالا میکشد و به ابر و باران و آب خالص و پاک و طاهر تبدیلش میکند و دوباره به پایین برمیگرداند. همان آب قبلی است؛ منتها پاک شده. به برکت عروج و علو و تبدیل شدن و استحاله، یک گردونه‌ی تصفیه و تزکیه‌ی در آن هست. مولوی میگوید: هر اهل معرفتی هم اگر این استحاله و عروج گاهگاهی را نداشته باشد، هرچند که خود، وسیله‌ی پاکی و طهارت و

نزهت و زیبایی و آراستگی دیگران میشود؛ اما این سرمایه‌ها را خودش بتدریج از دست میدهد. پس، سعی کنیم که اول این پالایش درونی هیچ‌وقت متوقف نشود. هر کس هم که هستیم، فرقی نمیکنند. من که این مطالب را میگویم، به این پالایش درونی از شما محتاجترم. نه این که خیال کنیم این حرفها تعارف است؛ واقعیت است. بنای بر تعارف نیست؛ حقیقت قضیه این است. همه‌ی ما احتیاج داریم و من به این پالایش، بیشتر از شما احتیاج دارم. اگر این پالایش انجام نگیرد، این آبی که یک روز در آن دست میزدید، دست تمیز میشد؛ صورت را میشستید، تر و تازه میشد؛ همین آب، به چیزی تبدیل خواهد شد که دیگر شما حاضر نیستید دستتان را در آن بزنید. آبی که دستها و صورتها و بدنها از آن باطراوت شده است، اگر تصفیه نشود، پس از چندی، طوری خواهد شد که دیگر انسان رغبت نمیکند به آن دست بزنند و نزدیکش بشود؛ پالایش میخواهد. ما باید خودمان از درون پالایش بشویم.

این، مقدمه‌ی امر است. اما اصل قضیه این است، شما که آن محبت را از درون خود میجوшانید و از کلمات دیگران و از اشعار شعرا و از سروده‌های خوب استفاده میکنید و بعضی از شما حتی سروده‌های خودتان را بیان میکنید، بدانید که نقش بسیار والایی دارید. در این چند سالی که مثل امروز در خدمت برادران بوده‌ایم، بارها این حرفها را گفته‌ایم و سابقه و تاریخچه‌ی این مداحی و مدح اهل بیت و خاندان پیامبر را بیان کرده‌ایم. توصیه‌های زیادی هم عرض شده که نمیخواهیم آنها را تکرار کنیم.

🌟 نیاز آموزش به بهره‌گیری از هنر شعر و خوب خواندن

آنچه که می‌خواهیم عرض بکنم، این است که چند موضوع را در هر برهه‌ی از زمان در نظر بگیرید و در خلال اشعاری که به مناسبت مدح یا مصیبت و یا نصیحت برای مردم میخوانید، این مطلب را هم در جامعه بپراکنید. امتیازتان بر گوینده‌ی نثر این است که شما برای تفهیم و القای مطلب، از دو هنر - هنر شعر و هنر خوانندگی - استفاده میکنید. این، چیز مهمی است. البته خوانندگی در مقام مدح هم هنر خاصی است. معنایش هم فقط صدای خوب نیست. این هنر را باید یاد گرفت.

الحمدلله در جلسه‌ی امروز و در جلسات سالهای پیش و نیز به مناسبت‌های دیگر، کسانی که نشانه‌ی استادی یا پختگی در کار، از حرکات و حرف زدن و شروع و ختم و دست تکان دادن و نگاه کردنشان پیداست، من زیاد دیده‌ام. این، یک هنر است. این هنر بایستی آموخته بشود و کامل گردد و افزایش پیدا کند.

مردم زبان شعر را بهتر میخواهند، اما مثل زبان نثر نمیفهمند؛ بخصوص اگر شعر، شعر بالایی باشد. شما باید این را بفهمانید. فهماندنش با این نیست که آدم با صدای خوب بخواند. خلیها

شعر را با صدای خوب میخوانند؛ ولی مستمع هم نمیفهمد که چه گفت! شما باید بفهمانید. این فهماندن، همان هنر مداحی است. شعر را همراه با هنر خواندن - که البته غالباً با صدای خوب هم همراه است - برای تفهیم عرضه کنید. اگر با صدای خوب هم همراه نباشد، همان کیفیت خواندن، جبران صدای خوب را میکند. گاهی ممکن است از خیلی از خوش صداها هم بهتر و جاافتاده تر و شیرینتر تلقی بشود. از این باید برای پراکندن بهترین معارف اسلامی در باب اهل بیت و غیر آن استفاده کنید.

مردم محبتی دارند که بایستی بر اثر خواندن و گفتن شما، عمیق و ریشه دار و تند و آتشین و برافروخته بشود. تشیع، آیین محبت است. خصوصیت محبت، خصوصیت تشیع است. کمتر مکتب و مسلک و دین و آیین و طریقه‌یی مثل تشیع، با محبت سر و کار داشته است. علت این هم که چنین فکری تا امروز مانده - در حالی که این همه با آن مخالفت کرده‌اند - این است که ریشه در زلال محبت داشته و دین تولی و تبری و آیین دوست داشتن و دشمن داشتن است و عاطفه در آن، با فکر هماهنگ و همدوش است. چیزهای خیلی مهمی است. اصل خیلی سحرآمیز و عجیبی است.

🔗 محبت به اهل بیت (علیهم‌السلام) رمز بقای تشیع

اگر محبت در تشیع نبود، این دشمنیهای عجیبی که با شیعه شده، باید او را از بین میبرد. همین محبت شما مردم به حسین بن علی (علیه‌السلام)، ضامن حیات و بقای اسلام است. این که امام میفرمود، عاشورا اسلام را نگهداشت، معنایش همین است. فاطمیه و میلاد و وفات پیامبر (ص) و ائمه (علیهم‌السلام) هم همین طور است. باید با استفاده‌ی از این هنر، این محبت را در میان مردم هم عمق بخشید، هم تر و تازه کنید و هم برافروخته نمایید. چیز خیلی عجیب و عظیمی است.

البته ابزار لازم برای این کار، شعر خوب و درست است. یکی از برادران گفتند که اگر غلط است، بگویید تا نخوانیم. بنایمان این نیست که هرچه را در آن شک داریم و یا قبول نداریم، بگوییم نخوانند؛ والا اگر ما بخواهیم همین طور بگوییم این غلط است و نخوانید، میترسیم که برادران در خواندن خیلی محدود بشوند!

🔗 چیزی خوانده شود که معقول باشد

دنبال این نباشید که چیزی که در متن تاریخ اثبات شده است، آن را بخوانید؛ چون هیچ چیز نمیتوانید بخوانید. تازه آنچه که در «لهوف» ابن طاووس هست، خبر واحد است دیگر. توجه کنید، چیزی را بخوانید که معقول باشد. البته، نه این که انسان هرچه معقول است، از خودش



بسازد و بخواند! نه، آن را به اصول و واقعیت‌هایی متکی کنید. البته گزاره‌ی هر حدیثی، وقتی که هنری باشد، با پیرایه‌هایی همراه خواهد بود. آن پیرایه‌ها ایرادی ندارد؛ منتها به شرط این که آن پیرایه‌ها همه چیز نشود. اصل را بایستی از واقعیت‌هایی که هست، گرفت؛ منتها آن را با بیان هنری پیرایه‌ی لازم بخشید و گفت. حالا شاید مجال نباشد که در این باره صحبت بکنیم؛ لیکن اینها حرف‌هایی است که باید بالاخره گفته و شنیده بشود و تکرار گردد.

تعبیرات ادعیه و مناجات‌ها محور اشعار باشد

در دعاها و زیارت‌های ما، تعبیرات عاشقانه و خیلی خوبی هست که حقایق را نشان میدهد؛ اینها را محور باید قرار داد. آنچه را که مثلاً شیخ و ابن‌طاووس و مفید و دیگر بزرگان در کتاب‌هایشان گفته‌اند، اینها را بایستی محور قرار داد. بعد آنها را در یک آرایه‌ی هنری، به شکل زیبا و شایسته‌ی بیان کرد. حالا در آن شکل بیان، هر کسی سلیقه‌ی دارد؛ آن ایرادی ندارد. نقش شما، نقش بسیار مهمی است. من اصرار دارم که این نکته را برای برادران عزیز مداح - چه آنهایی که به صورت حرفه‌ی مداح هستند، چه آن کسانی که گاهی در کنار کارهایشان این کار را انجام میدهند - تکرار بکنم که این نقش، نقش بسیار مهم و حایز اهمیت و حساسی است؛ این را کم نگیرید.

جامعه‌ی مداح، آن وقتی که از زبان خوب - شعر عالی، محکم، قوی، گویا - و محتوای خوب - شعر اخلاقی، تاریخی، اعتقادی، توحید، نبوت، ولایت - برخوردار باشد، نقش خود را ایفا کرده است. در همه‌ی اینها هم شعر هست. در زبان فارسی، این قدر شعر خوب و حکمت‌آمیز وجود دارد که اگر کسی بخواهد ده سال تکراری نخواند، میتواند در تمام موضوعات، شعر بیرون بیاورد. از شعرای قدیم بگیرید، تا شعرای امروز و شعرهای خوب. پس زبان خوب، شعر خوب و محتوای حکمت‌آمیز، اعم از اعتقاد و اخلاق و مصیبت و مدح و مسایل اجتماعی و مسایل انقلاب و امثال اینها، خیلی مهم است.

برای تفهیم مطالب نباید از هر آهنگی استفاده کرد

نکته‌ی سوم، هنر تفهیم است. هر آهنگ و آوازی به درد شما نمیخورد. آهنگ و آواز خاصی به درد شما میخورد؛ آن هم با شیوه‌ی بیان خاص مداحی. اگر کار مهم نبود، من در بیان این جزئیات معطل نمیشدم؛ اما کار خیلی مهم است. اگر این کار، خوب انجام بگیرد - که بحمدالله ما در طول سالهای متمادی، بسیاری از برادران را دیده‌ایم که این کار را خوب هم انجام میدادند و میدهند - نقش فوق‌العاده مؤثر و والایی در پیشرفت فکری و اعتقادی و اسلامی جامعه‌ی ما خواهد داشت.



امیدواریم که خداوند به شماها توفیق بدهد و این مجلس ما را مشمول نظر فاطمه‌ی زهرا و صدیقه‌ی کبری (سلام الله علیها) قرار بدهد و توفیق تمسک به ذیل این بزرگوار و خاندان پاکش را به همه‌ی ما عنایت کند و ما را با محبت این بزرگواران زنده بدارد و با محبت آنها بمیراند و مرگ و زندگی ما را در راه آنها قرار دهد. خداوند قلب مقدس ولی عصر را از ما راضی و خشنود کند و ما را مشمول دعای آن بزرگوار قرار بدهد. خداوند روح مطهر امام عزیز عظیم رحلمان را از ما شاد کند و از این مجلس، بهره‌ی وافری به روح مطهر آن بزرگوار برساند.



ضرورت شباهت به محبوب برای محب

❁ وظیفه داریم خود را شایسته‌ی انتساب به اهل
بیت (س) کنیم
❁ الزامات پیمودن طریق حضرت زهرا(س)
❁ وظیفه مداحان؛ تبلیغ به وسیله هنر مداحی

ضرورت شباهت به محبوب برای محب

خدا را سپاسگزاریم که در چنین روز با عظمت و فرخنده و زیبایی، توفیق زیارت شما مدحان و ستایشگران خاندان عصمت و طهارت، مجدداً نصیب ما شد. ما مدعیان آشنایی و معرفت و ارادت به آن بانوی دو عالم، برکات فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) را در سرتاسر ایام حیات خودمان و در جلوه‌های گوناگون زندگی مشاهده کرده‌ایم. ان‌شاءالله تداوم این برکات و تفضلات را تا همیشه‌ی زندگی و پس از مرگ هم ببینیم و حس کنیم و همه‌ی دوستان و موالیان، از آن انوار مطهره مستفیض بشوند.

فیوضات فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها)، به مجموعه‌ی کوچکی که در مقابل مجموعه‌ی انسانیت، جمع محدودی به حساب می‌آید، منحصر نمیشود. اگر با یک دید واقع‌بین و منطقی نگاه کنیم، بشریت یکجا مرهون فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) است - و این گزارف نیست؛ حقیقتی است - همچنان که بشریت مرهون اسلام، مرهون قرآن، مرهون تعلیمات انبیا و پیامبر خاتم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) است. در همیشه‌ی تاریخ این‌طور بوده، امروز هم همین‌طور است و روزبه‌روز نور اسلام و معنویت فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) آشکارتر خواهد شد و بشریت آن را لمس خواهد کرد.

وظیفه داریم خود را شایسته‌ی انتساب به اهل بیت (س) کنیم

برادران عزیز! آنچه ما وظیفه داریم، این است که خود را شایسته‌ی انتساب به آن خاندان کنیم. البته منتسب بودن به خاندان رسالت و از جمله‌ی وابستگان آنها و معروفین به ولایت آنها بودن،

دشوار است. در زیارت میخوانیم که ما معروفین به دوستی و محبت شما هستیم؛^۱ این وظیفه‌ی مضاعفی را بر دوش ما میگذارد.

این خیر کثیری که خداوند متعال در سوره‌ی مبارکه‌ی کوثر مژده‌ی آن را به پیامبر اکرم داد و فرمود: «آنا اعطیناک الکوثر»^۲ - که تأویل آن، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) است - درحقیقت مجمع همه‌ی خیراتی است که روزبه‌روز از سرچشمه‌ی دین نبوی، بر همه‌ی بشریت و بر همه‌ی خلائق فرو میریزد. خلیها سعی کردند آن را پوشیده بدارند و انکار کنند، اما نتوانستند؛ «والله متمّ نوره و لو کره الکافرون»^۳.

ما باید خودمان را به این مرکز نور نزدیک کنیم؛ و نزدیک شدن به مرکز نور، لازمه و خاصیتش، نورانی شدن است. باید با عمل، و نه با محبت خالی، نورانی بشویم؛ عملی که همان محبت و همان ولایت و همان ایمان، آن را به ما املاء میکند و از ما میخواهد. با این عمل، باید جزو این خاندان و وابسته‌ی به این خاندان بشویم. این‌طور نیست که قنبر در خانه‌ی علی (علیه‌السلام) شدن، کار آسانی باشد. این‌گونه نیست که «سلمان منّا اهل‌البیت»^۴ شدن، کار آسانی باشد. ما جامعه‌ی موالیان و شیعیان اهل‌بیت (علیهم‌السلام)، از آن بزرگواران توقع داریم که ما را جزو خودشان و از حاشیه‌نشینان خودشان بدانند؛ «فلان ز گوشه‌نشینان خاک درگه ماست»^۵. دلمان میخواهد که اهل‌بیت درباره‌ی ما این‌طور قضاوت کنند؛ اما این آسان نیست؛ این فقط با ادعا به دست نمی‌آید؛ این، عمل و گذشت و ایثار و تشبه و تخلق به اخلاق آنان را لازم دارد.

شما ملاحظه کنید، این بزرگواری که ما امروز ساعتی با شما پای استماع مدایح و فضایلش نشستیم - که آنچه گفته شد، قطره‌یی از دریاست - در چه سنی این همه فضایل را حایز شد؟ در چه مدت عمری این همه درخشندگی را از خود بُروز داد؟ در عمری کوتاه؛ هجده سال، بیست سال، بیست‌وپنج سال؛ نقلها متفاوت است. این همه فضایل، بیهوده به دست نمی‌آید؛ «امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لما امتحنک صابره»^۶. خدای متعال، زهرای اطهر - این بنده‌ی برگزیده - را آزمود. دستگاه خدای متعال، دستگاه حساب و کتاب است؛ آنچه میبخشد، با حساب و کتاب میبخشد. او، گذشت و ایثار و معرفت و فدا شدن این بنده‌ی خاص خود را در راه اهداف الهی میدانند؛ لذا او را مرکز فیوضات خود قرار میدهد.

الزامات پیمودن طریق حضرت زهرا(س)

ما باید این راه را برویم. ما هم باید گذشت کنیم، ایثار کنیم، اطاعت خدا کنیم، عبادت کنیم. مگر نمیگوییم که «حتّی تورّم قدماها»^۷؟ این قدر در محراب عبادت خدا ایستاد! ما هم باید در محراب عبادت بایستیم. ما هم باید ذکر خدا بگوییم. ما هم باید محبت الهی را در دلمان

۵. به حاجب در خلوت‌سرای خاص بگوفلان ز گوشه‌نشینان خاک درگه ماست/«حافظ»
۶. مفاتیح‌الجنان، زیارت حضرت زهرا(س)
۷. مناقب، ج ۳، ص ۳۴۱

۱. و معروفین بتصدیقنا ایاکم». مفاتیح‌الجنان، زیارت جامعه‌ی کبیره
۲. کوثر: ۱
۳. صف: ۸
۴. بحارالانوار، ج ۲۲، ص ۳۲۶

روزبه روز زیاد کنیم. مگر نمیگوییم که با حال ناتوانی به مسجد رفت، تا حقی را احقاق کند؟ ما هم باید در همه‌ی حالات تلاش کنیم، تا حق را احقاق کنیم. ما هم باید از کسی نترسیم. مگر نمیگوییم که یکتنه در مقابل جامعه‌ی بزرگ زمان خود ایستاد؟ ما هم باید همچنان که همسر بزرگوارش فرمود «لا تستوحشوا فی طریق الهدی لقله اهل»^۸ از کم بودن تعدادمان در مقابل دنیای ظلم و استکبار نترسیم و تلاش کنیم. مگر نمیگوییم که آن بزرگوار کاری کرد که سوره‌ی دهر درباره‌ی او و شوهر و فرزندان نازل شد؟ ایثار نسبت به فقرا و کمک به محرومان، به قیمت گرسنگی کشیدن خود؛ «و یؤثرون علی انفسهم ولو کان بهم خصاصه»^۹. ما هم باید همین کارها را بکنیم.

این نمیشود که ما دم از محبت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) بزنیم، در حالی که آن بزرگوار برای خاطر گرسنگان، نان را از گلوی خود و عزیزانش - مثل حسن و حسین (علیهما السلام) و پدر بزرگوارشان (علیه السلام) - برید و به آن فقیر داد؛ نه یک روز، نه دو روز؛ سه روز! ما میگوییم پیرو چنین کسی هستیم؛ ولی ما نه فقط نان را از گلوی خود نمیبریم که به فقرا بدهیم، اگر بتوانیم، نان را از گلوی فقرا هم میبریم!

این روایاتی که در «کافی» شریف و بعضی از کتب دیگر در باب علامات شیعه هست، ناظر به همین است؛ یعنی شیعه بایستی آن طوری عمل کند. ما باید زندگی آنها را در زندگی خود - ولو به صورت ضعیف - نمایش بدهیم. ما و از ما بزرگترها کجا، آن آستان بلند کجا؟ معلوم است که ما حتی به حدود دوردست او هم نمی‌رسیم؛ اما باید تشبه کنیم. نمیشود در نقطه‌ی مقابل زندگی اهل بیت حرکت کنیم، ولی ادعا کنیم که ما جزو موالیان اهل بیتیم! چنین چیزی ممکن است؟ فرض بفرمایید کسی در زمان امام بزرگوار ما، از دشمنان این ملت - که امام داریم علیه آنها حرف میزد - تبعیت میکرد؛ آیا او میتوانست بگوید من تابع امامم؟! اگر چنین چیزی از زبان کسی صادر میشد، آیا شماها نمی‌خندیدید؟! همین قضیه در باب اهل بیت (علیهم السلام) هم هست.

ما باید شایستگی خود را ثابت کنیم. مگر نمیگوییم که جهیزیه‌ی آن بزرگوار چیزهایی بود که انسان با شنیدن آنها اشکش جاری میشود؟ مگر نمیگوییم که این زن والامقام، برای دنیا و زیور دنیا هیچ ارزشی قائل نبود؟ مگر میشود که روزبه روز تشریفات و تجمل‌گرایی و زر و زیور و چیزهای پوچ زندگی را بیشتر کنیم و مهریه‌ی دخترانمان را زیادتر نماییم؟!

اوایل که گاهی بعضیها مهریه‌ی عقد را یک خرده گران قرار میدادند، ما شوخی میکردیم و میگفتیم شما که میخواهید مثلاً فلان قدر سکه قرار بدهید، پس یکبار بگویید ۷۲ سکه! اما حالا مبینیم که تعیین مهریه‌های گران قیمت، واقعی شده است! واقعاً چه خبر است؟ شما که پدر آن دختر هستید، آیا میتوانید ادعا کنید که پیرو پدر فاطمه (سلام الله علیها) هستید؟

این طوری نمیشود؛ ما باید به حال خودمان فکری بکنیم.

🕌 وظیفه مداحان؛ تبلیغ به وسیله هنر مداحی

حالا چرا این حرفها را به شما گفتم؟ چون شما مداحید و باید بروید این حرفها را در مدحها تن در مجالس فاطمه‌ی زهرا(س) به مردم بگویید؛ و آلا شماها که معلوم است وضعتان چه طوری است. اینها را درباره‌ی فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) بگویید. با آن ذوق و هنر و صدای خوش و لحن مطلوب و کیفیت جذاب خوانندگی خودتان، کاری کنید که دل‌های ما مستمعان به این حقایق نزدیک شود. اگر فرض کنیم که ما ابیاتی در مقامات معنوی فاطمه‌ی زهرا(سلام‌الله‌علیها) بخوانیم که مستمع ما چیزی هم از آن نفهمد و سر در نیاورد، معلوم نیست که او را به فاطمه‌ی زهرا نزدیک کند. لازم است ما روزبه‌روز به این خانواده نزدیکتر بشویم. ملت ما از این طریق خواهد توانست به رسالت خود عمل کند. این ملت این طوری میتواند آن پیام بزرگ را به دنیا برساند.

امروز میبینید که وضع دنیا چگونه است. این کاخهای مرتفع و خیلی پُر زر و زیور، اما با پایه‌هایی از مقوا، یکی پس از دیگری دارد فرو میریزد. این شوروی، امپراتوری بزرگ به اصطلاح سوسیالیستی و کارگری بود؛ اما آن‌گونه فرو ریخت و در هم مچاله شد! نمیشود گفت فرو ریخت؛ اصلاً نابود و له شد! شبیه همین فعل و انفعال، الان در بعضی از جاهای دیگر دنیا هم دارد انجام میگیرد؛ منتها تا آن وقتی که آشکار بشود، مقداری زمان میطلبد. این تمدنها و زر و زیورهای ضد حق دارند له میشوند.

بنای حق باید مرتفع باشد. گمان نکنید که اگر باطل به خاطر زوال پذیریش از بین رفت، حق به خودی خود و بدون تلاش، در دنیا عَلم خواهد شد - ابداً - باطل دیگری سر جایش میآید؛ مگر آن وقتی که حق، خود را آن‌چنان که هست، عرضه کند. این باطلها مرتب پشت سر هم میآیند و میروند؛ مرتب به وجود میآیند و از بین میروند. طبیعت باطل، زایل شدن و از بین رفتن است. گمان نشود که اگر باطل از بین رفت، ممکن است اسلام یا حق، بدون تلاش و مجاهدت، بدون تعریف و تبیین، بدون زحمت کشیدن من و شما، در دنیا جایگزین باطلها بشود؛ نه، بسته به این است که من و شما چه کار کنیم.

پس، باید از اهل بیت همچنان درس گرفت؛ همچنان این درسها را به مردم داد؛ همچنان تربیت کرد؛ تا بر اثر این کوششها، مُرّ حق و لُبّ حق بتواند جانشین باطلها بشود.





سه خصوصیت ممتاز لازم برای مداح

زندگی‌ای شبیه به اسطوره‌های تاریخ
امتحان‌های دشوار در دوره کوتاه زندگی حضرت
زهرا(س)
سه شاخصه برای مداح

سه خصوصیت ممتاز لازم برای مداح

زندگی ای شبیه به اسطوره های تاریخ

زندگی فاطمه زهرا (سلام الله علیها) به خاطر عظمت و شگفتیهای فراوانی که در آن هست، شبیه اسطوره های تاریخ است. حقیقتاً چشم ما نمیتواند مقامات معنوی آن بزرگوار را ببیند - «تو بزرگی و در آینه کوچک نمایی» - ما نمیتوانیم آن قامت رسا و آن عظمت را حتی در چشم کوتاه بین ذهن خودمان تصویر کنیم؛ لیکن همان چیزی که چشمان سطحی نگر ما میبیند، خیلی با عظمت است. یعنی آن زندگی کوتاه چه در دوران کودکی، چه در دوران نوجوانی و چه در دوران تأهل و ازدواج و خانه داری این قدر پرمغز است!

امتحان های دشوار در دوره کوتاه زندگی حضرت زهرا(س)

مگر هر کسی میتواند همسر امیرالمؤمنین باشد؟ عظمت علی آن گونه است که کوههای عظیم را در مقابل خود آب میکند. نفس همسری امیرالمؤمنین، یک نشانه بزرگ عظمت است؛ لیکن شما ببینید تعامل این زن و شوهر چگونه است و دو بزرگ خارج از ابعاد ذهن انسان، چگونه با هم حرف میزنند؛ چگونه زندگی میکنند؛ چگونه این زندگی الگو و نمونه تاریخ را اداره میکنند و چگونه هر کدام نقشی به عهده میگیرند! اینها تصادفی نیست. نقش آن شوهر در دوران مبارزات و جنگها این است که نفر اول و خطشکن درجه یک و گره گشای اول و آخر باشد. در دوران بعد از رحلت پیغمبر، این نقش تغییر پیدا میکند. همان شجاعت، همان قدرت و همان عظمت وجود دارد؛ منتها در نقش دیگری ظهور میکند. مگر هر کسی میتواند آن حادثه عظیم بعد از

پیغمبر را تحمّل کند؟ اما علی تحمّل کرد و این همان شجاعت خیبر و همان قدرت احد است که در این جا طاقت میآورد. بعد، دوران خلافت است که هر کلمه کلمه و هر قدم به قدم آن، اثری در تاریخ اسلام و تاریخ بشر گذاشته است. آن گاه نقش همخوان با این شخص، نقش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است. اگر آن مظلومیت عظیم و جانسوز در تاریخ خود را نشان نمیداد، حقایق اسلام آن چنان که بعداً آشکار شد، آشکار نمیشد. اینها تصادفی نیست. همه اینها طراحی شده با تدبیر الهی است؛ منتها کسانی برای این میدانها و این نقشهای دشوار انتخاب میشوند که جوهر آنها، جوهر برگزیده خداست. در بین همه انسانهای طول تاریخ، خدای متعال انتخاب میکند: «امتحنک الله الذی خلقک قبل ان یخلقک فوجدک لما امتحنک صابرة»^۱. میدان، میدان امتحان است. میدان کار تصادفی نیست. میدان امتیاز دادن بیخودی نیست. خدای متعال بیخودی به کسی امتیاز نمیدهد. این جوهر، این اراده قوی، این عزم راسخ، این گذشت و فداکاری در فاطمه زهرا (سلام الله علیها) کار را به آن جا میرساند که او سنگ الماسی میشود که همه این چرخها بر روی آن میچرخد. دشوارترین چرخها را باید بر روی سختترین پایهها و قاعدهها بچرخانند. این چرخ عظیم تاریخ اسلام و امتحانهای دشوار، در همان دوران کوتاه، بر روی دوش فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بود. خدا او را انتخاب کرد و او توانست بشریت را نجات دهد. فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرشته نجات انسانها در طول تاریخ است. برای همین هم هست که ائمه (علیهم السلام) این قدر برای آن بزرگوار تکریم و حرمت قائلند و نسبت به او اظهار خشوع میکنند. هیچ مقامی از این بالاتر وجود دارد؟

سه شاخصه برای مداح

مدّاحی و ستایشگری خاندان پیغمبر - که طبعاً ذکر مصائب را هم به همراه دارد - شغل خیلی مهم و بزرگی است. البته ما بارها در طول سالهای گذشته در چنین جلساتی مطالبی را در این زمینه عرض نموده و با زبانهای گوناگون به هنر مدّاحی اظهار اخلاص و ارادت کرده ایم. در کار مدّاحی شما چند چشمه هنری وجود دارد: شعرتان هنر است؛ صدایتان هنر است؛ آهنگی که انتخاب میکنید، هنر است؛ اشارات و کارهایی که انجام میدهید، هنر است. عنصر دوم، عنصر تعقل است؛ چون منطق، استدلال، حرف حساب، حرف درست و حرف خوب در لابلای این شعرها فراوان وجود دارد و میتواند ذهنها را قانع کند. البته منطق، شکلهای مختلفی دارد. گاهی برهانی است، گاهی خطابی است، گاهی شعری است؛ مقصود این است که بتواند این پیام را به اعماق ذهن مخاطب برساند و او را قانع کند. خصوصیت سوم این است که شما حامل پیام دینی محسوب میشوید؛ یعنی سمت معنوی و روحانی دارید. در دنیا خوانندگان خوب زیاد هستند و ممکن است شعرهای خوبی هم بخوانند؛ اما آنها از موضع مدّاح حرف نمیزنند؛ ولی

شما از موضع مدّاح اهل بیت و از موضع معنوی و روحانی حرف میزنید. البته خصوصیات دیگری هم وجود دارد، اما این سه خصوصیت در کنار هم مهمتر است. من میخواهم عرض کنم که از این سه خصوصیت میشود خیلی خوب استفاده کرد؛ میشود استفاده نکرد؛ میشود بد استفاده کرد. البته خوب استفاده کردن هم طیفی از انواع استفاده را در ذیل خودش دارد. عزیزان من!

سعی کنید از این سه خصوصیت ممتازی که الحمدلله خدای متعال به شما عنایت کرده، به بهترین وجهی استفاده کنید. شعر شما باید خوب، محکم، قوی، خوش مضمون و قانع کننده باشد. گاهی قصیده‌ای که شما میخوانید، به اندازه چند منبر یک منبری خوش بیان تأثیر میگذارد. گاهی یک بیت شعر بجا به قدر یک کتاب قیمت دارد. اینها آسان و مغانی به دست نمیآید. انسان باید زحمت بکشد، کار و تلاش کند، شعر خوب را بیابد، آن را حفظ کند و بخواند. البته امروز خوشبختانه معمول شده که شعر را از رو بخوانند. به نظر ما اشکالی هم ندارد؛ اما قدیمیها عیب میدانستند که از رو بخوانند. البته اگر مدّاحان شعر را حفظ کنند، یک هنر اضافه هم خواهند داشت؛ اما اگر حفظ نکنند، اشکالی ندارد. مهم این است که شعر، خوب، متین، قوی و خوش مضمون باشد. معیار شعر خوب و خوش مضمون چیست؟ مضمون خوب کدام است؟ غلط کدام است؟ درست کدام است؟ اینها بحثهای مفصلی است که در جای خود باید روشن شود؛ اما به هر حال خوب استفاده کردن، شقّ صحیح است، والا استفاده نکردن یا خدای نکرده بد استفاده کردن، شقوق نادرست آن است.



مداحی؛ ترکیب صدای خوش، آهنگ درست، لفظ خوب
و مضمون حقیقی متناسب با نیاز

- 🕌 نیاز امروز به تبیین جریان ولایت
- 🕌 مداحی اهل بیت در واقع مداحی نیکی، معنویت و جهاد است
- 🕌 ارکان مداحی: صدای خوش، آهنگ مناسب و شعر خوش لفظ و خوش مضمون
- 🕌 اهمیت بسیار زیاد محتوای اشعار
- 🕌 استفاده نکردن از هر تعبیری برای حضرات معصومین

مداحی؛ ترکیب صدای خوش، آهنگ درست، لفظ خوب...

نیاز امروز به تبیین جریان ولایت

امروز مثل خیلی از دورانه‌های دیگر تاریخ، ما - جریان ولایت و دوستداران ائمه علیهم‌السلام - به تبیین احتیاج داریم؛ گفتن، بیان کردن، روشن کردن و حقایق را در معرض بینایی و دانایی انسانها قرار دادن. اگر اهمیت تبیین نبود، امام صادق علیه‌السلام شاعری مثل «کمیت» را آن گونه مورد عنایت قرار نمیداد؛ یا امام هشتم علیه‌السلام «دِعبَل» را؛ یا امام چهارم علیه‌السلام «فرزدق» را. شعرای معروفی که شما اسم‌هایشان را شنیده‌اید - مثل فرزدق، کمیت و دیگران - اینها سلمان زمان خودشان نبودند؛ اینها در مقایسه با اصحاب عالی‌مقام ائمه، خیلی متوسط بودند. نه معرفتشان به قدر معرفت «زراره» و «محمدبن مسلم» و امثال اینها بود؛ نه فعالیتشان در محیط اهل بیت زیاد بود. اما شما میبینید امام از اینها تجلیلی میکند که از خیلی از اصحاب بزرگوار خودش نمیکند؛ چرا؟ به خاطر تبیین. چون اینها در یک جا حرفی زدند و نکته‌ای را روشن کردند که مثل خورشیدی بر ذهنها و دلها تابیده و حقیقتی را برای مردم روشن کرده است.

این که فرمودند: «من قال فینا شعراً و بکی أو أبکی و جب له الجنة» (۱) - کسی شعری درباره ما بگوید و چشمی را بگریاند، بهشت بر او واجب میشود - معنایش چیست؟ معنایش این است که بهشت را ارزان کرده‌اند؟ بهشتی که این همه باید عبادت کرد تا به آن رسید، آیا آن را این‌طور دم دستی کرده‌اند؟ یا نه؛ آن کار، آن شعر گفتن و تسخیر دل با آن شعر و انتقال یک مطلب در آن روز، آن قدر مهم بوده که به خاطر آن اهمیت، جا داشته است که در مقابل یک بیت شعری که این‌گونه تأثیر میگذارد، بهشت را به او وعده دهند. هر وقت شعر شما این اثر را داشته باشد، بدون بروبرگرد، همان وعده بهشت در

مقابلش وجود دارد. این یک محاسبه‌ی کاملاً منطقی و روشن است. در زمان ما که شما می‌خواهید شعر بگویید یا شعر بخوانید و مایلید در مقابلش اجر و منزلت «دعبل» و «فرزدق» را هم داشته باشید، راهش چیست؟ راهش این است که همان خلایقی را که آن روز «دعبل» یا «فرزدق» یا «کمیت» یا بقیه شعرای اهل بیت با شعر خود پُر میکردند، پُر کنید. این مطلبی است که من همیشه به مداحان و شعرای عزیز مذهبی تذکر داده‌ام.

🌸 مداحی اهل بیت در واقع مداحی نیکی، معنویت و جهاد است

شما مداحان عزیزی که این‌جا هستید - جمعی از جماعت حاضر، یا مداحید یا شوق مداحی دارید؛ احتمالاً بعضی از جوانها در آینده مداحان بسیار خوبی هم بشوند - بدانید که مداحی و ستایشگری ائمه علیهم‌السلام در حقیقت ستایشگری نیکی و معنویت و جهاد است؛ ستایشگری خورشید امامت و ولایت است؛ خورشید حقیقتی که سعی شد آن را بیوشانند؛ اما همین زبانهای گویا نگذاشتند. نه فقط مداحان و شعرا نگذاشتند، بلکه همه کسانی که در راه معرفت دینی کار کرده‌اند و همه دل‌های فروزنده از محبت اهل بیت علیهم‌السلام در این سیزده، چهارده قرن، نگذاشتند این خورشید پوشیده بماند. روز به روز ابرها را از مقابل آن خورشید، بیشتر کنار زدند تا امروز به این‌جا رسیده‌ایم. این کار باید ادامه پیدا کند و حقایق اهل بیت علیهم‌السلام روشن شود.

🌸 ارکان مداحی: صدای خوش، آهنگ مناسب و شعر خوش لفظ و خوش مضمون

مداحی رایج در بین ما، یک حرفه دو جانبه است؛ فقط آواز خوانی و شعر خوانی نیست؛ ترکیب هنرمندانه‌ای از این دو مقوله است. البته من نمیدانم این شیوه از چه زمانی باب شده؛ از زمان صفویه است، از قبل از اوست، از بعد از اوست. به‌هر حال امروز در جامعه ما رواج دارد. صدای خوش، آهنگ مناسب و شعر، سه رکن کار است. خود این شعر هم دو بخش دارد: یک بخش لفظ، یک بخش مضمون. اگر چهار پایه اصلی مداحی - یعنی صدای خوش، آهنگ درست، لفظ خوب و مضمون حقیقی متناسب با نیاز - کامل باشد، بهترین وسیله تبیین است و تأثیرش از منبر و درس فقهی‌ای که ما می‌گوییم بیشتر است. صوت و آهنگ به وسیله خود آقایان مداحان تأمین میشود؛ اما لفظ و معنا باید به وسیله‌ی شاعر تأمین شود. بعضی از الفاظ، زیبا و پُرطراقتند؛ اما حاصلی ندارند و چیزی از آنها دست مستمع را نمی‌گیرد. بعضی از معانی، خوب و بلندند؛ اما با الفاظ رسایی بیان نمیشوند. اینها همه میشود عیب. کسی که مداحی میکند، باید خودش را در روی منبر ببیند و مستمعان را کسانی مشاهده کند که میخواهند از او چیزی بیاموزند. با این نیت و انگیزه پشت تریبون یا منبر مداحی قرار گیرد.

🌸 اهمیت بسیار زیاد محتوای اشعار

صدای بعضی از آقایان مداحان خوب است، ولی با خواندن آنها انسان چیزی یاد نمی‌گیرد؛ اما بعضی



نه؛ وقتی شعر میخوانند، معرفتی را به ما میآموزند. آنچه که میآموزیم، بهترینش آن چیزی است که ما به آن نیاز داریم. گاهی کلمات مدح آمیزی از ائمه علیهم السلام پشت سر هم میآوریم که نه درست مستمع به عمق این کلمات میرسد، نه با فهمیدن آن کلمات چیزی بر معرفت او اضافه میشود. اینها ارزش چندانی ندارد. اما گاهی مداحی که شعر میخواند، درس فاطمه زهرا سلام الله علیها، درس امیرالمؤمنین و درس امام حسین علیهما السلام را به ما منتقل میکند؛ در نتیجه راه ما روشن میشود. این بسیار ارزش دارد. ما باید بدانیم که اگر فاطمه زهرا سلام الله علیها امروز در بین ما ظاهر میشدند و یک ساعت، دو ساعت و یا یک روز در بین مردم میآمدند، ما را به چه چیزی امر میکردند؟ انگشت اشاره به کدام راه از راههایی که در مقابل ما گشوده است، دراز میکردند و به ما میگفتند که از این راه بروید؟ ما باید آن را دنبال کنیم و در تبیین و تعلیم و معرفتی که میخواهیم به مستمع بدهیم، آن را ملاحظه کنیم و نیاز زمان را پُر کنیم.

استفاه نکردن از هر تعبیری برای حضرات معصومین

نکته دیگری که بعضی از آقایان بحق اشاره کردند، این است که از برخی تعبیرات درباره ائمه علیهم السلام نباید استفاده کرد؛ اینها سبک است. برای فاطمه زهرا سلام الله علیها - آن موجود قدسی والا، آن انسان برتر و آن معلم بشر - از آن تعبیری که هر شاعری - چه شاعر درست و حسابیگویی و چه شاعر هرزه گوی - برای محبوب و معشوق خودش ذکر میکند، نباید استفاده کرد؛ باید از تعبیرات متناسبی استفاده کرد. اعتقاد من این است که اگر شعرای عزیز ما - همچنان که امروز خوشبختانه، هم در سرود دستجمعی و هم در بعضی از شعرهایی که قبلاً آقایان خواندند، همین معنا انصافاً تأمین شده است - لفظ و معنا را برای بیان معرفتی که امروز جامعه ما نیاز دارد تا از مکتب فاطمه زهرا سلام الله علیها تعلیم بگیرد، به کار گیرند و آن را مداح با صدای خوش و آهنگ مناسب با این کار عرضه کند، یکی از بهترین انواع تبلیغ و ترویج صورت گرفته است؛ یعنی همان «دعبل» و «فرزدق» و «کمیت» تاریخ در این جا ظهور و تجلی پیدا کرده است. ارزش، همان ارزش خواهد بود و میتواند اجرهای بزرگ الهی را به دنبال خود داشته باشد. امروز خوشبختانه اقبال مردم به این حرفه و هنر چند پهلو و چندجانبه زیاد است. جوانان در تهران و شهرستانها به جلسات مداحی علاقه و توجه دارند. این، مسؤولیت شما آقایان مداح را مضاعف میکند. مبادا پانصد نفر، هزار نفر، گاهی ده هزار نفر در جلسه ای جمع شوند و یک ساعت برای آنها نغمه سرایی شود؛ اما چیزی به آنها داده نشود. شما در این یک ساعت میتوانید نکات زیادی را با شعر خوب منتقل کنید. البته شعر خوب - همان طور که گفتیم - تنها شعری نیست که معانی خوبی دارد؛ بلکه باید شعر هنرمندانه باشد و الفاظ خوب و کلمات مناسب هم در آن به کار رفته باشد.



مداحی؛ یکی از اصلی ترین جبهه‌های تبلیغ

❁ قیمتی بودن توسلها

❁ کم شدن شر استکبار از سر دنیای اسلام

❁ احتیاج جوامع کنونی به معرفی اهل بیت و

معصومین

❁ اصلی ترین رزمندگان جبهه وسیع تبلیغ

مداحی؛ یکی از اصلی ترین جبهه های تبلیغ

🕌 قیمتی بودن توسلها

این توسلها خیلی قیمت دارد. این گوهر محبت اهل بیت، بخصوص فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) که میان همه ی این خاندان با عظمت، عزیز است، خیلی ارزش دارد. حقیقتاً روز ولادت این بزرگوار - که گوهر صدف نبوت و ولایت است - برای شیعیان، محبان و فرزندان معنوی و جسمانی آن بزرگوار عید بزرگی است.

🕌 کم شدن شر استکبار از سر دنیای اسلام

یکی از آقایان که اشاره کردند که دشمنان اسلام و مسلمانان این روز شیرین را با حوادث عراق و نجف تلخ کردند، راست است. لعنت خدا بر این قدرتهای مستکبر و ظالم و منافق و دروغگو و شیاد و افزون طلب که برای آنها اصلاً نه حیثیت مردم، نه عقاید مردم، نه حقوق مردم، نه استقلال کشورها و نه عزت ملتها مطرح است. اگر کسی فکر کند که با تملق و نزدیک شدن و تسلیم در مقابل اینها می تواند کاری از پیش ببرد، خطا کرده است. علاج اینها جز با ایستادگی و جز با کوبیدن شمشیر بزآن منطق حق و عزم ثاقب نیست و علاج کار اینها فقط با اراده ی قوی، منطق قوی و مشت قوی است؛ اینها امروز در دنیا در مقابل این مسائل درمانده اند. آن چیزی که در عراق این لقمه ی چرب و نرم را برای آنها گلوگیر کرده و دارد خفه شان می کند، همین ایمان و اراده ی یک مشت مردم بی پناه و مستضعف است. عراقیها نه پول دارند، نه سلاح، و نه پشتیبان بین المللی؛ اما با عزم، با ایمان و با ایستادگی گذاشتند که

آنها به خیال خوش خودشان و خواب خوشی که دیده بودند، این لقمه ی چرب و نرم را فرو بدهند. من مکرر گفته ام، باز هم می گویم: امریکاییها در بن بستند. اگر جلو بروند، ضربه می خورند؛ اگر عقب هم بیایند، ضربه می خورند؛ هرچه ادامه بدهند، برایشان مایه ی ضربه است؛ عقب نشینی هم بکنند، مایه ی ضربه است؛ در مخمصه گیر افتاده اند. گرگی که در یک تله گیر می کند، داد و فریادش ممکن است عده یی را بترساند، یا پنجه اش کسی را که نزدیک برود، زخمی کند؛ اما گیر افتاده است. امیدواریم که خداوند شر اینها را از سر دنیای اسلام کم کند، و به ملت مسلمان عراق و شیعیان در هر نقطه یی از عالم، و به همه ی ملت های مسلمان و مؤمن، توفیق اعمال آن اراده ی شرافت آمیزی را که قرآن از ما خواسته، به آنها عنایت کند...

🌸 احتیاج جوامع کنونی به معرفی اهل بیت و معصومین

حرف من با شما برادران عزیز مداح و ذاکر این است که شماها در این زمینه خیلی وظیفه دارید. من گاهی اوقات توصیه هایی می کنم. این جور نیست که ما برای عظمت فاطمه ی زهرا درمانده باشیم که چه جور این عظمت را بیان کنیم و متوسل بشویم به شعر، نثر و یا کلامی؛ نه، بلکه ما به آن عظمت احتیاج داریم. این خورشید متلاکئی و درخشان به همه ی موجودات عالم سود می بخشد و حالا گوشه آفتابش هم داخل خانه ی ما افتاده است؛ ما باید ببینیم از این چه جوری می توانیم استفاده کنیم. آن خورشید که خیلی بالاتر است؛ حالا ما ساعت های متمادی بنشینیم و راجع به توصیف این خورشید - که درست هم نمی دانیم چه هست و ذهن ما به آن نمی رسد - حرف بزنیم، شعر بگوییم، بخوانیم؛ اما نرویم زیر این آفتاب بنشینیم، تا بدنمان را گرم کنیم، جسم مان را رشد بدهیم و حیات خودمان را تقویت و تأمین کنیم؛ این که عاقلانه نیست؛ شأن این بزرگوار و این بزرگوارها خیلی بالاست.

خدا رحمت کند کسانی را که جریان تشیع را به کشور ما آوردند و ما را با این حقایق آشنا کردند؛ اگر نمی شد، خیلی سخت بود. رحمت خدا بر آن شمشیرهای زبان و شمشیرهای قلم و شمشیرهای میدانهای مختلف که توانستند این حقایق را برای ما روشن کنند و ما را در این راه بیندازند که ببینیم و بفهمیم، و الا این دلایل واضح در مقابل خیلی ها هست، اما نمی فهمند و درک نمی کنند؛ چون تعصبها نمی گذارد. ما این اقبال را پیدا کرده ایم و باید خدا را شب و روز بر اقبال آشنایی با ولایت اهل بیت (علیهم السلام) که نعمت عجیبی است، شکر کنیم. شما ببینید امروز نسل جوان شما - چه دخترهاتان، چه پسرهاتان - و جامعه ی شما از خلأ کدام معرفت رنج می برند و آسیب می بینند؛ از کمبود کدام عنصر سازنده ی اخلاقی رنج می برند، آن عنصر اخلاقی را در وجود فاطمه ی زهرا (سلام الله علیها) و در فضایل آن بزرگوار و این وجودهای مقدس پیدا کنید و به زبان شعر - که زبان هنر هست - آن را القا و بیان



کنید. ببینید ما در زندگی سیاسی و اجتماعی مان به کدام درس اهل بیت احتیاج داریم، آن را از زندگی این بزرگواران و این بزرگوار بخصوص استخراج کنید و با زبان شعر بیان کنید؛ اینها لازم و مهم است، و الا صرف مدح گفتن - که الفاظ آن مدح هم گاه الفاظ مبهمی است که نه شنونده درست می فهمد که محصول این مدح چه شد و نه گاهی خود گوینده! - کافی نیست. ما باید اظهار ارادت بکنیم و این اظهار ارادت، کمال ماست؛ «مدح خورشید مداح خود است»؛ اما به این نباید اکتفا کنیم. ما باید ببینیم امروز چه درسی از این بزرگوارها می شود بگیریم. مبلغ هم وظیفه دارد، هنرمند هم وظیفه دارد، فیلمساز هم وظیفه دارد، گردانندگان سینمای کشور هم وظیفه دارند، گردانندگان تلویزیون کشور هم وظیفه دارند، منبری ها هم وظیفه دارند، مداح جماعت هم وظیفه دارد؛ من می خواهم بگویم شما وظیفه ی خودتان را در کنار این وظایف سنگینی که بر دوش همه ی ماست، بازیابی کنید؛ این توصیه ی من به برادران عزیزم است که همیشه از آنها درخواست می کنم و با آنها در میان می گذارم.

امروز ما کشوری هستیم که ملت ما به برکت خون و قیام امام حسین و به برکت روح حسینی، توانست قیام کند و یک نظام استبدادی فاسد خبیث زشت کردار زشت خورا به زانو دریاورد و یک حکومت مردمی با صبغه و روحیه و با عمل نسبتاً اسلامی - روحیه ی ما اسلامی است؛ اما نمی توانم بگویم که عمل مان کاملاً اسلامی است؛ نسبتاً اسلامی است که ان شاءالله روزه روز باید بیشتر اسلامی شود - را سر کار بیاورد، که خود این نظام، فحش به همه ی قدرتهای عالم است؛ نفس وجود نظام جمهوری اسلامی فحش به امریکاست، ولو شما یک کلمه هم «مرگ بر امریکا» نگویید؛ خود این که این هست، نوعی دهن کجی به همه ی قدرتهایی است که با معنویت و با فضیلت و با استقلال و با شرف ملتها مخالفند. امروز همه وظیفه دارند این نظام را از نقصها و ضعفهای خودش خلاص کنند و عناصر قدرت و قوت معنوی و مادی را در آن تقویت کنند و در آن بیشتر به وجود بیاورند. اگر احتیاج به وحدت داریم، اگر احتیاج به علم داریم، اگر احتیاج به همکاری داریم، اگر احتیاج به تلاش اقتصادی یا سیاسی داریم، اگر احتیاج به روح شهادت طلبی و سلحشوری داریم و اگر احتیاج به خیلی چیزها داریم، باید هر کس به قدر خودش اینها را در جامعه به وجود بیاورد.

اصولی ترین رزمندگان جبهه وسیع تبلیغ

جبهه ی تبلیغ، جبهه ی وسیعی است که در آن هنر و آموزش و علم و دین و دانشگاه و حوزه و وزارت ارشاد و صدا و سیما هستند، که یک قسمت از این جبهه ی وسیع، به جماعت مداح - این برادرهایی که در دوره ی جنگ و دفاع مقدس در جبهه بودند، خوب در ذهن شان حرف بنده را تصویر می کنند - سپرده شده است و آن مانند این است که این بخش عظیم را این لشکر

یا این قرارگاه به عهده دارد و تکه یی از آن را به گردان ما سپرده اند؛ ما باید این را خوب از عهده بریباییم، تا دیگران هم که در بخشهای خودشان از عهده برآمده اند، مجموعش بشود پیروزی؛ باید برادران مداح به این موضوع توجه کنند؛ و آلا ما در نوحه خوانی، مصیبت خوانی و مرثیه خوانی، اگر یک مقدار همت و سلیقه به خرج بدهیم، می توانیم همه ی این مفاهیم عالی را بگنجانیم و البته می شود همه ی اینها را پوچ و پوک و خالی کرد و فقط ظواهری باشد. این موضوع می تواند در روضه، در نوحه، در سینه زنی و در مدح و مصیبت باشد؛ طوری که فقط دلی بسوزد و قطره اشکی بریزد، بدون این که اندک بهره یی برده شود؛ در روز جشن هم به همین نحو. وظیفه و مسؤولیت بزرگ جامعه ی مداح این است که مطالبش پرمغز و پرمحتوا باشد و به شیوه ی درست این را اداره کند؛ هم در مصیبت و مدایح، و هم در عزا و جشن. باید مطالب با شکلهای مختلف و در قالبهای مختلف بیاید.



انحرافات در مداحی

- ❖ ارزش اهل بیت به ظواهر نیست
- ❖ اختصاص بخشی از زمان جلسه به بیان معارف
- ❖ عدم استفاده از آهنگ‌های نا مناسب در مداحی

انحرافات در مداحی

برادران و خواهران عزیز! من و شما باید دنبال عبودیت خدا باشیم. تمجید از فاطمه‌ی زهرا نتیجه‌اش باید این باشد. شما برادران عزیز مداح کسانی هستید که از زبان و حنجره‌ی شما امواج نورانی و معطر مدیحه‌ی دختر پیغمبر و ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) ساطع میشود و در دل مخاطباتان مینشیند؛ این خیلی ارزش است. الان بیست و چند سال است که ما این جلسه را با همین دوستان آقای سازگار و بقیه‌ی دوستان داریم؛ به نظرم از سال ۶۲ و ۶۳ این جلسه هر سال در چنین روزی برقرار است. من بارها این مطلب را به شما عرض کرده‌ام که رتبت مداحی و منبر مداحی یکی از باشرفات‌ترین رتبه‌ها و منبرهاست. در این زمینه ما خیلی صحبت کرده‌ایم، که دیگر نمیخواهیم تکرار کنیم. امروز هم بحمدالله اقبال مردم و جوان‌ها به نوای مداحان، اقبال خوبی است. میبینید مردم، استقبال میکنند، علاقه نشان میدهند، اجتماع میکنند، صحبت میکنند، پول میدهند؛ این یک موقعیت است. موقعیت وقتی حساس شد، وظیفه حساس و خطیر میشود. اول جلسه، قاری عزیزمان آیاتی را تلاوت کردند که خیلی مهم است و من چند آیه قبل از آن را عرض میکنم. «یا نساء النبی من یأت منکن بفاحشه مبینه یضاعف لها العذاب ضعفین» - خطاب به زنان پیغمبر است - هر که از شما گناه کند، عذابش دو برابر است. چرا؟ زن پیغمبر چون زن پیغمبر است، اگر گناه کرد، عذابش دو برابر است. «و کان ذلک علی الله یسیرا». «و من یقنت منکن لله و رسوله و تعمل صالحا نؤتها اجرها مرتین»؛ آن طرف قضیه هم همین‌طور است: اگر عبادت کردید، اگر کار خوب کردید، اگر عمل صالح انجام

دادید، دو برابر مردمِ دیگر به شما اجر می‌دهیم. یعنی نماز زن پیغمبر به‌طور معمولی دو برابر نماز دیگران اجر دارد؛ عبادتش دو برابر عبادت دیگران اجر دارد. اگر هم خدای نکرده غیبت کسی را بکند، غیبتش دو برابر غیبت دیگران گناه دارد. بعد، آیه‌یی که این قاری خواندند، از این جا شروع می‌شود: «یا نساء النبی لستنّ كأحد من النساء إن اتقین»؛ شما اگر تقوا پیشه کنید، مثل دیگر زنها نیستید؛ از بقیه‌ی زنها دیگر امتیاز دارید. آن وقت بعد دنباله‌اش می‌فرماید: «فلا تخضعن بالقول فیطمع ألدی فی قلبه مرض و قلن قولا معروفا». این، خطاب به زنها پیغمبر است. اما زنها پیغمبر خصوصیتی ندارند؛ خصوصیت زنها پیغمبر، انتصاب به پیغمبر است. من و شما هر کدام انتصاب بیشتر و موقعیت خطیر و ممتازی در جامعه داشته باشیم، همین خصوصیت در ما هم هست. البته نمی‌گوییم دو برابر - این را ادعا نمی‌کنم - اما با دیگر مردم فرق داریم، و من از شما بیشتر. اگر ما خطایی انجام دهیم، خطای ما مثل خطای مردمِ عادی نیست؛ سنگین‌تر و سخت‌تر است. اگر ما خدای نکرده کسی را به وادی ضلالت و گمراهی انداختیم، با عمل مشابه دیگری تفاوت دارد. مداح‌ها بدانند چه می‌خوانند و چه می‌گویند. صدای خوش، آهنگ قشنگ، موقعیت ممتاز، تریبون خوب، اقبال فراوان؛ امروز هم که جوانها بحمدالله جامعه و کشور ما را با صفای دل خودشان مصفا کرده‌اند - این همه جوان در این کشور وجود دارد - همه متوجه شماست. شما چه می‌خواهید به مردم بدهید؟ این که من همیشه روی آنچه می‌خوانید و آن چنان که می‌خوانید - در جلسه‌ی مداح‌ها و با افراد گوناگون - تأکید می‌کنم، به‌خاطر این حساسیت است.

🕌 ارزش اهل بیت به ظواهر نیست

چیز دیگری که بنده در بعضی از خوانندگان جلسات مداحی اطلاع پیدا کردم، استفاده‌ی از مدح‌ها و تمجیدهای بیمعناست، که گاهی هم مضر است. فرض کنید راجع به حضرت ابوالفضل (سلام‌الله‌علیه) صحبت می‌شود؛ بنا کنند از چشم و ابروی آن بزرگوار تعریف کردن؛ مثلاً قربون چشمت بشم! مگر چشم قشنگ در دنیا کم است؟ مگر ارزش ابوالفضل به چشمهای قشنگش بوده؟! اصلاً شما مگر ابوالفضل را دیده‌اید و میدانید چشمش چگونه بوده؟! اینها سطح معارف دینی ما را پایین می‌آورد. معارف شیعه در اوج اعتلاست. معارف شیعی ما معارفی است که یک فیلسوف در غرب پرورش یافته‌ی با مفاهیم غربی و بزرگ شده‌ی آشنای با معارف فلسفی غرب مثل هانریکربن را می‌آورد دو زانو جلوی علامه‌ی طباطبایی مینشانند؛ او را خاضع می‌کنند و میشود مروج شیعه و معارف آن در اروپا. میشود معارف شیعه را در همه‌ی سطوح عرضه کرد؛ از سطوح ذهن متوسط و عامی بگیرد تا سطوح بالاترین فیلسوف‌ها. ما با این معارف نباید شوخی کنیم. ارزش ابوالفضل العباس به جهاد و فداکاری و اخلاص و معرفت او به امام زمانش است؛ به

صبر و استقامت اوست؛ به آب نخوردن اوست در عین تشنگی و بر لب آب، بدون این که شرعاً و عرفاً هیچ مانعی وجود داشته باشد. ارزش شهدای کربلا به این است که از حریم حق در سخت ترین شرایطی که ممکن است انسان تصورش را بکند، دفاع کردند. انسان حاضر است در یک جنگ بزرگ و مغلوبه برود و احیاناً در حرارت جنگ کشته هم بشود - که البته مقام خیلی والایی است، همه هم حاضر نیستند، شهدا و مجاهدان فیسیل الله معدودند؛ در زمان ما هم بحمدالله شهدای برجسته‌یی داشته‌ایم - اما شهید شدن این طوری در آن میدان جنگ، با شهید شدن در صحنه‌ی کربلا، با آن غربت، با آن فشار، با آن تشنگی، با آن تهدید به اذیت و آزار کسان انسان، خیلی تفاوت دارد. انسان خیلی اوقات میگوید من حاضرم در این میدان جانم را بدهم؛ اما چه کار کنم، بچه‌ام دارد از گرسنگی یا از بیدارویی میمیرد؛ این میشود یک بهانه برای انسان. انسان گاهی ملاحظه‌ی ناموس خودش را بیشتر از جانش میکند؛ ملاحظه‌ی بچه‌ی شیرخوارش را بیشتر از جانش میکند. انسان در این میدان برود، بچه‌ی شیرخوارش هم باشد، زنش هم باشد، مادرش هم باشد، ناموس‌اش هم باشد، همه‌ی اینها هم در معرض خطر قرار بگیرند و پایش نلرزد؛ ارزش ابالفضل، ارزش حبیب‌بن‌مظاهر، ارزش جُون در اینهاست، نه در قد رشیدش یا بازوی پیچیده‌اش. قد رشید که خیلی در دنیا هست؛ ورزشکارهای زیبایی اندام که خیلی هستند؛ اینها که در معیار معنوی ارزش نیست. گاهی روی این تعبیرها تکیه هم میشود! حالا یک وقت شاعری در یک قصیده‌ی سی، چهل بیتی اشاره‌ی هم به جمال حضرت ابالفضل میکند؛ آن یک حرفی است؛ ما نباید خیلی خشکی به خرج دهیم و سختگیری کنیم؛ اما این که ما همه‌اش بیاییم روی ابروی کمانی و بینی قلمی و چشم خمار این بزرگواران تکیه کنیم، این که مدح نشد؛ در مواردی ضرر هم دارد؛ در فضاهایی این کار خوب نیست.

📌 اختصاص بخشی از زمان جلسه به بیان معارف

نباید بگذارید منبر ده دقیقه‌ی یا بیست دقیقه‌ی شما از معارف خالی بماند. امسال دیدم بعضی از برادران مداح در ماه محرم و در دهه‌ی فاطمیه بحمدالله این نکته را رعایت کرده بودند. در منبر مداحی حتماً در اول، فصلی اختصاص بدهید به نصیحت یا بیان معارف به زبان زیبای شعر. اصلاً رسم مداحی از قدیم این طوری بوده است؛ الان یک مقدار آن رسم‌ها کم شده. مداح در اول منبر یک قصیده، یک ده بیت شعر - کمتر، بیشتر - فقط در نصیحت و اخلاق، با الفاظ زیبا خطاب به مردم بیان میکرد؛ مردم هم میفهمیدند و اثر هم میگذارد. من یک وقت گفتم که گاهی شعر یک مداح از یک منبر یک ساعتی ما اثرش بیشتر است. البته همیشگی نیست؛ گاهی است. اگر خوب انتخاب و اجرا شود، این طوری خواهد بود. یکوقت یکی از برادران مداح میگفت ما اگر از شعرهای خوب و شعرای بزرگ شعری انتخاب

کنیم، مردم نمیفهمند؛ بنابراین مجبوریم از این شعرها استفاده کنیم. این طوری نیست؛ من این را قبول ندارم. وقتی با زبان شعر با مردم حرف بزنید، هرچه شعر پیچیده هم باشد، وقتی مداح با هنر مداحی خود توانست این را کلمه کلمه به مردم القاء و مخاطبه کند، در دل مردم اثر میگذارد. ما غزلیات زیادی داریم. شما به دیوان صائب نگاه کنید. من یک وقت چند بیت از این اشعار را تصادفی انتخاب کردم و به بعضی از برادرهای مداح گفتم روی اینها کار کنید. دیوان صائب غزلهای بسیار خوب و مفیدی دارد که در دلها اثر میگذارد. دیگران هم از این گونه اشعار دارند. بعضی از شعرا - که امروز هم بحمدالله در شعرها آمده بود - درباره‌ی عبادت و خضوع و جهاد و تضرع و انفاق و جهاد ائمه (علیهم‌السلام) بیانات خیلی خوب و زیبایی داشتند. شعر را از لحاظ هنری، سطح خوب انتخاب کنید؛ چون اثرگذار است. شعر خوب و شعر هنری، همان خاصیت عمومی هنر را دارد. خاصیت عمومی هنر این است که بدون این که خود گوینده حتی در خیلی از موارد توجه داشته باشد و غالباً بدون این که مستمع توجه داشته باشد، اثر میگذارد. تأثیر شعر، نقاشی، بقیه‌ی انواع هنر، صدای خوش و آهنگ‌های خوب - که اینها همه هنر است - روی ذهن مخاطب، من حیث لایشعر به وجود می‌آید؛ یعنی بدون این که مخاطب متوجه باشد، آن اثر را در او میبخشد؛ این بهترین نوع اثرگذاری است. شما ببینید خدای متعال برای بیان عالیترین معارف، فصیح‌ترین بیان را انتخاب کرد؛ یعنی قرآن. میشد خدای متعال مثل حرفهای معمولی، قرآن و معارف اسلامی را با بیان معمولی بگوید؛ اما نه، خدا این را در قالب فصیح‌ترین و زیباترین بیان هنری ریخته، که خود قرآن هم میگوید نمیتوانید مثل لفظ و ساخت هنری آن را بیاورید؛ معنایش که معلوم است.

به خطبه‌های نهج‌البلاغه نگاه کنید؛ آیت زیبایی است. امیرالمؤمنین میشد معمولی حرف بزند؛ اما نه، از بیان هنری استفاده میکند؛ «و بعد فنحن امراء الکلام». خود این بزرگوارها گفته‌اند که ما امیران سخن‌ایم. واقعاً هم امیر سخن بوده‌اند. امیر سخن، یعنی بیان را به بهترین و شیواترین وجه انتخاب کنید؛ شعر خوب، شاعر خوب - که الحمدالله کم هم نداریم - مفاهیم خوب.

❁ عدم استفاده از آهنگ‌های نا مناسب در مداحی

نکته‌ی آخر هم آهنگ است. من شنیده‌ام در مواردی از آهنگ‌های نامناسب استفاده میشود. مثلاً فلان خواننده‌ی طاغوتی یا غیرطاغوتی شعر عشقی چرندی را با آهنگی خوانده؛ حالا ما بیاییم در مجلس امام حسین و برای عشاق امام حسین، آیات والای معرفت را در این آهنگ بریزیم و بنا کنیم آن را خواندن؛ این خیلی بد است. خودتان آهنگ بسازید. این همه ذوق و این همه هنر وجود دارد. یقیناً در جمع علاقه‌مندان به این جریان کسانی هستند که میتوانند

آهنگ‌های خوبِ مخصوص مداحی بسازند؛ آهنگ عزا، آهنگ شادی. این را هم عرض بکنم که آهنگ شادی از آهنگ عزا جداست. الان معمول شده که برای روزهای عید جلساتی تشکیل میدهند. بنده مخالف این کار نیستم؛ بد هم نیست که دست میزنند. البته اگر از رادیو بشنویم - که بنده خودم گاهی از رادیو شنیده‌ام - و شعر را درست گوش نکنیم، خیال میکنیم دارند سینه میزنند! هم لحن، سینه‌زنی است؛ هم آن دستی که میزنند، مثل زدن روی سینه است. این چه شادیی شد؟! اگر برای روزهای شادی، آهنگ‌های مناسب - نه آهنگ‌های مبتذل، نه آهنگ‌های طاغوتی، نه آهنگ‌های حرام - و شیوه‌های خوب انتخاب کنند، مؤثرتر و بهتر است. این‌طور نباشد که چون به روضه‌خوانی عادت کرده‌ایم، روز شادی هم که میخواهیم حرف بزنیم، لحنمان بشود لحن روضه‌خوانی. قدیم‌ها میگفتند فلانی هرچه میخواند، مثنوی درمی‌آید؛ هر آهنگی را که شروع کند، مثنوی میشود! این‌طوری نباشد. به‌رحال میدان شما، میدان وسیعی است؛ میدان کار و اثرگذاری است. امروز مداحان جوان بحمدالله خیلی هستند؛ اقبال جوانها هم خیلی زیاد است. این مزرع، بسیار مستعد و قابل بذرافشانی است. اگر خوب بذرافشانی شود، تأثیرات و محصولش فوق‌العاده باارزش خواهد بود. از این فرصت استفاده کنید، استفاده کنیم، نظام اسلامی استفاده کند - شعر خوب، آهنگ خوب، مضمون خوب، اجرای خوب، صدای خوب - این یک چیز استثنایی و فوق‌العاده خواهد بود.



لزوم پرهیز از اختلاف افکنی میان مسلمین

- ❖ مداحی، ابزار درگیر کردن احساسات مومنین
- ❖ سوال از اهمیت جایگاه خطیر مداحی
- ❖ نوآوری در امتداد شیوه گذشتگان
- ❖ عدم تقلید در انتخاب آهنگ از خوانندگان
- ❖ نکاتی در مورد انتخاب اشعار مناسب
- ❖ طرد کسانی که وحدت مسلمین را مخدوش میکنند

لزوم پرهیز از اختلاف افکنی میان مسلمین

این خود یک معجزه‌ی اسلام است؛ یعنی فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) در عمر کوتاه خود به مقامی میرسد که سیده‌ی نساء عالمین است؛ یعنی از همه‌ی زنان بزرگ و قدّیس طول تاریخ برتر است. این چه عاملی است، این چه نیروئی است، این چه قدرت متحول‌کننده‌ی عمیق درونی است که از یک انسان در این مدت کوتاه، میتواند یک چنین اقیانوس معرفت و عبودیت و قداست و عروج معنوی بسازد؟ خود این، معجزه‌ی اسلام است.

یک جنبه‌ی دیگر، نسل مبارک این بزرگوار است که تطبیق سوره‌ی کوثر با فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) - اگر در آثار حدیثی ما هم نیامده باشد - یک تطبیق مصداقی درست است؛ این همه برکات بر خاندان پیغمبر، بر یکایک ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام)! عالم پُر است از نغمه‌های دلنواز فردی و اجتماعی و دنیائی و اخروی که از این حنجره‌های پاک برخاسته؛ حسین بن علی، زینب کبری، امام حسن مجتبی، امام صادق، امام سجاد؛ هر کدام از ائمه. ببینید چه غوغائی است در عالم معرفت، در عالم معنویت، در بزرگراه هدایت از کلمات این بزرگواران و درسهای آنها و معارف آنها! این نسل فاطمه‌ی زهراست.

خیلی خدا را شکر کنیم - در بعضی از این شعرهایی هم که دوستان خواندند همین معنا بود - نعمت بزرگی است تولّای فاطمه‌ی زهرا و صدیقه‌ی کبری (سلام‌الله‌علیها) برای ما. خدا را شکر که او را شناختیم؛ خدا را شکر که خودمان را به ذیل عنایت او متوسل کردیم و خدا را شکر که نعمت وجود او را قدر دانستیم، به او توسل جستیم، از او معرفت خواستیم، به او محبت ورزیدیم. اینها نعمتهای بزرگ خداست؛ اینها را باید حفظ کنیم.

🌸 مداحی، ابزار درگیر کردن احساسات مومنین

نقش شما مداحان عزیز هم حرف دوم ماست. دین اگر چه که پایه اش عقلانیت و فلسفه و استدلال است؛ در این هیچ شکی نیست، اما هیچ مبنای عقلانی و فلسفی و حکمی بدون آبیاری شدن از عاطفه و ایمان قلبی امکان ندارد که رویش پیدا کند و ریشه بدواند و در تاریخ بماند. ادیان، خصوصیتشان همین است؛ با مکاتب دیگر، با این ایدئولوژیها، با این فلسفه های گوناگون فرقتشان همین است که ایمانها را جلب میکنند. ایمان، غیر از علم است؛ ایمان غیر از استدلال است؛ ایمان غیر از فلسفه است؛ ایمان یک امر قلبی است. جایگاه ایمان با جایگاه عاطفه و احساس یکجاست. ایمان یعنی دل سپردن، سر سپردن، دل دادن. بنابراین، دل نقش پیدا میکند؛ عواطف جایگاه خود را در طول تاریخ ادیان به این شکل حفظ میکنند.

با اینکه در جنگ فلسفه ها با یکدیگر، هیچ فلسفه ای نیست که بتواند در مقابل فلسفه ای ادیان و فلسفه ای توحید مقاومت کند؛ بخصوص فلسفه ای مثل فلسفه ای مدون اسلامی، اما مسئله این نیست؛ خیلیها مبنای و مفاهیم اسلامی را هم بلدند، حقیقتی را هم میدانند، اما به آن حقیقت دل نسپردند. شما فکر میکنید حقانیت علین ابیطالب را در صدر اسلام، آن کسانی که از خود پیغمبر درباره ای علین ابیطالب آن حرفها را شنیده بودند، نمیدانستند؟ علم داشتند. ما در اخبار خوانده ایم آنها از دو لب پیغمبر شنیده بودند؛ علم داشتند؛ اما آنچه کم بود، ایمان به آن معلوم بود؛ ایمان به آن چیزی بود که علم به او پیدا شده بود: یعنی دل دادن. چه چیزی جلوی ایمان را میگیرد؟ خیلی چیزها؛ که حالا این یک باب واسع دیگری است.

نقش هنر، نقش شعر، نقش ادبیات، نقش حضور در میدانهای عملی در پرورش این روح ایمانی، نقشی است که بسیار بسیار کارساز و مؤثر است. شما جای مداح و ذاکر اهل بیت را اینجا ببینید؛ نقش ایمان آفرین، نقش فرهنگ ساز، نقش مستحکم کننده ی پیوند قلبی بین پیروان و بین آن محبوبان؛ یک چنین نقشی است. این نقش، بسیار نقش مهمی است.

🌸 سوال از اهمیت جایگاه خطیر مداحی

بنده در طول این سالهایی که این جلسه را داشته ایم - که الان بیست و چند سال است که هر سال، ما این جلسه را با مداحهای محترم داشته ایم؛ از زمان ریاست جمهوری من؛ سالهای دهه ی شصت، که هر سال این جلسه بوده - هر سال ما یک کلمه راجع به مسئله ی مدح و مداح و ذاکر و اینها عرض کرده ایم؛ نمیخواهم اینها را تکرار کنم، میخواهم عرض بکنم برادران مداح اهمیت این کار را درک کنند. وقتی اهمیت معلوم شد - به موازات اهمیت، مسئولیت است - مسئولیت این کار را درک کنند. مسئولیت یعنی چه؟ یعنی از ما سؤال خواهند کرد. در دعای مکارم الاخلاق میخوانید: «و استعملنی بما تسألنی غداً عنه»؛ فردا؛ در روز قیامت، از من سؤال خواهی کرد؛ پروردگارا! حالا کمک کن که

آن چیزی را که بناست فردا از من سؤال کنی، من جوابش را امروز در عمل خودم آماده کنم؛ معنای این فقره‌ی دعا این است. پس شما مسئولیت دارید. این مسئولیت، یعنی سؤال میکنند. کاری کنیم که عمل ما بتواند پاسخگوی آن سؤال باشد.

وقتی این معلوم شد، آن وقت میرویم سراغ اینکه حالا چطور؟ همه‌ی حرفهائی که ما زدیم - حرفهائی که افراد پُرمسئولیت، دانا، فهیم در جامعه‌ی مداحان بر زبان آوردند، جلسه درست کردید، مطالبی گفتید - در پاسخ همین سؤال است که: چه کار بکنیم؟ این «چه کار بکنیم» یک کلمه‌ای است که یک کتاب جواب دارد. اگر سه جمله از این کتاب را بخواهیم عرض بکنیم، یکپاش این است که: وقتی شعر را میخوانیم، به فکر باشیم که از این شعر ما ایمان مخاطبان ما زیاد شود. پس، هر شعری را نمیخوانیم؛ هر جور خواندنی را انتخاب نمیکنیم؛ جوری میخوانیم که لفظ و معنا و آهنگ، مجموعاً اثرگذار باشد. در چه؟ در افزایش ایمان مخاطب. این البته گفتنش آسان است؛ آدم بالای گود بنشیند و یک دستوری به آن پهلوان وسط گود بدهد. عمل کردنش سخت است. اما شماها میتوانید عمل کنید. شماها صدایتان خوب است، حافظه‌تان خوب است، نیرو و نشاطتان خوب است؛ میتوانید همه‌ی این کارهائی را که گفتم، انجام بدهید.

🔸 نوآوری در امتداد شیوه گذشتگان

به جوانها توصیه میکنم شیوه‌های پیشکسوتها را بکلی کنار نگذارند؛ دست نکشند. من با نوآوری موافقم؛ نوآوری هیچ اشکالی ندارد؛ اما اگر بخواهید در این نوآوری کمال پیدا کنید، بایستی این نوآوری در امتداد شیوه‌ی گذشتگان باشد.

«العلی محظورة الا علی من بنی فوق بناء السلفی». یک طبقه ساخته‌اند، شما روی آن طبقه یک طبقه بسازید؛ دیگری بیاید روی آن طبقه‌ی شما یک طبقه بسازد؛ آن وقت بناء میشود مرتفع. و آلا یکی ساخت، شما بیائی خراب کنی، یک طبقه بسازی؛ یکی دیگر بیاید آن را که شما ساختی، خراب کند، باز یک طبقه بسازد، همیشه همان یک طبقه خواهید ماند. محسنات اساتید، پیشکسوتها و کسانی را که در این کار از شما یک پیراهن بیشتر پاره کرده‌اند، یاد بگیرید و چیزی بر آن اضافه کنید. شیوه‌های جدید، این جوری درست بشود، خوب است.

🔸 عدم تقلید در انتخاب آهنگ از خوانندگان

ما در قدیم از زبان موسیقیدانهای معروف شنیده بودیم که میگفتند موسیقی اصیل ایرانی را نوحه‌خوان و شبیه‌خوانها حفظ کرده‌اند؛ موافق‌خوان، مخالف‌خوان، علی‌اکبر‌خوان، قاسم‌خوان. هر کدام یک دستگاهی را به اینها میدادند که باید در آن دستگاه بخوانند. این موجب شد که موسیقی نانوشته‌ی ایرانی - که نه نُت داشت، نه نوشته داشت و نه چیز دیگری داشت - بتواند برسد به

دست کسانی که اینها را با نِت و شیوه‌های جدید بتوانند ثبت و ضبط کنند. حالا جوان امروز، چه خواننده‌ی رادیو و تلویزیون - که متأسفانه آنجا از این جهت وضع خوبی هم ندارد - چه خواننده‌ی جلسه‌ی مداحی، ناگهان بیاید آهنگهای اروپائی را - آن هم به شکل غلط و نابلد بنا کند خواندن؛ سبک‌هایی که فرض کنید حالا فلان خواننده‌ی غربی یا مقلد عرب آن غربی یکوقتی خوانده، ما این را از او یاد بگیریم و بنا کنیم خواندن! که قبل از انقلاب هم متأسفانه همین کارها را کردند. موسیقی اصیل ایرانی را که میتوانست نوع حلال هم داشته باشد - البته همان موسیقی اصیل، یک نوعش هم حرام است؛ فرقی بین ایرانی و غیر ایرانی نیست - همان را هم ضایع کردند. البته بعد از انقلاب بهتر شد؛ اما حالا مثلاً مداح یا خواننده‌ی ما بیاید در رادیو و تلویزیون به تقلید - آن هم غلط - آهنگ غربی یا آهنگ مجالس لهُو را در مجلس ایمان و در مجلس معنویت تکرار کند، این درست نیست؛ این غلط است. نوآوری، درست؛ اما نه این جور. این مربوط به آهنگ است. البته صدای خوب را میتوان با آهنگ بد خراب کرد؛ صدای متوسط را میتوان با آهنگ خوب آرایش داد. خود آهنگ یک مسئله است.

🌸 نکاتی در مورد انتخاب اشعار مناسب

برویم سراغ شعر، کلام. داستان مفصلی اینجاست. اولاً لفظ شعر، لفظِ خوب باشد؛ همه شعر خوب را نمیشناسند. هر شعری که یک آدم ناوارد تصور کرد این خوب است، دلیل بر این نیست که آن خوب است. شعر را بایستی آدم شعرشناس تصدیق کند که خوب است. فایده‌ی شعر خوب چیست؟ فایده‌اش این است که بدون اینکه من و شما ملتفت شویم، تأثیر‌گذاریاش در مخاطب بیشتر است؛ هنر، این است دیگر. یک هنر عالی، ولو مخاطب آن هنر تشخیص ندهد که این عالی است، اما تأثیر او در نفس آن مخاطب، تأثیر عمیقتری خواهد بود از یک هنر سطحی مبتذل بازاری؛ فایده‌اش این است. لفظ، باید لفظ قوی، خوب، زیبا؛ مضامین، مضامین جذاب، جالب، تازه، غیرتکراری و مطلب - که عمده این است - آموزنده باشد.

غیر از لفظ و غیر از مضمون‌سازی لفظی، مقوله‌ای هست به نام مقوله‌ی مطلب. یعنی آنچه شما دارید بیان میکنید، باید آموزنده باشد. فرض کنید یک واعظی برود بالای منبر و از اول تا آخر منبر حرف‌هایی بزند که یک ذره بر معرفت مردم، بر بصیرت مردم درباره‌ی آن موضوع اضافه نشود. خوب، این وقت خودش و دیگران را تلف کرده. مداح هم همین جور است. شعری شما بخوانید؛ ولو لفظ هم لفظ خوبی باشد، راجع به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) هم باشد، اما چیزهایی باشد که مستمع هیچ استفاده‌ی از او نمیتواند بکند؛ نه معرفتش نسبت به آن بزرگوار بیشتر میشود، نه از مقامات توحیدی او چیزی میفهمد، نه از مجاهدت او چیزی میفهمد، نه از رفتار و سجیه‌ی آن بزرگوار که درس است - چون معصوم است و هر حرکت او برای بشر درس

است؛ سرمشق است - چیزی میفهمد، اشکال خواهد داشت. پس کارتان سخت است عزیزان! کار شما بر خلاف اینکه بعضیها خیال میکنند چهار کلمه حفظ کنیم و یک صدای بازی هم داشته باشیم، بس است؛ نه، کار، خیلی سخت است. کار، هنرمندانه، مؤثر، هدایتگر و جهت‌بخش باشد.

امروز چقدر مسئله ما داریم؛ نه فقط مسئله‌ی امریکا و انرژی هسته‌ای، که اینها مسائل بسیار مهمی است؛ بلکه امروز تمام مراکز و قطبهای قدرت فکری و تبلیغات دنیا دارند طراحی میکنند که چطور بتوانند این ریشه‌ی ماندگار و محکمی را که در این سرزمین جا گرفته و این ایمان اسلامی، این پایبندی به تعهد اسلامی و قرآنی و این دل‌های مؤمن را از هم بپاشند. شما اینجا نشسته‌اید خیال میکنید که همین‌طور زندگی دارد میچرخد. نه آقا! یک جنگ است؛ یک جنگ حقیقی است الان بین این جامعه، این نظام، متفکران این نظام، فعالان این نظام در رده‌های مختلف، از جمله خود شما که مداح مجموعه‌ی کشور هستید از یک طرف، با یک طرف دیگر؛ کسانی که میخواهند ریشه‌ی این ایمان را از این خاک مقدس و از این دل‌های پاک دریاورند؛ چون فهمیده‌اند آن نظامی، آن بنائی که بر این اساس شکل گرفته، با منافع سودجویانه و زورگویانه و زیاده‌خواهانه اینها سازگار نیست؛ با دست‌اندازی و سیطره‌طلبی دنیای استکبار بالاخره کنار نخواهد آمد؛ این را فهمیده‌اند. دنبال اینند که فکر توحیدی را، فکر ولایت را، محبت اهل بیت را، محبت به قرآن را، تعصب و غیرت نسبت به مبانی دینی و اعتقاد به مبارزه‌ی با ظالم را، اعتقاد به قبح و زشتی ظلم‌پذیری را از دل این مردم با انواع حیل‌ها بیرون بکشند. انواع و اقسامش را دارند انجام میدهند و آن را بیان هم میکنند.

کنگره‌ی امریکا گفته فلان قدر میلیون مثلاً برای اشاعه‌ی دموکراسی در ایران خرج میکنیم! البته اسمش را هم دموکراسی میگذارند! خوب، آزادند هر اسمی که میخواهند بگذارند، بگذارند؛ حقیقت معلوم است چیست. آن چیزی که آنها میخواهند، بر هم زدن پایه‌ی مستحکم فکری است که بر این مردم، بر این دل‌ها، بر این رو‌ها کاملاً تسلط دارد و این جهت صراط مستقیم، آن را هدایت میکند. هدفشان این است، غرضشان این است.

این پول‌هایی که میگویند، میخواهند صرف این کار بشود. این پول‌ها صرف بمب و گلوله و اینها خیلی نمیشود؛ عمده صرف همین کارهای تبلیغاتی، همین کارهای فرهنگی با شکلهای مختلف میشود. البته از این طرف هم مقاومت و بلکه هجوم میشود. بنابراین یک جنگ است. در این جنگ طبقه‌ای که با ایمان مردم، با دل مردم، با معارف مردم، با نام مبارک ائمه (علیهم‌السلام) و اهل بیت سر و کار دارد، وظیفه‌ی سنگینی دارد. برادران عزیز! این وظیفه را درست بشناسند؛ درست از آن استفاده کنند.

🌸 طرد کسانی که وحدت مسلمین را مخدوش میکنند

الحمد لله چیزهای خوبی انسان از افراد میشوند؛ البته گوشه کنار حرفهائی هم هست. یکی از چیزهائی که من بخصوص میخواهم تکیه کنم، مسئلهی «انسجام اسلامی» است که ما گفتیم. انسجام اسلامی یعنی عصبیتهای بین المذاهبی مسلمانها نباید تحریک شود. شما نباید کاری کنید که عصبیت آن مسلمان غیرشیعه علیه شما تحریک شود؛ او هم متقابلاً نباید کاری کند که غیرت و عصبیت شما را علیه خودش تحریک کند. آنها همین را میخواهند. الان شما ببینید دو تا گروه فلسطینی در فلسطین دارند با هم میجنگند! برای اسرائیل چه از این بهتر! به جای اینکه تفنگها به طرف آنها متوجه شود، علیه همدیگر دارند میجنگند! خوب، این خیلی چیز خوبی برای اسرائیل است. چقدر خرج کند، میارزد که یک چنین وضعی پیش بیاید. فرض بفرمائید در لبنان هم یک گروهی پیدا میشوند و بنا میکنند با یک گروه دیگری مبارزه کردن و جنگیدن. چه نعمتی بزرگتر از این برای اسرائیل و امریکا! این بهتر است یا اینکه یک گروهی مثل حزب الله بیاید جلو، همه هم دنبالش - بعضی از روی دل و ایمان، بعضی هم از روی ترس از افکار عمومی - و اسرائیل را شکست بدهند؟ معلوم است که وضعیت اختلاف برای آنها بهتر است. در دنیای اسلام، قضیه همین است. آیا مسلمانهای مصر و اردن و عراق و پاکستان و هند و ترکیه و جاهای دیگر، اگر به خیابانها بیایند و به نفع جمهوری اسلامی شعار بدهند، برای امریکا بهتر است یا کاری کند که اگر در یک مسئلهای، ایران اسلامی صدائی بلند کرد، همه ی این ملتها خاموش بشوند؛ بعضیها اظهار مخالفت هم نکنند؟ پیداست دنبال دومیاند. چه جوری میشود؟ چطور ممکن است این کار؟ خیلی آسان است. کاری کنند که عصبیتهای شیعه و سنی را زنده کنند. به آنها تفهیم کنند اینها شیعه اند؛ اینها صحابه را سب میکنند؛ اینها مقدسین شما را چنین و چنان میکنند. جدائی بیندازند؛ آنها این را میخواهند. منادی وحدت شیعه و سنی، از اولی که این فکرها پیدا شده، این چیزها مورد نظرش بوده است. یک عده ای چرا نمیفهمند؟ امام بزرگوار ما که منادی اتحاد بین مسلمین بود، از همه ی اینهائی که مدعیانند، ولایتش و اعتقادش و ارادتش و عشقش به ائمه (علیهم السلام) بیشتر بود. او بهتر میفهمید ولایت را یا فلان آدم عامی که حالا به اسم ولایت کارهای خلاف میکند، حرفهای بیربط میزند در مجالس عام و خاص؟ وحدت را حفظ کنید.

اگر دیدید در جامعه بین شما کسانی هستند که عکس این رفتار میکنند، آنها را طردشان کنید؛ مخالفت خودتان را به آنها ابراز و اعلام کنید؛ اینها ضرر میزنند؛ ضربه میزنند. ضربه ای به اسلام میزنند، ضربه ای به تشیع میزنند، ضربه ای به جامعه ی اسلامی میزنند. این از جمله مسائل بسیار مهم است.

امروز وحدت اسلامی به نفع نظام اسلامی است؛ به نفع جمهوری اسلامی است. علیه این

جهتگیری حرکت کردن، به نفع امریکااست؛ به نفع صهیونیستهاست؛ به نفع همان گردن کلفت‌هایی است که در دنیای اسلام جیب‌هایشان را از دلارهای نفتی پُر کردند و دلشان نمیخواهد که عنصری مثل جمهوری اسلامی، مثل ملت ایران اصلاً وجود داشته باشد. به هر حال، از خدای متعال میخواهیم همه‌ی ما را هدایت کند.



انحراف و ابتذال در هنر ممتاز مداحی

هنر: بهترین وسیله انتقال پیام
هنر مداحی، امتیاز منحصر به فرد ما
اشعاری با محتوای غنی و متناسب با نیازهای روز
فعال بودن هیئات برای مقابله با دشمنی دشمنان
انقلاب
امروز شناخت وظیفه لازم است

انحراف و ابتذال در هنر ممتاز مداحی

اولاً صمیمانه، عمیقاً به همه‌ی برادران و خواهران حاضر در این محفل گرم و صمیمی و سرشار از عشق و محبت، به مناسبت میلاد صدیقه‌ی طاهره حضرت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) و همچنین ولادت فرزند پرافتخار و سربلندش، امام عزیزمان (رضوان الله تعالی علیه) تبریک عرض میکنم و از برادران عزیزم که با هنرنمایی و برنامه‌های خودشان ما را از کوثر محبت اهل بیت (علیهم‌السلام) سیراب کردند - چه خواننده‌های عزیز، چه شعرائی که این شعرها را سروده بودند - تشکر میکنم.

حقاً عرصه‌ی محبت اهل بیت عرصه‌ی شایسته‌ای برای هنرنمایی است و در میان این مجموعه‌ی نور، محبت فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها). جای ابراز هنر، ابراز ذوق و ظرافت طبع حقاً و انصافاً همین جاست. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) کلمه‌الله پرمضمون و مانند یک دریای ژرف و عمیق است. هر چه فکر انسان، ذوق انسان، طبع ظریف صاحبان طبع در این زمینه کنکاش بیشتری کند، تدبیر و تأمل بیشتری کند، گوهرهای بیشتری به دست خواهد آورد. البته توصیه‌ی همیشگی ما این است که ژرف‌پیمائی در این اقیانوس نور و معنویت به کمک احادیث اهل بیت باشد. همانطوری که در یکی از اشعاری که آقایان خواندند، این مضمون بود، که معرفت این خاندان هم در اختیار خود این خاندان است؛ از آنها فرا بگیریم. آنها را معرفت خودشان قرار بدهیم. تأمل کنیم، دقت کنیم تا به صورت عمیق و ژرفی این کلمات و این معانی را بفهمیم. شعرای عزیز ما، مداحان و ستایشگران اهل بیت (علیهم‌السلام) که این افتخار را دارند که به

کلمات و به روایات اهل بیت مراجعه کنند، تأمل کنند، تدبیر کنند، از اهل بصیرت و معرفت برای ژرفیابی کمک بگیرند، آن وقت ذوق، طبع لطیف، دقت نظر و کنکاش، صوت خوب و حنجره‌ی توانا را در خدمت اینها قرار دهند. این یکی از بهترین و شریفترین کارهاست.

هنر: بهترین وسیله انتقال پیام

در باره‌ی مداحی اهل بیت و ستایشگری این انوار مقدسه و طیبه، بنده در طول این سالیان متمادی که این جلسه‌ی شریف و عزیز و مغتنم در اینجا تشکیل میشود، صحبت‌های زیادی کرده‌ام که تکرار آن صحبت‌ها را لازم نمیدانم، لیکن همین قدر عرض کنم که هر چه ما جلو میرویم، نقش ارتباطگیری با هنر بیشتر آشکار میشود؛ ارتباط گرفتن با ذهن و دل مخاطبان خود، مردم خود، با کمک ابزار بسیار کارآمد هنر. امروز آن کسانی که پیامی برای مردم دارند؛ چه پیام رحمانی، چه پیام شیطانی - فرق نمیکند - بهترین وسیله‌ای که در اختیار میگیرند، وسیله‌ی هنر است. لذا شما میبینید به کمک هنر، امروز در دنیا باطل‌ترین حرف‌ها را در ذهن یک مجموعه‌ی عظیمی از مردم به صورت حق جلوه میدهند که بدون هنر امکان نداشت، اما با هنر و به کمک ابزار هنر این کار را میکنند. همین سینما، هنر است؛ همین تلویزیون، هنر است؛ انواع و اقسام شیوه‌های هنری را به کار میگیرند برای اینکه بتوانند یک پیام باطل را به شکل حق به ذهنها منتقل کنند. بنابراین هنر اینقدر اهمیت پیدا کرده است.

هنر مداحی، امتیاز منحصر به فرد ما

منتها ما مسلمانها و بخصوص ما شیعیان، امتیازی داریم که دیگر ملیتها و ادیان این امتیاز را به قدر ما ندارند و آن عبارت است از اجتماعات دینی که به شکل روبه‌رو، چهره به چهره، نفس به نفس تشکیل میشود که این را در جاهای دیگر دنیا و در ادیان دیگر کمتر میشود پیدا کرد. هست؛ نه به این قوت، نه به این وسعت، نه به این تأثیرگذاری و محتواهای راقی. فرض بفرمائید برای کسانی که با زبان قرآن آشنا هستند، آیات کریمه‌ی قرآن با صوت خوشی روبه‌رو تلاوت شود. این تأثیرش تأثیر بسیار بالائی است. ماجرای مدح‌خوانی و ستایشگری مداحان ما از این باب است؛ استخدام هنر برای انتقال مفاهیم والا و بالارزش که تا اعماق جان مخاطب نفوذ کند. این یک وسیله است، این یک ابزار بسیار بالارزش است. ابزار است، اما آنقدر این ابزار وزن پیدا میکند که گاهی به قدر خود محتوا اهمیت پیدا میکند؛ چون اگر نباشد، محتوا قابل انتقال به دلها نیست. مداحی شما از این قبیل است. هر چه هنرمندانه‌تر باشد، از ابزار هنر، از صوت خوش، حنجره‌ی خوب برخوردار باشد، بهتر است و هر چه محتوا - آنچه که میخوانیم - آموزنده‌تر باشد، برای مخاطب قابل فهم‌تر باشد، درس آموزتر باشد، از

جهت مدیریت فکری مخاطبتان تازه تر و با طراوت تر باشد، ارزشش بیشتر است. البته با توجه به همان مطلبی که اول عرض کردیم، یعنی در چهارچوب تعالیم و معارف اهل بیت. لذا بازی کردن با مسئله‌ی مداحی سزاوار نیست. مداحی را به صورت یک کار صرفاً سطحی، شکلی، ظاهری در آوردن، آن را عبارةً آخرای تقلید از یک کار مبتذل غربی قرار دادن، هیچ جائز نیست. این را توجه نکنند، بخصوص جوانها که توی این صراط وارد میشوند. هیچ اشکالی ندارد که از شعری با زبان مردم استفاده شود، لیکن با مضمون درست، با مضمون صحیح. اگر چنانچه مداح و خواننده ما و ستایش گر اهل بیت (علیهم‌السلام) از کسانی که خودشان غرق در حیرت و بدبختیاند - وادی هنری غرب، بخصوص هنر موسیقیشان که به ابتذال کشانده شده - و در وادی حیرت و سردرگمی شیطانی و نه حیرت رحمانی هستند، این کار شریف و پاکیزه و مقدس را الگوگیری کرد، این کار ناسزاوار است؛ کار ناشایستی است.

اشعاری با محتوای غنی و متناسب با نیازهای روز

و نکته‌ی دیگری که این را هم ما دائماً تذکر داده‌ایم، باز هم عرض میکنیم، این است که محتواها را محتوایی قرار بدهید که مخاطب شما استفاده کند؛ یا یک منقبت قابل فهمی، یا یک فضیلت برانگیزاننده‌ای از اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد که اعتقاد و ایمان انسان را محکم کند. شما ببینید مداحان اهل بیت (علیهم‌السلام) در دوران حیات معصومین (علیهم‌السلام) بر روی چه چیزهائی تکیه میکردند. شعر دعبل، شعر کمیت، شعر فرزدق - این شعرهائی که ائمه (علیهم‌السلام) اینها را تشویق کردند - بر روی چه چیزهائی تکیه میکردند. شما نگاه کنید ببینید محتوای این اشعار یا عبارات است از اثبات حقانیت اهل بیت با دلیل، با استدلال - استدلالی که در کسوت زیبا و لطیف شعر خودش را نشان میدهد. شعر دعبل را نگاه کنید - یا بیان فضائل اهل بیت (علیهم‌السلام)؛ همین‌ی که امروز در شعر این خوانندگان عزیز ما هم چند بار تکرار شد. اشاره‌ی به ماجرای هل اتی، اشاره‌ی به ماجرای مابهله، اشاره‌ی به تعبیرات پیامبر مکرم نسبت به فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، یا بیان درسهای که از زندگی آن بزرگواران میشود گرفت که نمونه‌ی شیرین کامل نزدیک به زمان خودمان، شعرهائی است که در دوره‌ی انقلاب - دوره‌ی اوج نهضت در سال ۵۶ و ۵۷ - در محرم، دسته‌جات سینه‌زنی، به ابتکار خود مداحان، خود مرثیه‌سرایان، خود را نشان داد. دسته‌ی سینه‌زنی توی بازار، توی خیابان سینه میزد، نوحه میخواند، لیکن هر کسی میشنید، میفهمید که امروز باید چه کار کند؛ امروز باید در کدام جهت حرکت کند.

وقتی شما این هنر را - هنر صوت و لحن و آهنگ و شعر را که کار شما مجموعه‌ای از چندین هنر است - در خدمت این معانی قرار دهید که یا اثبات حقانیت اهل بیت را میکند، یا فضائل

و مناقب اهل بیت را میگوید که دل شنونده را روشن میکند، یا معارف اهل بیت را تفهیم میکند و راه زندگی را برای مخاطب شما روشن میکند، آن وقت این بالاترین ارزش را پیدا میکند؛ آن وقت یک برنامه‌ی مداحی شما به قدر چند ساعت سخنرانی و درس استدلالی ارزش پیدا میکند. مسئله فقط تحریک احساسات نیست؛ هدایت ذهنهاست. البته امروز خوشبختانه من میبینم که هم در این جلسه، هم در جلسات عزاداری و مناسبت‌هایی که مداحان عزیز می‌آیند میخوانند، الحمد لله توجهات خوبی در این سالها پیدا شده، لیکن ظرفیت، خیلی ظرفیت عظیمی است. شما جوان‌هایی که اهل خواندن و سرودن و بیان کردن و برنامه اجرا کردن هستید، به نیاز امروز جامعه‌ی اسلامی نگاه کنید، ببینید چقدر ملت ما، جوانها و جامعه‌ی ما در کشاکش طوفانهای گوناگون تهاجم سیاسی و فرهنگی و انواع و اقسام تلقینات و تبلیغات، به نگاه نو، به روحیه‌ی سرشار از امید، به دل لبالب از اطمینان به آینده، فهمیدن راه روشن احتیاج دارد. این را همه باید انجام دهند؛ هر کسی به یک نحوی. و شما میتوانید سهم وافری در این زمینه داشته باشید. به هر حال، مجموعه‌های اساتید و پیشکسوت‌های مداحی میتوانند کارهای خوبی انجام دهند، امیدواریم ان شاء الله انجام دهند.

فعال بودن هیئات برای مقابله با دشمنی دشمنان انقلاب

یک نقطه‌ی اساسی هم این است که ما وضعیت کنونی انقلاب را همواره هم در یاد خودمان داشته باشیم، هم در حوزه‌ی شعاع گفتاری خودمان، تأثیر نفس خودمان را به یاد دیگران بیاوریم. عزیزان من! انقلاب یک حادثه در تاریخ ایران فقط نبود؛ این یک حادثه در تاریخ جهان و در تاریخ بشریت بود. بر روی این نکته من تکیه و تأکید میکنم - این شعار نیست، این تدقیق در یک حقیقت است - که این یک حادثه در تاریخ بشریت است. هر چه زمان بیشتر بگذرد، بیشتر این حقیقت روشن خواهد شد. اینجور نبود که حالا در کشوری نظامهای طاغوتی و فاسد بودند، بعد به یک نظام اسلامی تبدیل شد. البته این بود؛ اما فقط این نبود. از لحاظ اعتقادی و معنوی، قرن‌هاست که دنیا را بعمد به سمت نگاه مادی و فهم مادی زندگی و عالم پیش میبردند، الان هم دارند پیش میبرند. این انقلاب در مقابل این موج عظیمی که با همه‌ی قدرت مادی آن را دائم تشدید میکردند، آمد ایستاد و ضربه زد. انقلاب با مطرح کردن علم معنویت، با آن حرکتی که ترکتازانه به پیش میبردند، به آن حرکت لطمه وارد آورد و او را کند کرد. امروز شما میبینید در همان کشورهایی که مهد گرایش مادیگری بود، گرایشهای معنوی به شکل‌های مختلفی بروز کرده؛ یعنی طلب معنویت، عشق به معنویت، شوق و گرایش به معنویت در آنجا در بین جوان‌هایشان به وجود آمده - البته این معنویت را وقتی نمیتوانند درست اداره کنند، مدیریت کنند، گرایشهای انحرافی به وجود می‌آید؛ عرفانهای قلبی، معنویت‌های



دروغین. و شیادانی هم هستند که نقش می‌آفرینند - که اگر توی این شرایط اسلام و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) بتواند خود را به قلب امپراتوری مادی غرب برساند، آنجا طالب دارد، مستمع دارد، علاقه‌مند دارد. و این امروز در دنیا محسوس و مسلم است. اینی که میبینید علیه اسلام این همه حمله میکنند، به نام مبارک پیغمبر اعظم (صلی الله علیه و اله و سلم) به مصداق قول مولوی:

مه فشانند نور و سگ عوعو کند

هر کسی بر طینت خود میتند

بر طینت خودشان میتند نسبت به نام مبارک آن بزرگوار. این، حادثه‌ی جدیدی را به وجود آورده که نفوذ این نام در دنیا بیشتر شده؛ حضورش قویتر شده؛ جاذبه‌اش برای دل جوانها مضاعف شده و همین، گردانندگان استکبار را دستپاچه کرده که عوامل و مزدورانشان را وادار میکند که هر روز به یک نحوی عکس‌العمل نشان میدهند که این نشان‌دهنده‌ی هزیمت آنهاست. این از جنبه‌ی معنوی.

از جنبه‌ی سیاسی این است که از دورانی که مسئله‌ی استعمار در دنیا شروع شد - یعنی از قرن نوزدهم - که آرام آرام از حدود دویست سال قبل تقریباً مسئله‌ی استعمار یعنی دست‌اندازی به کشورهای دیگر از سوی قدرتهائی که میتوانستند دست‌اندازی کنند، شروع شد، نظام سلطه سر کار آمد؛ یعنی دنیا تقسیم شود به دو بخش؛ یک بخش گردن‌کلفت و زورگو و سلطه‌گر، یک بخش ضعیف و توسری خور و سلطه‌پذیر. انقلاب اسلامی شما در مقابل این حرکتی که به حرکت طبیعی دنیای سیاست تبدیل شده بود، ایستاد. اینی که شما میبینید امروز در خیلی از کشورها صدای مرگ بر آمریکا بلند میشود، این چیز جدیدی است؛ این مخلوق حرکت ملت ایران است. چنین چیزی وجود نداشت. اینی که شما میبینید امروز در همه‌ی دنیا، چه در کشورهای اسلامی، چه حتی در کشورهای اروپائی، سیاست آمریکائی منفورترین سیاستها و سران کشور آمریکا منفورترین سیاستمداران دنیا هستند، این ناشی از این حرکت عظیم ملت ایران است. اینجا بود که اول، شاخ ابرقدرتی ابرقدرتها را شکست، نظام سلطه را به چالش طلبید. چرا؟ چرا قدرتهای بزرگ مثل آمریکا و دیگران با کشورهائی که همیشه سلطه‌پذیر بودند، باید از موضع قدرت حرف بزنند؟ توی ایران خود ما سران ذلیل روسیاه رژیم طاغوت، برای تصمیم‌گیریهای مهمشان اقدام نمیکردند، مگر اینکه قبلاً با سفیر آمریکا و سفیر انگلیس در ایران مشورت کنند. چرا؟ چرا یک ملت با توانائیهای خود، با ذخائر فرهنگی و مادی و معنوی خود، بایستی تابع و تسلیم یک قدرت بیگانه شود؟ چرا؟ این «چرا» را اول، انقلاب اسلامی گفت. حالا این، دو نمونه از تأثیری که انقلاب شما ملت ایران از جنبه‌ی معنوی و از جنبه‌ی سیاسی در حرکت عمومی جهان و نه فقط در تاریخ ایران، باقی گذاشته. این دو نمونه، نمونه‌های دیگری

هم دارد که حالا وقت تفصیلش نیست.

این اقدام بزرگ انجام گرفت، دشمنیها هم با او شروع شد؛ مقاومت متقابل هم شروع شد. رهبری شگفت آور امام بزرگوار در سخت ترین دورانه‌ها توانست این حرکت را با کمال قدرت حفظ کند و پیش برد و پیش ببرد. ملت ایران، جوانان این کشور، حقیقتاً سخن امام بزرگوارشان را نبوشیدند؛ از دل و جان آن سخن را پذیرفتند، فهمیدند و دنبال کردند. خیلی هم تلاش شد که مردم را منحرف کنند، منصرف کنند، راهشان را عوض کنند، باورشان را بگیرند، نشد؛ تا حالا نشده، بعد از این هم ان شاء الله نخواهد شد. این حرکت ادامه پیدا کرده و این دشمنیها هم روز به روز به شکل‌های مختلف وجود داشته. ما مثل آن دونده‌ای هستیم که به طرف مقصدی دارد حرکت میکند، ولی عده‌ای نمیخواهند او برسد و دائم سر راهش مانع درست میکنند؛ از رو مانع‌ها می‌پرد، هی سنگ بهش می‌زنند، هی او را ملامت میکنند؛ از اطراف به او فریاد می‌زنند: نرو، نمیرسی، فایده‌ای ندارد؛ او هم گوشش بدهکار نیست؛ زخمها را می‌خورد، دردها را تحمل میکند؛ اما راه خودش را ادامه می‌دهد و میرسد. ملت ایران مثل یک چنین دونده‌ی قهرمانی تا امروز عمل کرده؛ پیش رفته.

خوب، در یک چنین وضعیتی، دلسوزان این کشور، دلسوزان این ملت، علاقه‌مندان به آرمانهای اسلامی و انقلابی و مکتب اهل بیت (علیهم‌السلام) وظیفه‌یشان چیست؟ همه وظیفه دارند این راه را برای روندگان، یعنی برای ملت ایران تسهیل کنند. سیاستمدارها یک جور، دولتمردان یک جور، علمای دین یک جور، دانشمندان دانشگاه‌ها یک جور، روشنفکران یک جور، قشرهای مختلف یک جور. یکی از اثرگذارترین‌ها هم این جامعه‌ی گویندگان مذهبی، سرایندگان مذهبی، پرچمداران عشق به اهل بیت (علیهم‌السلام) که در شادی و عزای اهل بیت دلها را به آنها نزدیک میکنند، هستند.

🕌 امروز شناخت وظیفه لازم است

آنچه که امروز لازم است، این است که همه این وظیفه را بشناسند، بدانند که ما کجا هستیم. یک عده‌ای غفلت میکنند، نمیفهمند که ما این همه حرکت کرده‌ایم، پیش آمده‌ایم؛ نمیفهمند که ما هنوز راه طولانی‌ای در پیش داریم؛ نمیفهمند که ما دشمن داریم، دشمن از تنبلی ما، از غفلت ما، از اختلاف ما، سوء استفاده میکند. مخاطب بیشتر این حرف شخصیت‌های مطرح جامعه - سیاسی و فرهنگی و غیره - هستند که باید مراقب حرف زدنهای خودشان، مراقب نوشتنهای خودشان، مراقب موضع‌گیریهای خودشان باشند. اتحاد و اتفاقی که رمز همه‌ی پیشرفته‌ها و پیروزیهاست، امروز بیشتر از همه برای این کشور لازم است. مسئولین کشور هم واقعاً دارند زحمت میکشند، حقیقتاً دارند زحمت میکشند. دولت، مسئولین، مدیران بخشهای



مختلف، تلاش میکنند. اگر کسی ایراد و انتقادی هم دارد، نباید آن را جووری مطرح کند که این مدیری که در تلاش هست برای اینکه کار را بهتر انجام دهد، او را تضعیف کند. اختلافات غالباً از هوسهای نفسانی بر میخیزد. اگر کسی بگوید این عمل من که اختلافانگیز بود، تفرقه‌انگیز بود، برای خداست، این را باور نکنید. تفرقه‌ی بین مؤمنین کارِ خدائی نیست، برای هدفِ خدائی انجام نمیگیرد؛ کار شیطانی است؛ کار شیطانی است. ایجاد بغضاء و کینه بین مؤمنین، فضای اختلاف را به وجود آوردن، این کار شیطان است، کار خدائی نیست. کار خدائی همدلی است. یک نفر یک کاری دارد، مسئولیتی را بر عهده گرفته، دیگران باید کمک کنند تا کار را خوب انجام دهد. اگر ضعفی داشت، به او تذکر دهند؛ اما نگذارند او تضعیف شود. این کسی که این علم را بر دوش کشیده، بلند کرده، همه باید کمکش کنند؛ یکی عرقش را پاک میکنند، یکی بادش میزند. اگر دیدند که در نگه داشتن علم دارد اشتباه میکند، راهش این نیست که یک مشتی هم به پشتش بزنند، خود او و علم را سرنگون کنند. راهش این است که کمکش کنند این اشکال برطرف شود؛ این نکته را باید همه توجه کنند، بخصوص کسانی که در عرصه‌ی سیاست و در عرصه‌ی فرهنگ و در عرصه‌ی رسانه و در عرصه‌های گوناگون نقش و حضوری دارند.



ترکیب شور و شعور در مجالس

- ❁ بقای شیعه در گرو محبت اهل بیت
- ❁ فاطمه زهرا(س)، افتخار دین و امت
- ❁ عاطفه متکی به منطق، جریان قدیمی در تشیع
- ❁ تقویت ایمان مردم، راه مقابله با دشمن
- ❁ اختصاص قسمتی از منبر مداحی، به معارف و اخلاق
- ❁ روضه خوانی بدون نیزه و خنجر
- ❁ حرفه بسیار تأثیر گذار مداحی

ترکیب شور و شعور در مجالس

بقای شیعه در گرو محبت اهل بیت

اگر محبت اهل بیت (علیهم السلام) و عشق جوشان به این عناصر الهی و ربانی نمیبود، مسلماً جریان شیعه با همه‌ی معارف مستحکم آن، در طول زمان و تاریخ، در میان این همه دشمنی باقی نمیماند. این عواطف را، این شور محبت را نباید دست کم گرفت. یقیناً منطق در به کرسی نشاندن سخن حق تأثیر زیادی دارد و بدون پشتیبانی منطق و حکمت، هیچ حقی را نمیشود بر پا نگه داشت؛ اما گسترش گرایش به حق، بقای این حق ماندگار در طول تاریخ اسلام، جز با محبت، با مودت، با پیوند قلبی و عاطفی، امکان پذیر نبود. لذا شما ملاحظه کنید؛ از اول اسلام تا امروز، پیوند فکری و عقلانی همراه بوده است با پیوند عاطفی و قلبی.

اگر در تاریخ ملاحظه میکنید که وقتی پیغمبر اکرم در ایام فتح مکه - یعنی هشت سال بعد از هجرت پیغمبر - هنگامی که وضو میگرفت، اصحاب آن بزرگوار سبقت میجستند برای اینکه آب وضویی را که از صورت مبارک آن بزرگوار جاری میشد، بگیرند و به عنوان تبرک بر سر و روی خود بکشند، این همان پیوند عاطفی است؛ این فرق دارد با خضوع قلبی و ایمان به معارف نبوی؛ این یک چیز دیگر است؛ این همان چیزی است که یک دشمن عنود مثل ابیسفیان را متحیر و متعجب کرد. او این منظره را دید و گفت: من قدرتها و حکومتها و سلطنتهای زیادی را دیدم، اما هیچ قدرتی را ندیدم که اینجور در دلهای مردم نفوذ کند؛ آنچنانی که امروز قدرت اسلام را میبینم. این، ارتباط قلبی و عاطفی است؛ این را باید حفظ کرد.

فاطمه زهرا(س)، افتخار دین و امت

فاطمه‌ی زهرا، صدیقه‌ی کبری (سلام الله علیها)، بزرگترین بانوی تاریخ بشر، افتخار اسلام، افتخار این دین و افتخار این امت است. مقام فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) از جمله‌ی آن مقاماتی است که تصور آن برای انسانهای معمولی، انسانهای متعارف - امثال ماها - یا ممکن نیست، یا دشوار است؛ معصوم است دیگر. نه به حسب مسئولیت رسمی، پیغمبر است؛ نه به حسب مسئولیت رسمی، امام و جانشین پیغمبر است؛ اما در رتبه، در حد پیغمبر و امام است. ائمه‌ی هدی (علیهم‌السلام) نام مبارک فاطمه‌ی زهرا را با عظمت و با تجلیل می‌بردند؛ از معارف صحیفه‌ی فاطمی نقل می‌کردند؛ اینها چیزهای بسیار عظیمی است. فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) این است.

آنچه در زندگی ظاهری آن بزرگوار وجود دارد، از یک سو علم و حکمت و معرفت است، که حتی در خطبه‌ای مثل خطبه‌ی فدکیه‌ی معروف آن بزرگوار که هم شیعه آن را نقل کرده است، هم اهل سنت لااقل بعضی از فقرات آن را نقل کرده‌اند - بعضی هم همه‌ی آن خطبه را نقل کرده‌اند - وقتی نگاه می‌کنید در حمد و ثنای این خطبه، در مقدمات این خطبه، می‌بینید یکپارچه حکمت و معرفت از زبان دربار آن بزرگوار در فضا منتشر شده و امروز بحمدالله برای ما باقی مانده - در آنچنان موقعیتی که بحث تعلیم نبود، خطاب مربوط به علم و معرفت نبود؛ در واقع یک محاجه‌ی سیاسی بود - در عالیترین سطحی که برای ما قابل درک است، در این خطبه‌ی مبارکه، معارف الهی و معارف اسلامی ذکر شده است؛ از سوی دیگر، زندگی آن بزرگوار مشحون است به مجاهدت؛ مثل یک سرباز فداکار در عرصه‌های مختلف، این بزرگوار حضور فعال و مؤثر دارد. از دوران کودکی در مکه، در شعب ابیطالب، در کمکسانی و روحیه‌دهی به پدر بزرگوارش، تا همراهی با امیرالمؤمنین در مراحل دشوار زندگی در مدینه، در آن جنگها، در آن غربتها، در میان آن تهدیدها، در آن سختی زندگی مادی و فشارهای گوناگون، و همچنین در دوران محنت آن بزرگوار - یعنی بعد از رحلت پیغمبر - چه در مسجد مدینه، چه در بستر بیماری، در همه‌ی این مراحل، این بزرگوار مشغول فعالیت است، مشغول تلاش است؛ یک حکیم مجاهد، یک عارف مجاهد. همچنین از لحاظ وظائف زنانگی، وظیفه‌ی همسری، وظیفه‌ی مادری، تربیت فرزند، پذیرایی و مهربانی با شوهر، یک زن نمونه است. آنچه که در خطاب به امیرالمؤمنین از این بزرگوار نقل میشود، تعبیری که میکند، خشوع و خضوعی که نشان میدهد، اطاعت و تسلیمی که در مقابل امیرالمؤمنین دارد، بعد تربیت این فرزندان، فرزندى مثل امام حسن، فرزندى مثل امام حسین، فرزندى مثل زینب، آیت عظمی و اعلاى یک زن نمونه است در وظائف زنانه، تربیت زنانه، محبت زنانه؛ و همه‌ی این مجموعه‌ی ذقیمت و بینظیر، در یک عمر هجده ساله. یک دختر جوان هجده نوزده ساله، با این همه مقامات معنوی و اخلاقی و سجایای

رفتاری، وجود یک چنین عنصری، یک چنین موجودی در هر جامعه‌ای، در هر تاریخی، در هر ملتی که باشد، مایه‌ی افتخار است؛ و دیگر نداریم نظیر این بزرگوار را. دانستن این معارف، انسان را با سجایای آن بزرگوار آشنا میکند؛ اما بدون پیوند عاطفی، بدون محبت، بدون آن آتش شور و شوقی که اشکها را از چشم انسان جاری میکند - چه در وقتی که انسان مصیبت او را میشنود، چه در وقتی که منقبت او را میشنود - انسان به نتیجه نمیرسد؛ این یک چیز دیگر است؛ این همان پیوند عاطفی و معنوی و روحی است؛ این را باید حفظ کرد.

عاطفه متکی به منطق، جریان قدیمی در تشیع

از اول تاریخ تشیع تا امروز، یک عنصر اصلی و اساسی در تشیع و جریان تشیع، همین جریان عاطفی است؛ البته عاطفه‌ی متکی به منطق، عاطفه‌ی متکی به حقیقت، نه عاطفه‌ی پوچ. لذا شما در قرآن هم ملاحظه میکنید که اجر رسالت، محبت و مودت در قریبی است؛ «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربى»^۱. این خیلی نکته‌ی مهمی است که باید به آن توجه داشت. خدشه‌دار کردن این محبت به هر شکلی و به هر صورتی، خیانت به جریان عظیم محبت اهل بیت و پیروی اهل بیت است. این محبت را باید حفظ کنید. لذا شما میبینید در دوران ائمه (علیهم‌السلام) این همه محدثین، این همه شاگردان آگاه و فقهایی بزرگ در خدمت امام صادق (علیه‌السلام)، امام باقر (علیه‌السلام) و ائمه‌ی دیگر بودند، معارف را نقل کردند، احکام را نقل کردند، شرایع را نقل کردند، اخلاقیات را نقل کردند، شنیدند و نقل و ثبت کردند؛ اما در کنار همه‌ی اینها، باز وقتی انسان درست نگاه میکند، میبیند نگاه به دعبل خزاعی است، نگاه به سید حمیری است، نگاه به کمیت بن زید اسدی است. در حالی که امثال زراره و محمدبن مسلم و بزرگانی از این قبیل در دستگاه ائمه (علیهم‌السلام) هستند، اما امام رضا (علیه‌السلام) دعبل را مینوازد؛ امام صادق (علیه‌الصلاة و السلام) سید حمیری را مورد توجه و محبت قرار میدهد؛ این به خاطر این است که آن جنبه‌ی ارتباط عاطفی و محبت‌آمیز، در شعر شاعران، مدح مادحان و ذکر ذاکران، به نحو اتم و اوفی وجود دارد، اما در دیگر جاها وجود ندارد؛ یا اگر هست، ضعیف است؛ یا اینجوری بگوئیم، تأثیرگذاری آن ضعیف است. شعر، مدح، ذکر، این نقش را در تاریخ تشیع دارد.

خوب، امروز شما اکثر افرادی که در این جلسه حضور دارید، مادحان و ذاکران و ستایشگران اهل بیت هستید؛ پس این مرتبه‌ی بالائی است. قصد من این نیست که شما را برای این حرفه‌ای که در پیش گرفتید یا مسئولیتی که بر دوش گرفتید - که یقیناً با محبت و عشق همراه است - تثبیت کنم؛ خوب، این تحصیل حاصل است؛ شما در این مسیر با میل و اراده و علاقه‌ی خودتان وارد شدید و ان شاء الله مشمول توجهات و ثواب الهی و توجه اهل بیت



(علیهم‌السلام) هم قرار دارید؛ اما مقصود من این است که این جریان را درست بشناسیم و آنچنان که مورد توجه ائمه (علیهم‌السلام) است، از آن بهره‌برداری کنیم. من می‌خواهم این را عرض بکنم به شما برادران عزیزی که ذاکر اهل بیت هستید و در سلسله‌ی مداحان و جامعه‌ی مداحان و ذاکران اهل بیت قرار دارید. این کار، کار شریفی است؛ کار ارزشمندی است؛ در بقای تشیع، در حفظ ایمان شیعی و معرفت شیعی و پیروی از اهل بیت (علیهم‌السلام) نقش‌آفرین است؛ این را قدر بدانید.

جلسه‌ی ما بیست و چند سال است که هر سال در این روز تشکیل میشود. درباره‌ی مداحی و مداحان حرفهای زیادی گفته شده، ما هم عرض کردیم - البته کارهای خوب، پیشرفتهای خوب، جلوه‌های خوب هم انسان مشاهده میکند - ولی من می‌خواهم بگویم این ظرفیت موجود، خیلی ظرفیت عظیمی است. شاید این حرف را من خطاب به دوستانی که در این جلسه‌ی سالانه شرکت کردند، بارها گفته باشم؛ گاهی یک بیت شعری که شما می‌خوانید، از یک ساعت بحث مستدل یک گوینده‌ی ماهر تأثیرش در دلها بیشتر است. خوب، این خیلی ظرفیت بزرگی است؛ از این ظرفیت باید خوب استفاده کرد. میتوان با این امکان، با این ظرفیت عظیم، معارف اهل بیت را به کمک جنبه‌های عاطفی تا اعماق دل مردم چهارگوشه‌ی این کشور برد و آن را تعمیق بخشید؛ این چیز کمی نیست. ما امروز به این احتیاج داریم؛ همیشه احتیاج داریم. ما احتیاج داریم که ایمانهایمان مستحکم بشود، پایه‌های روشن پیدا کند، ثبات و ماندگاری پیدا کند، امواج گوناگون تبلیغات دشمن ما را تکان ندهد؛ ما همیشه به این احتیاج داریم. امروز دشمنان حقیقت، دشمنان اسلام، دشمنان معرفت اهل بیت (علیهم‌السلام) با ابزارهای کارآمد وارد میدان شده‌اند؛ امروز مسلح‌تر از همیشه‌اند؛ انواع و اقسام شیوه‌ها را به کار می‌گیرند تا این جامعه‌ای را که امروز به حق قیام کرده است و دنیای اسلام را متوجه خود کرده و پنجه‌های پلید استکبار را تضعیف کرده - یعنی جامعه‌ی جمهوری اسلامی، جامعه‌ی ایران اسلامی - تضعیف کنند، توانائیش را کم کنند، آبرویش را در نزد ملت‌های مسلمان، در نزد امت اسلامی از بین ببرند؛ دنبال این چیزهایند.

🕌 تقویت ایمان مردم، راه مقابله با دشمن

شما ملت ایران در این سی سال خیلی کارهای بزرگی انجام دادید. دشمنان ملت ایران، دشمنان گردن‌کلفتی هستند. همه‌ی زورگوها، همه‌ی چپاولگرها، همه‌ی سرمایه‌دارهای بزرگ، همه‌ی باندهای قدرت، همه‌ی مافیاهای ثروت و پول، در مقابل شما هستند. شما راه اینها را زدید، برای اینها مشکل درست کردید. ملت ایران در این سی سال خیلی اثرگذار حرکت کرده. این دشمنیهائی که میکنند، این بغضی که نسبت به ملت ایران می‌ورزند، بیخود نیست. شما اگر راه

این دزدیها را سخت و دشوار نمیکردید، برای تسلط و سیطره‌ی استکبار مشکل درست نمیکردید، اینقدر با شما دشمنی نمیکردند. این دشمنها امروز درصدد این هستند که ملت ایران را از محتوای برانگیزاننده‌ی آن - که همین ایمان روشن مستدل باشد - خالی کنند. انواع شیوه‌ها را به کار می‌برند؛ ترویجهای باطل میکنند، سرگرمی درست میکنند، سرگرمیهای فکری درست میکنند، سرگرمیهای شهوانی درست میکنند، سرگرمیهای سیاسی درست میکنند، فتنه درست میکنند؛ اینها همه یک سیاست است. خوب، در مقابل اینها چه کار باید کرد؟ باید این ایمان را که مایه‌ی قیام و ایستادگی و ثبات ملت ایران است، تقویت کرد.

یکی از عواملی که میتواند این کار بزرگ را انجام دهد، همین گسترش معارف اسلامی و معنوی و انقلابی به شکل روشن و پراکندن هرچه بیشتر محبت اهل بیت در دلها و در روحهای انسانهاست؛ این مسئولیتی است که امروز همه‌ی ما داریم؛ مداحان هم بخشی از این مسئولیت را دارند، که بخش مهمی هم هست. با این چشم نگاه کنید به حرفه‌ی مداحی. وقتی آنجا میایستید برای خواندن، احساس کنید که به عنوان یک مبلغ دین، به عنوان یک پیام‌آور حقائق دینی، در اثرگذارترین شکل، آنجا ایستاده‌اید. اگر این احساس وجود داشت، آن وقت انتخاب شعر محدودیت پیدا میکند، کیفیت ادا محدودیت پیدا میکند، انسانهایی که میخواهند این مسئولیت را انجام بدهند، محدودیت پیدا میکنند؛ چاره‌ای هم نیست. این کار را خود شما باید بکنید؛ کار خود مداحهاست. امروز اگر چنانچه پرسند: «آقا حرفه‌ی مداحی به چی احتیاج دارد؟»، «یکی بخواهد مداح بشود، از امروز شروع کند، چه چیزی نیاز دارد؟»، دو سه چیز را میشمارید دیگر؛ میگوئید باید صدایش خوب باشد، حافظه‌ی خوبی داشته باشد، بتواند شعر یاد بگیرد؛ البته روح هم داشته باشد. یک انسانی با داشتن حافظه‌ی خوب و صدای خوش، میتواند بشود یک مداح. به نظر ما این کافی نیست. شما به مداح به چشم یک معلم نگاه کنید که میخواهد چیزی را به مستمع خود تعلیم بدهد. همه‌ی شماها این صلاحیت را دارید. هیچ کس را از این دایره نباید بیرون کرد. هر که شوق این کار را دارد، بسم‌الله، خیلی خوب است؛ اما صلاحیتش را در خودش به وجود بیاورد.

اشعار مداحی باید آموزنده باشد

شعری که میخوانید، شعر معرفت باشد، شعر آموزنده باشد؛ چه درباره‌ی مسائل روز - مثل بعضی از شعرهایی که امروز بعضی از آقایان خواندند، که ناظر به حوادث روز جامعه بود؛ این خیلی باارزش است، آگاهیبخش است - چه حتی آن چیزی که این هم در آن نباشد؛ اما فرض بفرمائید فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) را که میخواهید معرفی کنید، آنچنان معرفی کنید که یک انسان مسلمان، یک زن مسلمان، یک جوان مسلمان از آن زندگی درس بگیرد؛ در دل خود



نسبت به آن مجسمه‌ی قداست و طهارت و حکمت و معنویت و جهاد، احساس خشوع و خضوع و وابستگی کند. این، طبیعت انسان است. ما انسانها تابع و متمایل به کمالیم. اگر بتوانیم کمال را در خودمان ایجاد کنیم، می‌کنیم؛ اگر نه، آن کسی که صاحب کمال است، به طور طبیعی انسان به او گرایش دارد. این کمال را در فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها)، در امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام)، در ائمه‌ی اطهار (علیهم افضل الصلوات و السلام) برای شنونده تشریح کنیم و شنونده‌ی ما در قالب شعر، در قالب کلام موزون، و بخصوص در قالب صدای خوش و آهنگ درست و خوب، این معرفت را مثل آب زلالی که مینوشد، بنوشد و به همه‌ی اجزای بدن او برسد. این کار از خیلی از گویندگان برنمی‌آید، از خیلی از هنرمندان برنمی‌آید، از معلمین برنمی‌آید؛ اما از شما برمی‌آید، اگر این کار را انجام بدهید.

🏠 اختصاص قسمتی از منبر مداحی، به معارف و اخلاق

من بارها توصیه کرده‌ام، باز هم توصیه می‌کنم؛ منبرتان را، مجلستان را تقسیم کنید به دو قسم: قسم اول، معارف و اخلاقیات. ما امروز به اخلاقیات احتیاج داریم، به معارف احتیاج داریم. امروز احتیاج داریم که نسل موجود ما، نسل جوان ما، با امید، با نشاط، با خوشبینی به آینده، با ایمان به خدا، با پیوستگی قلبی به اهل بیت بار بیاید. ما احتیاج داریم که جوان ما امروز افتخار کند به اینکه متعلق به ایران اسلامی است؛ افتخار کند به وجود امام؛ افتخار کند به جمهوری اسلامی؛ افتخار کند به دین خود و به مذهب خود و به پیروی اهل بیت. ما امروز به جوانی احتیاج داریم که بداند سرنوشت خود او و سرنوشت جامعه‌ی او و سرنوشت خانواده‌ی بزرگ او وابسته‌ی به کار و تلاش اوست؛ اهل تلاش باشد، اهل کار باشد، اهل جدیت باشد، اهل پیگیری باشد، اهل تنبلی نباشد، اهل وادادگی و لاابالیگری نباشد. این تربیتها چه جوری انجام می‌گیرد؟ شما می‌توانید نقش ایفاء کنید. بنابراین یک قسم منبر، شعری باشد که این معانی را تزریق کند. بهترین نحوه‌ی بیان هم بیان غیرمستقیم است.

در قالب شعر خوب - اینجا نقش شعرا معلوم میشود - معارف اهل بیت را ترویج کنید. امروز خوشبختانه ما شاعر خوب هم کم نداریم. بعضی از همین شعرهائی که امروز خوانده شد، جزو شعرهای خوب بود. امروز بحمدالله شعرای خوب، گویندگان خوش سلیقه در بیان، در ابراز حقائق و به نظم کشیدن این حقائق به وسیله‌ی شعر، داریم؛ اینها را بگردید پیدا کنید. شما که مداحید، وقتی طالب شعر باشید، چشمه‌ی شعر شاعر به جوش می‌آید. شما که طالب شدید، او شعر می‌گوید. وقتی شعرش به وسیله‌ی شما خوانده شد، انگیزه‌ی او برای شعر گفتن چند برابر میشود؛ یک هم‌افزایی به وجود می‌آید؛ او به شما کمک میکند، شما به او کمک میکنید. یک قسم منبر هم مربوط به مدایح و مراثی اهل بیت (علیهم السلام) است. البته ما در باب



مرثیه خوانی حرفه‌های زیادی داریم. بارها هم ما توی همین جلسه به شما مداحهای عزیز عرض کردیم، جاهای دیگر هم گفتیم که در مرثیه خوانی بایستی به صدق واقعه پایبند بود. درست است که شما میخواهید مستمع خودتان را بگریانید، اما این گریاندن را به وسیله هنرنمایی در کیفیت بیان واقعه تأمین کنید، نه در ذکر واقعه‌ای که اصل ندارد. ما در گذشته‌ها سراغ داشتیم - ان شاء الله حالا آنجور نیست - که بعضیها فی المجلس یک چیزی را جعل میکردند؛ نکته‌ای همان جا به ذهنش می‌آمد، میدید خوب است، موقعیت خوب است، همان جا میگفت و از مردم اشک میگرفت! این درست نیست. اشک گرفتن از مردم که هدف نیست؛ هدف، آمیختن این دل اشک‌آلود - که اشک را به چشم میرساند و چشم را اشکبار میکند - به معارف زلال است؛ البته با هنرنمایی.

🏠 روزه خوانی بدون نیزه و خنجر

ما در مشهد یک منبری معروفی داشتیم - خدا او را رحمت کند - مال پنجاه سال قبل است؛ مرحوم رکن الواعظین. او منبر میرفت و مردم پای منبر روزه خوانی او مثل ابر بهار گریه میکردند؛ در حالی که خودش هم بارها میگفت من اسم نیزه و خنجر نمی‌آورم. واقعاً هم نمی‌آورد؛ بنده دهها منبر از او دیده بودم. حادثه را آنچنان هنرمندانه تصویر میکرد که مجلس را منقلب می‌ساخت؛ بدون اینکه بگوید «کشتند»، بدون اینکه بگوید «تیر زدند»، بدون اینکه بگوید «شمشیر چنین زدند» یا «خنجر چنین زدند»؛ اینها را نمی‌گفت. میتوان با شیوه‌های هنرمندانه، روزه خوانی خوب کرد و گریاند.

البته این را هم به شما عرض بکنم؛ اینکه آقایان مداحها، و سابقها روزه خوانها - که ما حالا کمتر توفیق پیدا میکنیم ببینیم، اما در مواردی از افاضات مداحها مستفیض میشویم - اصرار میکنند که بلند گریه کنید، لزومی ندارد؛ خوب، آرام گریه کنید. وقتی میخواهند سینه بزنند، اصرار بر اینکه «صدا، صدای این جمعیت نیست»؛ یا وقتی مردم میخواهند صلوات بفرستند، اصرار بر اینکه «صلوات، صلوات این جمعیت نیست»! شما بخواهید مردم صلوات بفرستند، ولو توی دلشان. گرم شدن مجلس به این شیوه‌ها، اصل نیست؛ کاری کنید که دل‌های مستمع را در اختیار بگیرید. دل مستمع وقتی در اختیار شما آمد، مقصود حاصل است؛ اگر آهسته هم گریه کند، باز مقصود حاصل است؛ اگر به شما توجه کرد، باز مقصود حاصل است.

🏠 حرفه بسیار تأثیر گذار مداحی

بنابراین حاصل عرض امروز ما این شد که کار مداحی کار بزرگی است، کار مهمی است، حرفه‌ی بسیار اثرگذاری است؛ میتواند مصداق درشت و برجسته‌ای باشد از مجاهدت فی سبیل الله.



اینکه میگوئید ما حاضریم در میدان حضور داشته باشیم، این برای هر کسی یک جور حضور است: یک روز انسان توی میدان جنگ ظاهری است، یک وقت انسان در میدان پیکار با دشمنانی است که در جنگهای فرهنگی و جنگهای نرم وارد مبارزه شده‌اند؛ این یک جور دیگر پیکار است؛ اقتضای خودش را دارد. در کار شما مداحان، در میدان بودن و مجاهدت کردن، یعنی ارائه‌ی سخن اثرگذار و بیان هدایتگر برای دلها؛ البته با شیوه‌های هنرمندانه. حالا شیوه‌ی هنرمندانه هم که عرض میکنیم، خوب، صدای خوش که الحمدلله همه‌تان دارید؛ آهنگهای متعارفی هم هست. البته بعضی از آهنگهایی هم که انسان گوشه و کنار میشنفت یا به گوش انسان میرسد، آهنگهای مناسبی نیست؛ حالا گیرم که چهار نفر را هم جذب کند. نه، آهنگ باید سنگین، متین و متناسب با محتوایی باشد که شما دارید عرضه میکنید؛ خدای نکرده به سمت آهنگهای حرام و آهنگهایی که گناه است، سوق پیدا نکند. این هم خیلی نکته‌ی اساسی و مهمی است. هر شعری، هر تصنیفی، هر ترانه و آهنگی که خوانده شد، قابل تقلید نیست. چیزهایی هست که خودش فی نفسه حرام است؛ اگر چنانچه وارد عرصه‌ی مداحی و بیان حقیقت و بیان خدا و پیغمبر شد، آن وقت حرمتش دو برابر خواهد شد. بنابراین آهنگ هنرمندانه و خوب و متناسب و شعر خوب و صدای خوش و شاید از همه بالاتر دل پاک و مطهر و بااخلاص مداح محترم، لازم و مهم است.





شرایط مداحی و ویژگیهای شعر خوب

- ❖ لازمه مداحی، صدای خوش و آهنگ غیر لهنوی
- ❖ اهمیت مضمون اشعار
- ❖ محتاج نصیحتیم
- ❖ آگاهی و بصیرت بخشی نسبت به مسائل زندگی
- ❖ نیازهای مداح موفق

شرایط مداحی و ویژگیهای شعر خوب

لازمه مداحی، صدای خوش و آهنگ غیر لهوی

مقوله‌ی دیگر، مربوط به حرفه‌ی زیبای ظریف مؤثر مداحی است؛ که حالا از جمع حاضر اگر همه هم نباشند، لابد جمع کثیری از جمع حاضر را مداحان محترم تشکیل میدهند. من در طول سالهای متمادی، در همین مناسبت و در مناسبت‌های دیگر، در این باره خیلی صحبت کردم؛ ولی باز هم تأکید میکنم. شعری که شما با صدای خوش و با آهنگ زیبا میخوانید، تأثیر آن در بسیاری از موارد از یک گفتار علمی منطقی فلسفی یا غیر فلسفی بیشتر است؛ اگر آنچه که خوانده میشود، بدرستی انتخاب شده باشد و جهات صوری و معنوی در آن لحاظ شده باشد. جهات صوری، زیبایی شعر است؛ شعر را بایستی درست و خوب انتخاب کرد. شعر یکی از نمادهای برجسته‌ی هنر است. هر بافته‌ی نظمی، شعر نیست؛ شعر خصوصیات خودش را دارد؛ باید شعر انتخاب کرد. خوشبختانه شعرای خوبی هم داریم؛ شعرائی که درباره‌ی اهل بیت (علیهم‌السلام) با زبانهای مختلف میسرایند و زیبا و شیوا و خوب میسرایند؛ و وقتی شما مشتریاش باشید، این تقاضا، عرضه را هم به دنبال خودش میآورد. پس شعر خوب، آهنگ خوب و صوت خوب مهم است. البته آهنگ خوب به معنای تقلید از آهنگ موسیقیهای لهوی مضلّ عن سبیل الله نیست؛ این را توجه داشته باشید. بعضی از آهنگها، آهنگهای بدی است، آهنگهای غلطی است، آهنگهای لهوی است؛ این را نباید به وادی حرفه‌ی مداحی و خواندن مداحی کشاند. عیبی ندارد که شکل‌های جدیدی را در خواندن و قرائت اشعار و آهنگ‌سازیهایی گوناگون ابتکار کنید؛ اما از این تشابه و تداخل بپرهیزید. البته آهنگهای لهوی مضلّ عن سبیل

الله را میگویم، نه حالا هر آهنگی که یک وقتی در یک مضمون دیگری خوانده شده، آن را بخواهیم منع کنیم؛ نه، آهنگهایی که لهوی است و مزلّ عن سبیل الله است؛ اینها را نیاورید.

اهمیت مضمون اشعار

مسئله‌ی بعد، مضمون است. بهترین مجموعه‌ی شعری که میشود در یک منبرِ مداحی انسان فکر کند، چیزی است که در آن، اولاً منقبت اهل بیت (علیهم‌السلام) باشد. ذکر مناقب آنها دلها را روشن میکند، شاد میکند، شوق را در انسان برمیانگیزد، اشک را از چشمها جاری میکند. البته منظور، مناقب متقن است. اینجور نباشد که انسان به حرفهای سست تکیه کند. این همه مناقب اهل بیت (علیهم‌السلام) در کتابهای معتبر وجود دارد؛ از آنها استفاده بشود؛ از گفته‌های افرادی که خودشان سندند، ثقه و معتبرند؛ مثل همین شعری که امروز یکی از آقایان از مرحوم آشیخ محمدحسین اصفهانی - مفتقر - خواندند. خوب، این بزرگوار استاد مجتهدین است. مجتهدین بزرگ و مراجع تقلید بزرگ، در فقه و اصول و فلسفه شاگردهای او هستند. ایشان شاعر هم بوده. خوب، این شعر میشود سند. یا روایات گوناگونی که در کتب مناقب وجود دارد، شرح حال ائمه (علیهم‌السلام)، مناقب معتبر. پس یک بخش، بخش مناقب اهل بیت (علیهم‌السلام) است.

محتاج نصیحتیم

بخش دیگر، نصایح است، که این نصایح هم میتواند از زندگی خود این بزرگواران گرفته شود. امروز ما محتاج نصیحتیم. برای رشد اخلاق در جامعه، برای گسترش خلیقات خوب، برای اعتلای روحیه‌ی همدلی و برادری و صفا و اخوتی که در جامعه‌ی دینی مطلوب است، احتیاج داریم به نصیحت. اینها را از کی یاد بگیریم؟ پایه‌های اخلاق در کلمات ائمه (علیهم‌السلام) است، در رفتار ائمه (علیهم‌السلام) است. ما اخلاق را در جامعه رشد بدهیم؛ مردم را به خیرخواهی، به امید، به تعاون، به اخوت، به صبر، به حلم، به شکر، به احسان، به ایثار، به گذشت دعوت کنیم؛ از اخلاق بد، از تنگ‌نظری، از ناامیدی، از بدبینی، از بدخواهی برای این و آن، از حسد، از بخل و بقیه‌ی سیئات اخلاقی، مردم را پرهیز بدهیم. این کار با زبان شعر خیلی بهتر است و بهتر ادا میشود تا زبان نثر و زبان نصیحت‌آمیز.

گوینده‌ای مثل ما بنشینند به مردم نصیحت کند، خیلی معلوم نیست تأثیر عمیقی ببخشد؛ اما وقتی خواننده‌ای همین مضمون را در یک شعر زیبا و خوب و با لحن خوب بیان میکند، مثل آب گوارائی است که انسان مینوشد؛ تمام سلولهای بدن انسان از این آب بهره‌مند میشود، تا اعماق وجود انسان اثر میگذارد. البته اخلاقیات باید تکرار شود. گفتن اثر دارد، شنیدن اثر دارد؛

اما این اثر، دائمی و ابدی نیست؛ مؤثرات دیگری هم در جامعه هست که در جهت عکس آن کار میکند. لذا بایستی اخلاقیات هی گفته بشود، باز گفته بشود، باز تکرار بشود.

آگاهی و بصیرت بخشی نسبت به مسائل زندگی

یک بخش هم آگاهیها و بصیرت بخشیهایی نسبت به مسائل زندگی است. البته من با این که در منبرهای مداحی، هی تعرض به این، بدگویی به آن بشود، موافق نیستم و اینها را دوست نمیدارم؛ اما بصیرت بخشی خوب است، آگاهی پیدا کنند. امروز ملت ما بر اثر بصیرت است که توانسته است بایستد. ملت ما میدانند علیه او چه توطئه‌هایی هست، چه کسانی توطئه میکنند، هدف از این توطئه‌ها چیست، از چه چیز ملت ایران ناراحتند؛ اینها را مردم ما میدانند. ملت ایران میدانند که روحیه‌ی ایمان، اسلام، آزادیخواهی، استقلال طلبی، ایستادگی در راه درست، دشمن را عصبانی کرده. مردم ما دشمن را هم میشناسند. شیوه‌های او را هم بتدریج همه‌مان یاد گرفتیم، فهمیدیم شیوه‌های دشمن چیست. این بصیرت خیلی چیز بالارزشی است. اگر این بصیرت نبود، ملت ما نمی‌ایستادند. تبلیغاتی هم که دشمنان میکنند؛ چه آنهایی که خودشان مستقیماً تبلیغ میکنند، چه آنهایی که به زبان بلندگوها و بوقهای اجاره‌ایشان میدهند و از زبان آنها پخش میکنند، همه‌اش در جهت این است که این بصیرت را از مردم بگیرند؛ امر را بر مردم مشتبه کنند؛ آنها را از ایمانشان، از اسلامشان، از استقامتشان، از ایستادگیشان در این راه، از معرفت درستشان نسبت به حوادث زندگی دور کنند. خوب، یک برنامه‌ی مجلسی مداحی میتواند یک بخشی را به این اختصاص دهد. شعرش را پیدا کنید، جملاتش را انتخاب کنید. در یک لحظه‌ی مناسب، گاهی اوقات یک کلمه به قدر یک کتاب در دلها اثر میگذارد. در دلها اثر بگذارد. من میبینم که خوشبختانه امروز جامعه‌ی مداحان انصافاً در این جهت خیلی پیش رفته‌اند؛ حالا آن برنامه‌هایی که ما توفیق پیدا میکنیم بشنویم، یا اینجا برگزار میشود، یا بعضاً از تلویزیون میبینیم.

نیازهای مداح موفق

مطلب آخر اینکه: صاحب حرفه‌ی مداحی که خود را مفتخر کرده است به اینکه در این راه خدمت و کار کند، اگر بخواهد همه‌ی این خصوصیات را جمع کند، اولاً احتیاج دارد به مطالعه و کار. به قول معروف، بیمایه فطیر است. احتیاج به مطالعه هست، احتیاج به کار هست. البته مداحهای قدیمی ما مقید بودند حتماً از حفظ بخوانند؛ بد میدانستند که از رو بخوانند. امروز خوشبختانه اینجور نیست. هیچ لازم نیست که حالا مثلاً ساعتها صرف وقت کنند، قصیده‌ای را، شعری را حتماً حفظ کنند؛ نه، از رو هم بخوانند. منبریها هم همین جورند. ما در دوران جوانی

و نوجوانی هرگز ندیده بودیم که منبری از جیبش کاغذ در بیاورد، حدیث را از رو بخواند؛ این را بد میدانستند. مرحوم آقای فلسفی (رضوان الله علیه) این سنت غلط را شکست؛ از جیبش کاغذ در آورد، روایت را از رو خواند. خب، ایشان واعظ درجه‌ی یک کشور بود. حالا هم وعاظ یاد گرفته‌اند. برای اینکه درست بخوانند، برای اینکه بجا بخوانند، برای اینکه آنچه میخوانند بخوانند، بخوانند، کاغذ را از جیبشان در می‌آورند، حدیث را میخوانند؛ مطلب را که نوشته‌اند، میخوانند؛ شعر را میخوانند؛ این خیلی کار را آسان کرده. مداحی هم همین جور. بنابراین مطالعه کردن، یادداشت کردن، یادداشت داشتن، با حساب و کتاب و مطالعه حرف زدن، شرط اول است. شرط دوم این است که در مطالعات خود، با قرآن و حدیث آشنا شوید. انس با قرآن برای همه لازم است؛ این را ما به همه توصیه می‌کنیم، به همه‌ی جوانهای کشور توصیه می‌کنیم. امروز خوشبختانه همین جور هم شده؛ انسان در میان دانشجویها، در میان طلاب، در بین جوانهای غیر دانشگاه و حوزه، عناصری را میبیند که با قرآن انس دارند؛ بعضیشان قرآن را حفظ هم دارند؛ بعضی هم که حفظ ندارند، قرآن را فی‌الجمله درک می‌کنند؛ یعنی ولو حالا تمام جزئیات را هم ندانند، مضمون را میفهمند؛ این خیلی چیز مغتنمی است.

امروز را که انسان با بیست سال قبل، بیست و پنج سال قبل مقایسه میکند، میبیند زمین تا آسمان تفاوت کرده. حساب دست خلیها نیست. بنده چون به این مسئله اهتمام داشتم، حساب دستم هست؛ میدانم در امر آشنائی و انس با قرآن چه اتفاقی افتاده و دارد میافتد. قبلها قاری ما که قرآن میخواند، خیلی اوقات معنای آیات را نمیفهمید؛ جایی که باید وصل کند، قطع میکرد؛ جایی که باید قطع کند، وصل میکرد. امروز اصلاً اینجور نیست؛ همه آشنایند. بنابراین آشنائی با قرآن و حدیث توصیه‌ی ما به همه است؛ اما مبلغان دین و جامعه‌ی مداحان طبعاً مخاطب ویژه‌ی این حرف هستند؛ با قرآن باید انس پیدا کنند. قرآن را حتماً بخوانید، با توجه به ترجمه بخوانید، این ترجمه را به یاد بسپارید. در آیاتی که نصیحت هست، متضمن یک معرفتی است که انسان میفهمد، آنها را ثبت کنید، ضبط کنید، یادداشت کنید، از آن بهره‌مند شوید؛ هم بگوئید، هم عمل کنید. حدیث هم همین جور.

خوشبختانه کتب معتبر حدیثی ما امروز همه ترجمه شده است. «کافی» ترجمه شده است، «من لا یحضره الفقیه» ترجمه شده است، «نهج‌البلاغه» ترجمه شده است، کلمات حضرت زهرا (سلام الله علیها) ترجمه شده است. یعنی اینجور نیست که این متون، مخصوص عربیدان‌ها باشد؛ نه، عربیدان و غیر عربیدان همه میتوانند از این کلمات استفاده کنند؛ اینها فرصت است. از این فرصتها باید استفاده کرد. بنابراین توصیه‌ی ما این است: تلاوت قرآن، انس با قرآن، انس با حدیث، آشنائی با معارف اهل بیت از طریق حدیث، و بالاتر از همه، توجه به خدای متعال، حفظ و تقویت رشته‌ی ارتباط قلبی با ذات اقدس احدیت، با دعا، با توسل، با ذکر، با



خشوع، با نماز نافله.

اگر این رشته محفوظ بماند و تقویت شود، همه‌ی کارهای دشوار بتدریج حل میشود؛ اصل کار این است. این رشته‌ی ارتباط با مقام احدیت هم - که خشوع و ذکر و توسل باشد - مرتبط و متصل با اهل بیت (علیهم السلام) است؛ تفکیک‌پذیر نیستند - «من اراد الله بدأ بکم»^۱ - اما خب، دعاهای صحیفه‌ی سجادیه، مناجات خمس عشر و دعاها و مناجاتهای گوناگونی که هست، دل را صفا میدهند، ذهن را صفا میدهند، ذهن را هم فعال میکنند. خیلی از معارف را انسان از این طریق به دست می‌آورد.



بایسته‌ها و الزامات اشعار آیینی

جایگاه شعر آیینی

ذهن مردم و تلقی مخاطب با خواندن شما بالا می‌آید

شعر آیینی اعم از مدح، مرثیه و مناجات است

بیان مناقب اهل بیت از زیارت جامعه کبیره

روی این چند چیز خیلی تکیه کنید

موضوعاتی که در شعرهای آئینی کم پرداخته

میشود

بایسته‌ها و الزامات اشعار آیینی

اولاً از اشعاری که دوستان خواندید، لذت بردیم؛ بخصوص بعضی از سروده‌ها، همه‌ی معیارها و میزانهای خوشحال‌کننده‌ی در جهت پیشرفت شعر را با خودش همراه داشت. ثانیاً آنچه که انسان در این جلسه و گاهی بعضی جلسات دیگر مشاهده میکند، وجود استعداد‌های بسیار قوی و غنی و امیدوارکننده است. بنده پیش‌بینی میکنم که ان‌شاءالله در آینده‌ی نه چندان دوری، ما یک اوج شعری مجددی داشته باشیم از همین استعداد‌های جوان. البته باید پیش بروند، باید تکمیل کنند، باید شعرها پخته‌تر و عمیق‌تر بشود و قطعاً خواهد شد. ان‌شاءالله در دوران ما یک بنای رفیعی به وجود خواهد آمد که یادآور دورانهای اوج شعر در کشور ماست؛ چون شعر در دورانهای تاریخی، پست و بلند داشته؛ در بعضی از دورانها، شعر اوج داشته. ما ان‌شاءالله در آینده‌ی نه چندان دوری این را خواهیم داشت.

📍 جایگاه شعر آیینی

اما آنچه که مناسب این جلسه است که من به عنوان توصیه به برادران عرض کنم، چند تا نکته است. یک نکته این است که این شعری که شما اسمش را شعر آئینی گذاشتید و نامگذاری نامناسبی هم نیست - حالا شما شعر مذهبی را به نام شعر آئینی معرفی میکنید، عیبی ندارد - جزو بهترین عرصه‌های به کار بردن قریحه‌ی خداداد شعر و این موهبت بزرگ است. این قریحه، یک نعمت بزرگی است که خدا به کسی عطا میکند؛ این نعمت را نباید کفران کرد. شکرانه‌ی این نعمت این است که انسان با این قریحه یک چیزی بی‌آورد وسط

و به انسانها و افکار عرضه کند که برای آنها مفید باشد. نه اینکه من بخواهم خشک و جامد بگویم؛ با قطع نظر از سود و استفاده‌ی مستمع، شاعر به فکر دل خودش نباشد و حرف دل و احساسات خودش را نگوید؛ نه، اشکالی ندارد؛ یعنی بنا بر این نیست که ما سخن گفتن شاعر از دل و برای دل خود را نفی کنیم؛ لیکن می‌خواهیم این را بگوئیم که در مقام تقویم و ارزیابی، اگر بناست شعر محتوایی داشته باشد، بهترین محتواها همین محتواهای شعر دینی و شعر مذهبی است با عرض وسیع و گسترده‌ای که دارد.

در بخشهایی از غزلهای حافظ هم شعر مذهبی وجود دارد. البته من عقیده ندارم که همه‌ی غزلهای حافظ اینجوری است، اما بخش مهمی از غزلهای حافظ در واقع شعر مذهبی به این معنایی است که مورد نظر ماست؛ یعنی بیان معرفت و بیان حقایق الهی است در یک قالب خاصی؛ کما اینکه مثنوی مولوی هم یک گنجینه‌ای از همین افکار الهی و معارف الهی است. بنابراین اینها محتواها و مضمونهاست، که بهترین مصرف شعر اینهاست. البته انسان وقتی به تاریخ شعر نگاه میکند، میبیند این تقید و احتیاط به وسیله‌ی شاعران ما در طول تاریخ به کار نرفته؛ یعنی این گوهر یکدانه را - به قول ناصر خسرو، «دُر دری» را - ریختند به پای خوکها، مدح گفتند و چیزهای بیخود و بیمعنی به کار بردند؛ بعضیها هم آن را در یک معانی مبتذل احساسی و شهوانی به کار بردند. اینها در واقع اسراف است؛ مصرف قریحه‌ی شعری در غیر جای خود و مورد خود است.

البته در بین شعرای ما، شعرائی که از این قریحه حداکثر استفاده را کردند و بهترین شعرها را گفتند، کم هم نیستند؛ ما در دوره‌های مختلف، از اینها داریم؛ هم در زمان خودمان داشتیم، هم در زمانهای گذشته داشتیم؛ هم در سبکهای مختلف، از دوران قدیم، شاعری مثل سنائی را داریم، شاعری مثل ناصر خسرو را داریم. اینها این قریحه را به کار بردند؛ آن کاری که باید بکنند، انصافاً کردند. همچنین سعدی را داریم. در دوره‌های بعد هم همین جور؛ شاعری مثل صائب را داریم. البته صائب شعر بیتقید به معانی و معارف کم ندارد، لیکن شعر معرفتی هم انصافاً خیلی دارد. اینها شعر اخلاق، شعر معرفت، آن هم در حد عالی و در بهترین حدی که واقعاً میشود انسان شعر غزلی تعریف و بیان کند، گفته‌اند. بیدل هم همین جور. همه‌ی دیوان بیدل تقریباً شعر معرفتی است. من یک وقتی چند سال قبل از این به دوستان مداح سفارش میکردم که به دیوان صائب نگاه کنند و شعرهای اخلاقی را، شعرهای معرفتی را، شعرهای عرفانی را در آن پیدا کنند؛ که کم هم نیست. اینها مضامین بسیار پخته‌ای است که دلها را روشن میکند.

در هیچ پرده نیست نباشد نوای تو

عالم پر است از تو و خالی است جای تو

هر چند کائنات گدای درِ تواند

هیچ آفریده نیست که داند سرای تو

🔖 ذهن مردم و تلقی مخاطب با خواندن شما بالا می‌آید

ببینید، وقتی یک مداحی با صدای خوش و با آهنگ زیبا اینها را در یک مجلسی بخواند، چه انقلابی در دل برای مستمع به وجود می‌آید. از این شعرها باید استفاده کرد. دیگران هم همین جور.

من همین جا این نکته را هم اضافه کنم - که البته یادداشت هم کرده‌ام، لیکن حالا همین جا بگویم - بعضی از آقایان مداحها به ما میگویند که آقا این شعرهای قلمبه سلمبه را که بخوانیم، مردم نمیفهمند. خب، بله، بعضی از شعرها واقعاً همین جور است؛ از سطح تفکر عمومی مردم بالاتر است؛ یعنی یک آدم ادیب و شاعر و باذوق هم باید دقت کند تا معنا را بفهمد؛ اینها را ما توصیه نمیکنیم؛ لیکن توجه داشته باشید، ذهن مردم و تلقی مخاطب با خواندن شما بالا می‌آید. این را من به مداحها میگویم؛ یعنی شما میتوانید ذهن مردم را بالا بیاورید. شعرهای خوب، الفاظ زیبا، مضامین عالی و معارف قوی خواننده بشود؛ خب، مردم مجبور میشوند گوش کنند. وقتی شما خوب میخوانید، گوش میکنند و طبعاً ذهنشان بالا می‌آید. حتماً ما باید این را جزو وظائف خودمان بدانیم که سطح دید و سطح ذوق و تأمل مردم را بالا بیاوریم.

🔖 شعر آیینی اعم از مدح، مرثیه و مناجات است

نکته‌ی بعد این است که مناجات هم جزو شعر آیینی است. شعر آیینی فقط مسئله‌ی مدح و مرثیه نیست؛ مناجات هم جزو شعر آیینی است. برای اینکه مضمون مناجات را درست پیدا کنیم، بهترین مرجع، دعاهاست. دوستان با صحیفه‌ی سجاده‌ی انس پیدا کنید. این قریحه‌ای که من در شماها میبینم، خیلی خوب میتوانید مضامین صحیفه‌ی سجاده‌ی را در قالب اشعار بسیار زیبا بیاورید. مرحوم بهجتی اردکانی - دوست قدیمی ما - سی چهل سال پیش بخشی از دعای ابوحمز را به شعر آورده بود، که برای من خواند. قسمتهای سخت دعا هم بود - که خود عبارت هم سخت است، مضمون هم سخت است - در عین حال ایشان توانسته بود این دعا را به شعر بیاورد. من الان در میان این جوانها میبینم قریحه‌ها و ذوقهائی که از ذوق مرحوم بهجتی بالاتر است. من الان در همین جلسه، قدرتهای شعرای دارم میبینم که از قدیمیها و گذشتگان ما قویتر و تیزتر و تواناتر هستند. شما میتوانید مضامین دعای سیدالشهداء (سلام الله علیه) را به شعر بیاورید. دعای عرفه‌ی امام حسین عاشقانه است. حضرت سجاد هم برای روز عرفه دعا دارند - در صحیفه‌ی سجاده‌ی، دعای چهل و هفتم، دعای روز عرفه است - آن هم بسیار دعای پرمغز و پرمضمونی است؛ اما دعای امام حسین عاشقانه است، یک چیز دیگر

است. اگر چنانچه آشنا بشوید، انس پیدا کنید، دقت کنید، از یک فقره‌ی این دعا می‌توانید یک قصیده، یک مجموعه، یک قطعه، یک غزل خیلی قشنگ از آب در بیاورید. بنابراین برای مناجات و توحید، از صحیفه و از دعاها استفاده کنید.

🌸 بیان مناقب اهل بیت از زیارت جامعه کبیره

برای مناقب ائمه، از زیارتها، بخصوص زیارت جامعه‌ی کبیره استفاده کنید. بنابراین شما دیگر هیچ احتیاجی ندارید که مبالغاتی را در ذهن خودتان خلق کنید. آنچه که باید در باب ائمه (علیهم‌السلام) گفته شود، در زیارت جامعه هست. شما می‌توانید یک فقره از فقرات زیارت جامعه را - حالا شاید صدها فقره است - انتخاب کنید و با توجه به قریحه‌ی شعری و تخیل و فرآوری ذهنی خودتان، یک غزل زیبا و ناب از آب در بیاورید. ظرفیت این معارف اینقدر بالاست. معارف بلند اسلامی و قرآنی را از خود قرآن و از نهج‌البلاغه و از بعضی از روایات اهل بیت - روایات اصول کافی در بخشهایی - اخذ کنید. باین منابع، انس پیدا کنید. شعر آئینی خیلی دامنه‌ی وسیعی دارد و شما می‌توانید بر روی ذهنیت جامعه اثر بگذارید. روایتی است در تحف‌العقول، که وصیت امام صادق (علیه‌السلام) است به عبدالله بن جندب. همین طور قسمت قسمت است: یا ابن جندب، یا ابن جندب. این روایت، پر از حکمت است. واقعاً همه‌ی چیزهایی که ما برای خلیقات شخصیمان، معاشرتهای اجتماعیمان، فعالیت‌های عمومیمان و برای بنای تمدن اسلامی نیاز داریم، در این روایت و نطائرش پیدا میشود. اینی که عرض کردم، یک نمونه و مثال است؛ از این قبیل نمونه‌ها زیاد است و می‌توانید مراجعه کنید. بنابراین شعر آئینی را متکی و مستند کنید به این معارف حقه‌ی الهیه، با این منابعی که عرض شد.

🌸 روی این چند چیز خیلی تکیه کنید

یک مسئله‌ی دیگر: انسان وقتی این قریحه‌ها را میبیند، این ذوقهای جوشان را میبیند، واقعاً به شوق می‌آید. روی این چند چیز خیلی تکیه کنید: یکی مضمون‌یابی است. شما وقتی میخواهید یک مطلب را بیان کنید، این را با مضامین گوناگونی میشود بیان کرد. مضمون‌سازی برای بیان یک حقیقت، یک هنر بزرگ شعری است؛ که البته مرکز و منبع اصلیش هم شعرهای سبک هندی است؛ همین شعر صائب و شعر بیدل و شعر عرفی و شعر کلیم. به اینها که مراجعه کنید، میبینید دستگاه مضمون‌سازی و مضمون‌یابی در آنجا فوق‌العاده وسیع است. خوشبختانه در تعبیرات دوستان هم مضمونهای نو و زیبا کم نیست؛ من این را میبینم. یک مطلب را به چند لباس میشود پوشاند؛ اسم هر لباسی را ما میگذاریم یک مضمون. معنای مضمون‌دار این است. پس یکی مسئله‌ی مضمون‌یابی است.

دیگری، ترکیب‌سازیهایی نو است. خب، الان در دوره‌ی انقلاب، زبان رائج متداول حرف زدن وارد شعر شده - چیزی که در قبل از انقلاب معمول نبود - البته به شکل‌های مختلف؛ بعضی قوی هستند و از این زبان به شکل خیلی زیبایی استفاده میکنند، بعضی هم یک خرده سطحش پایین‌تر است. هیچ اشکالی ندارد که ما از همین زبان محاوره‌ی معمولی و رائج خودمان برای بیان آن معانی و معارف استفاده کنیم؛ منتها با ترکیب‌های نو، شکل‌های نو، واژه‌گزینی‌های نو. مسئله‌ی دیگر، مسئله‌ی درست‌گوئی است. دوستان باید به این نکته توجه کنند که شعر بایستی از لحاظ موازین زبان، درست باشد؛ فعلها درست به کار برود، در جای خود به کار برود؛ ارتباط بخشهای جمله، ارتباط منطقی و قانونی باشد.

نکته‌ی دیگری که به نظر من برای مجموعه‌ی دوستانی که شعر مذهبی می‌گویند، مهم است، مسئله‌ی تأثیر محیط است. البته منظور من محیط عمومی جامعه نیست. بدیهی است که محیط جامعه روی انسان اثر دارد. وضع اقتصادی، وضع سیاسی، وضع اجتماعی، روی هر انسانی یک اثری میگذارد، روی شاعر هم اثر میگذارد، طبعاً روی شعرش هم اثر میگذارد؛ این را نمیخواهم بگویم. محیط‌های خاص، حلقه‌های فرهنگی خاص روی ذهنها اثر میگذارد. من میخواهم بگویم شما جوان مؤمن مقید و محب اهل بیت که با یک عشق و شوری راجع به اهل بیت صحبت میکنید، شعر می‌گوئید، راجع به معارف الهی، راجع به توحید، اینجور عاشقانه و زیبا سخنوری و سخن‌سرایی میکنید، توجه داشته باشید که محیطها شما را به سمت و سوهای دیگر نکشاند. یعنی خودتان مراقب خودتان باشید. در این راه به خودتان ثبات قدم بدهید و روزه‌روز آن را تقویت کنید؛ چون محیط‌های شعری و هنری و ادبی روی انسان اثر میگذارد.

من همیشه یک مثالی در ذهنم هست. شاعر مورد نظرم که حالا اسم خواهم آورد، شاعر بزرگی است؛ محمد جان قدسی مشهدی. ایشان جزو شعرای برجسته‌ی سبک هندی است در دوره‌ی صفویه - قرن یازدهم - اشعارش جزو قویترین شعرهاست. من اعتقاد این است که بعد از صائب در آن سبک، واقعاً مثل محمد جان شاید یکی دو تا بیشتر نباشند. او در مشهد که بوده، یکی از خادمان آستان قدس و مداح حضرت رضا بوده و شعرهایش شعرهای دینی است و دیوانش هم پر از این اشعار است. دیوان حاج محمد جان را نگاه کنید؛ از این قصائد زیاد دارد. او بعد به هند سفر میکند. همنشین با امرای هند و سلاطین هند و آن دستگاه‌های بیندوباری که آن روز بودند، این آقا را کأنه از این رو به آن رو میکند. انسان میتواند این را در غزلهای او ببیند. من خیلی اوقات به این فکر هستم. این شعر مال محمد جان قدسی است:

پارسا در مجلس رندان نشستن خوب نیست

هر که امشب می‌نمینوشد به ما منسوب نیست

در چنین فصلی که بلبل مست و گلشن پر گل است

گر همه پیمانه‌ی عمر است خالی خوب نیست

یعنی یک مستِ رندِ الواتِ عرق خور تحویل محیط مجموعه‌ی شعری داده شده؛ از کی؟ از آن انسانِ پارسای پاکِ متعبدی که در مشهد مدح امام رضا را میگفت! خب، آن محیط اینجور پرورش میدهد. بنابراین مراقب محیطها باشید؛ و این هم با ارتباطهای پیوسته‌ی شما با همدیگر حاصل خواهد شد. به نظر من جلسات شعرای مداح اهل بیت - چه جوانها، چه پیشکسوتها و قدیمیها - با یکدیگر، باید جلسات مستمری باشد. البته معنایش این نیست که لزوماً یک جلسه باشد؛ نه، باید جلساتی وجود داشته باشد برای همین که در این محیط، استعدادهای جوشان جوان رشد پیدا کند.

موضوعاتی که در شعرهای آئینی کم پرداخته میشود

نکته‌ی آخر هم این است که به برخی از موضوعات در شعرهای آئینی کم پرداخته میشود؛ از جمله موضوعات مربوط به مسائل انقلاب، مسائل جنگ و دفاع مقدس. البته در یک دوره‌ای خیلی خوب بود. همین آقای مؤید در زمان جنگ وقتی جنازه‌های شهدا را به مشهد می‌آوردند، شاید هر روزی یا هر چند روزی یک غزل میگفت و مداحها اینها را میخواندند. دیگران هم میگفتند. الان جای این اشعار خالی است. هشت سال دفاع مقدس از لحاظ زمانی هشت سال بود، اما از لحاظ استمرار معنوی و فکری و فرهنگی ممکن است قرن‌ها ادامه داشته باشد. حماسه‌ای که در دفاع مقدس به وجود آمد، انگیزه‌ای که پشت سر این حماسه وجود داشت، ریز حوادثی که در این مدت اتفاق افتاد، اینها چیزهایی نیست که در ظرف ده سال و پانزده سال و بیست سال تمام شود. یکی از امانتدارها شما هستید؛ باید این امانت را حفظ کنید، باید منتقل کنید. البته حوادث روز به روز و نو به نو در انقلاب هست که باید به همه‌ی اینها رسید، لیکن آن را هم نایستی فراموش کرد. یکی از همین چیزهایی که مربوط به جنگ است و از چیزهایی است که ذهن من را مشغول میکند، این جانبازهایی هستند که بعد از مدتی به شهادت میرسند؛ این خودش یک موضوع ویژه است؛ این غیر از شهیدی است که در جبهه شهید شده و درباره‌اش هم شعر گفته شده؛ این انسانی است که یک تجربه‌ای را گذرانده و رنجی را تحمل کرده، آخرش هم شهید شده. بگردید موضوعات اینجوری را پیدا کنید. همچنین در موضوعات مربوط به مرثیه، مرثیه‌ی سیدالشهداء و قضایای کربلا. خب، انسان میبند زبان‌حالهائی که گفته میشود، زبان‌حالهائی زیادی است؛ البته ممکن است بعضیاش هم مطابق با واقع نباشد، یعنی چیزهایی نباشد که انسان بتواند آنها را تأیید کند؛ لیکن زمینه‌هایی وجود دارد. من مثلاً درباره‌ی مصیبت حضرت ابوالفضل (علیه الصلاة والسلام) به نظرم میرسید که یکی از بخشهای مهم و جذابی که میتواند این مصیبت را بیان کند، همان زبان حال مادر حضرت ابوالفضل است؛



همان «لا تدعوتی ویک ام البنین»، یا آن شعر دیگری که به ایشان منسوب است. خب، این دو تا شعر است. البته اینها ترجمه‌ی شعری هم شده، ترجمه‌ی خیلی جالبی نیست، خیلی قوی نیست؛ اما خود این یک عرصه است: مادری است؛ صورت قبر چهار جوانش را که در کربلا شهید شدند، در بقیع میکشد و نوحه‌سرائی میکند و حماسه می‌آفریند. همه‌اش اشک ریختن و تو سر زدن هم نیست - البته اشک ریختن هست، اشکالی هم ندارد - بلکه حماسه‌آفرینی است، افتخار به این جوانهاست. این یک عرصه‌ی خیلی خوبی است، که از اینگونه عرصه‌ها برای مصیبت خیلی باید استفاده کرد. یا توصیف بعضی از حالات روحی قهرمانان کربلا، از جمله شبیه آنچه که عمان سامانی گفته، که لحظات رفتن حضرت سیدالشهداء به عرصه‌ی میدان را تصویر میکند - حالا چقدر واقعیت دارد، من نمیدانم؛ البته روضه‌خوانها میخوانند - که حضرت زینب آمدند جلو، راه را گرفتند و گفتگوئی بین این دو بزرگوار انجام گرفت. عمان از این گفتگو استفاده کرده برای تشریح شخصیت حضرت زینب.

کای عنان گیر من آیا زینبی

یا که آه دردمندان در شبی

که بعد دنبالش این است: «زن مگو مردآفرین روزگار». ببینید، از این مناسبت - مناسبت گفتگوی این برادر و خواهر - استفاده میکند برای اینکه شخصیت حضرت زینب (سلام الله علیها) را تشریح کند. اینها میدانهای مهمی است. یعنی شرح حالها و زبان حالها فقط بیان آن حالی که در آن لحظه قهرمان داستان دارد، نباشد؛ بلکه میتواند شرح خصوصیات او، شخصیت او، ظرافتهای روح او و عظمتهایی که در وجود او هست، باشد؛ اینها همه میدانهاست.



خدایی کردن نیت‌ها نیازمند فکر و آموزش است

- نعمت مداحی اهل بیت
- خدایی کردن نیتها
- استفاده از هنر برای بیان حقیقت
- بایسته‌های انتخاب اشعار

خدایی کردن نیتها نیازمند فکر و آموزش است

معرفت اهل بیت و ارادت به اهل بیت، نعمت بزرگی است. اگر همه‌ی عمرمان را برای شکر این نعمت بزرگ صرف کنیم که خدای متعال چشم ما را نابینا و ناتوان از درک حقیقت قرار نداد، توانستیم این انوار طالع و مزیئه را به قدر استعداد خودمان ببینیم، درک کنیم، به آنها عشق و ارادت بورزیم و از آنها غافل نباشیم، واقعاً کم است. رحمت خدا بر آن پدران، مادران، گذشتگان، پیشروان و پیشوایانی که این دریچه‌ی درخشان را به سوی این آفتابهای معنویت بر روی ما باز کردند؛ زمزمه‌ی محبت اهل بیت را از آغاز زندگی ما، از کودکی ما، از دوران گاهواره‌نشینی ما به گوش ما خواندند و دل‌های ما را از محبت این بزرگواران سیراب کردند. خدایا! این محبت را، این معرفت را روزبه‌روز در دل ما، در جان ما، عمیق‌تر و راسخ‌تر بفرما؛ این نعمت را لحظه‌ای از ما مگیر.

نعمت مداحی اهل بیت

این هم نعمت دیگری است که انسان بشود مداح و ستایشگر اینها. گاهی انسان حقیقتی را میبیند، میشناسد؛ اما گاهی این معرفت را، این محبت را در قالب شعر، در قالب نثر بیان میکند و میپراکند. این هم نعمت دیگری است که خدا به مداحان و ستایشگران و گویندگان این راه عنایت کرده؛ این را هم باید قدر بدانید. خود این مدح آشکار، مدح خود آن مداح است:

مداح خورشید مداح خود است

که دو چشمم روشن و نامرمد است^۱

*. بیانات در دیدار جمعی از مداحان سراسر کشور در سالروز ولادت حضرت فاطمه زهرا سلام‌الله علیها ۱۳۹۱/۰۲/۲۳

۱. مولوی، مثنوی معنوی، دفتر پنجم

وقتی انسان نوری را، زیبایی‌ای را مدح و ستایش میکند، در واقع خود را مدح میکند؛ زیرا ثابت میکند که زیبایی‌شناس است؛ ثابت میکند که چشمش میبیند، میفهمد، درک میکند. علاوه بر این، پراکندن این فضائل و معنویات در بین مردم، کمک به تربیت انسانهاست. انسانها با شناخت الگوها، با یاری گرفتن از پیروی الگوهاست که میتوانند به درجات عالی و مقامات برتر دست پیدا کنند. اگر در این راه حرکت کنید، کار بزرگی کردید.

❁ خدایی کردن نیتها

نیتها را خدائی کنید؛ اصل قضیه این است. اگر نیت ما در این گفتن، در این مدح و ثناگستری، نیت خدائی بود، به قصد روشن کردن دلها، جلا دادن ذهنها، انسان این را بیان کرد و گفت، آن وقت این میشود یکی از جنودالله؛ «و لله جنود السماوات و الارض».^۲ یکی از جنود الهی همین کسی است که با زبان خود، با بیان خود، با طبع خود، با ذوق خود، این حقایق را گسترش میدهد؛ میشود سرباز خدا. اگر نیت دیگری بود، نه. از جهاد چه کاری بالاتر است؟ فرمود: اگر چنانچه کسی قدم به میدان جهاد بگذارد برای یک هدف مادی، نه مجاهد است، و نه اگر کشته شود، شهید است؛ با اینکه به میدان جنگ رفته. اگر برای هدفهای مادی - چه برسد خدای نکرده برای هدفهای پست - وارد این میدانها شویم، برای ما نه فقط موجب تعالی و رشد نمیشود، بلکه موجب تنزل و سقوط هم میشود. این، مخصوص مداحی هم نیست؛ مسئله‌گوئی هم همین است، عالم شدن هم همین است، مجتهد شدن هم همین است، دانشمند شدن هم همین است. آن چیزی که روحی است در کالبد اعمال ما، نیت ماست؛ «انما الاعمال بالنیات»^۳؛ نیتهاست که به عمل ارزش میدهد.

خب، اگر بنا شد نیت خدائی باشد، پس باید شما نگاه کنید ببینید کدام بیان، ذکر کدام منقبت، بیان کدام فضیلت، مخاطب شما را هدایت میکند؛ این آن نکته‌ای است که من در طول این سالهای متمادی - شاید بیست و چند سال است که ما مثل امروزی، این نشست را با مداحان و بلبان غزلخوان این بوستان داریم - همیشه تکرار کردم. ببینید چه بخوانید، چه بگوئید، مستمع شما میشود متنور به نور فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها). یک چیزهایی هست که گفتن آنها هیچ گشایشی و هیچ فتوحی در ذهن شنونده‌ی شما به وجود نمی‌آورد، هیچ بهجتی در جان مستمع شما به وجود نمی‌آورد؛ اینها را نگوئید. آن چیزهایی را بگوئید که دلها را نرم میکند، خاشع میکند، به پیروی از فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) راغب میکند. آن چیزهایی را بگوئید که میتواند مستمع شما را به پیمودن راهی که آن بزرگوار رفت، تشجیع کند، تشویق کند. اینها فکر لازم دارد، آموزش لازم دارد؛ کار، آسان نیست.



۲. فتح: ۴

۳. تهذیب، ج ۱، ص ۸۳

استفاده از هنر برای بیان حقیقت

امروز خوشبختانه جامعه‌ی مداحان جمعیت زیادی را در سراسر کشور تشکیل می‌دهند. کار مداح، استفاده‌ی از هنر برای بیان حقیقت است. خود این ایستادن، با صدای خوش و با آهنگ زیبا شعری را خواندن - هم شعر هنر است، هم آهنگ هنر است، هم صدا هنر است - با چندین هنر، انسان یک حقیقتی را بیان کند، میتواند تأثیر مضاعفی در ذهن مستمع و حاضر در مجلس و مخاطب شما بگذارد؛ این خیلی نعمت بزرگی است، خیلی فرصت بزرگی است. جمعیت مداحها هم بحمدالله روزبه‌روز توسعه پیدا کرده، مردم هم قبول دارند، اشتیاق دارند، استقبال میکنند - این هم هست دیگر - پس همه چیز فراهم است. اگر وقت این جلسه به چیز دیگری گذشت، اگر این چند هنر - هنر شعر، هنر صدا، هنر آهنگ - در چیزی مصرف شد که هیچ فایده‌ای برای مستمع شما نداشت، این میشود خسران. لذا کار مداحی، کار سختی است. اینجور نیست که بگوئیم حالا که صدامان خوب است، چند تا شعر هم حفظ کنیم - حالا که الحمدلله آقایان مداحها از روی کاغذ میخوانند! قدیمها عیب بود که مداح از جیبش کاغذ در بیاورد، از روی کاغذ بخواند؛ قصائد طولانی پنجاه شصت بیتی را از بر میخواندند؛ البته حالا لازم نیست، از روی کاغذ خواندن ایرادی هم ندارد - یک شعری از یک گوینده‌ای بگیریم، با صدای خوش بخوانیم؛ قضیه این نیست. باید نگاه کنید، ببینید، بسنجید. این یک مطلب که مربوط به مداحان عزیز ماست.

بایسته‌های انتخاب اشعار

شما میدانید که ما به شما مداحها اخلاص داریم، شماها را دوست میداریم، کارتان را باارزش میدانیم؛ منتها این شرط بزرگ را من همیشه با مداحها داشته‌ام؛ شما هم اغلبتان جوانید، جای فرزندان ما هستید؛ نصیحت پدران است، ان‌شاءالله دنبال کنید: شعر خوب، شعر پرمغز و البته شعر زیبا. خود هنر شعر اثر هم میگذارد. وقتی شعر خوب بود، وقتی استخوان‌بندی شعر، الفاظ شعر، خوب بود - شعر خوب، با مضمون خوب - تأثیرش بیشتر هم هست؛ بعلاوه که سطح ذهن مردم و فکر مردم را هم بالا می‌آورد.

به جامعه نگاه کنید، ببینید جامعه به چه چیزی احتیاج دارد؟ اینها چیزهایی نیست که امروز برای امثال شما جوانها - که الحمدلله باسوادید، بافهمید، با بصیرتید - مخفی باشد. امروز مردم ما بحمدالله سطح فکرشان بالاست، ملت ما بلوغ فکری دارد؛ شما جامعه‌ی مداح هم همین جور. شما میدانید مردم به چه چیزی احتیاج دارند. امروز مردم به دین، به اخلاق، به ایمان راسخ، به بصیرت، به شناخت دنیا، به شناخت آخرت احتیاج دارند؛ همه‌مان احتیاج داریم. اینکه میگوئید فاطمه‌ی زهرا (سلام الله علیها) در محشر وارد میشود، فضای محشر تحت تأثیر

عظمت دختر پیغمبر قرار میگیرد، باید محشر را بشناسیم، قیامت را بشناسیم، هیبت جلال الهی را در محشر بدانیم؛ اینها معرفت میخواید، اینها آگاهی میخواید؛ قرآن هم پر است از بیاناتی که این معانی را به ما نشان میدهد، روایات هم همین جور. اینها را با زبان شعر، با همان هنری که در شما هست، بیان کنید.

میدانید همیشه شروع یک کار، خیلی سخت است. وقتی کار شروع شد، روی غلتک افتاد، آسانتر میشود. از یک جامعه‌ی جاهل متعصب دور از اخلاق گرفتار انواع و اقسام فساد، پیغمبر بتواند یکی مثل عمار را بیرون بیاورد، یکی مثل ابوذر درست کند، اینها مگر کار آسانی است؟ پیغمبر چه کار کرد؟ این دنده‌ی سنگینی که توانست این موتور را به راه بیندازد، چه بود؟ آیات مکی را نگاه کنید؛ در درجه‌ی اول، ذکر قیامت، ذکر عذاب الهی، ترساندن از نعمت الهی برای کافران و دوران و کوران است؛ اینها بود که آن تکان اول را به مردم داد. ما از این نکته نباید غفلت کنیم. شفاعت به جای خود محفوظ، محبت به جای خود محفوظ، ولایت به جای خود محفوظ؛ اما خدای متعال، هم رحمت دارد، هم سخط دارد. سخط الهی را هم به یاد خودمان بیاوریم؛ اول به یاد خودمان، بعد به یاد مردم. این است که دل‌های ما را تکان میدهد، این است که ما را از اعماق جهالتها و مادیگریها و گرفتاریها بیرون میکشد؛ اینها جزء نیازهای ماست. دنیا را بشناسیم، آخرت را بشناسیم، وظیفه را بشناسیم، جهاد را بشناسیم.

امروز ملت ما یک ملت تازه متولد شده‌ی در دنیای گرفتار است، با یک خلقت دیگر، با یک هیئت دیگر، با یک شاکله‌ی دیگر، با ابعاد وجودی نو. در دنیایی که همه‌ی عوامل برای دور کردن دل‌ها و مردم از معنویت بسیج شده بودند و تلاش میکردند و همچنان میکنند، یک ملتی متولد شده است با زیربنای ایمان؛ این چیز کمی است؟ این مثل الماس میدرخشد. هیچ لازم نیست ما پیرایه ببندیم؛ مثل خورشید نورافشانی میکند. ما یک چنین ملتی داریم. هم معنویت، هم آگاهیهای دنیوی، هم زیور دانش، هم تلاشهای سیاسی، هم کار درست تبلیغی، هم سازندگی خود، هم سازندگی جامعه، هم رسیدن به بنای اقتصادی، هم رسیدن به بنای اخلاقی؛ اینها همه جزو کارهای ماست. شما نگاه کنید ببینید در این بخشهای گوناگون و متنوع، چه کار میتوانید بکنید؛ چقدر میتوانید آگاهی بدهید. شاعر ما متوجه به این نقاط باشد، گوینده‌ی ما متوجه به این نقاط باشد، مداح ما همین جور؛ ببینید چه اتفاقی میافتد.

اگر سرمایه‌هائی را که در اختیار داریم، درست بشناسیم و به کار ببریم، بین‌بازترین خلق خدا، ملت ما و مسلمانها خواهند بود. همین نماز، یکی از سرمایه‌هاست. نماز را میخوانیم، با غفلت عبور میکنیم؛ مثل این است که یک انسان مبتلا به فقر غذائی، کمبود ویتامین، کمبود پروتئین، محتاج مواد لازم، به یک جعبه‌ای دسترسی پیدا کند که پر از همه‌ی این موادی است که او احتیاج دارد؛ بعد آن را بو کند، کنار بگذارد! خب، باز کن، بخور، استفاده کن، نیرو

را بفرست به بدن خودت؛ همین طور بو میکنی، میگذاری کنار!؟ حالا آنهایی که اصلاً اعتناء نمیکنند، هیچ. ما نماز را همین طور بو میکنیم، میگذاریم کنار! کلمه کلمه‌ی نماز درس است، کلمه کلمه‌ی نماز حال است؛ اگر قدرش را بدانیم. روزه همین جور است، زکات همین جور است، جهاد همین جور است، تعالیم دین همین جور است؛ مداحی شما هم همین جور است. مداحی شما هم جمله جمله‌اش، کلمه کلمه‌اش میتواند مغذی باشد؛ میتواند مستمع را رشد بدهد. خوب، این یک بحث مربوط به مداحی بود.



ضایع نشدن فرصت منحصر به فرد مداحی

- 🕌 زبان مداحی ترکیبی از شور و شعور است
- 🕌 شأن مداح و ستایشگر
- 🕌 لزوم خودداری از انجام اعمال اختلاف افکن
- 🕌 نیاز به جهاد مداوم
- 🕌 هنر شعر، آواز و اجرا، وسیله پراکندن معرفت در دلها
- 🕌 در مجالس شادی روضه نخوانیم

ضایع نشدن فرصت منحصر به فرد مداحی

این عید شریف را، میلاد مسعود را، روز شادی و فرح و طراوت دل‌های شیعیان را در طول تاریخ، به همه‌ی شما عزیزان، برادران، خواهران، بلبان باغ مدحت آل پیغمبر، و ثناگستران برترین و بهترین خلایق عالم و آدم تبریک عرض میکنم. امیدواریم خداوند متعال از همه‌ی شما عزیزانی که برنامه اجرا کردید - خوانندگان، سرایندگان، اجرا کنندگان و مجموعه‌ی شما عزیزان - این توسل را به بهترین وجهی قبول بفرماید. بنده‌ی حقیر، خدا را سپاسگزارم که توفیق مرحمت کرده است؛ شاید حدود سی سال یا بیشتر است که ما این توسل را در این روز داریم و بحمدالله رونق و شکوه و معنویت و رشد مفاهیم و معانی را انسان در پیشرفت سالها مشاهده میکنند. امسال برنامه‌ای که اجرا کردید، بسیار خوب بود؛ هم از لحاظ محتوا، هم از لحاظ قالب؛ شعرها خوب بود، اجراها و خواندن‌ها خیلی خوب بود. ان شاءالله که شما دوستان و عزیزان روزبه‌روز در جهت معرفت‌افزایی و نورپراکنی در فضای ذهنی جامعه، موفق‌تر باشید.

🏠 زبان مداحی ترکیبی از شور و شعور است

دو مطلب در این جلسه گفتنی است - اگرچه حرف گفتنی بیش از اینها است - یک مطلب در مورد مدیحه‌سرایی خاندان پیغمبر است؛ این مهمی که شماها بر عهده گرفته‌اید. امروز بحمدالله در سرتاسر کشور شبکه‌ی مداحان و ثناگستران خاندان پیغمبر توسعه پیدا کرده است؛ جمعیت زیادی، استعداد‌های زیادی، دل‌های مشتاقی در میان خود مداحان - که از جوانهای ما، پیشکسوت‌های ما، اساتید ما تشکیل شده است - بحمدالله میان مردم می‌روند و وسیله‌ی توسل مردم را فراهم میکنند و سفره‌ی برکت

اهل بیت را می‌گسترانند؛ این یک فرصتی است برای کشور ما؛ مثل خیلی از فرصتهای دیگری که ما داریم. برادران مسلمان ما در کشورهای دیگر، خیلی از فرصتهای ما را ندارند؛ یکی‌اش همین است. این سلسله و رشته و جریان و شبکه‌ی توسل به اهل بیت و محبت اهل بیت و برانگیختن عواطف، خیلی فرصت مهمی است. حالا به هر دلیلی، دیگران در مناطق دیگر، از این نعمت بزرگ، از این برکت عام، به این شکل برخوردار نیستند؛ ما داریم. یقیناً یکی از عواملی که دین را، معنویت را، عقیده را و اخلاق را در یک جمعیتی در طول تاریخ حفظ میکند، عواطف است؛ در کنار عقل و خرد و استدلال. انبیاء و فرستادگان الهی نشست‌اند با مردم با زبان فلسفی حرف بزنند؛ اگر چه برای فهمیدن کلام آنها و تعمق در بیان آنها، عقل فلسفی لازم بود و هست؛ یعنی فلاسفه‌ی بزرگ از سفره‌ی گسترده‌ی عمومی انبیای الهی بیشترین بهره را می‌برند؛ اما این سفره، سفره‌ی خاص نیست؛ لذا زبان آن، زبان استدلال عقلی و بگو و مگو و ان قلت و قلت نیست؛ این زبان، ترکیبی است از اندیشه و عقل و عواطف؛ عاطفه است که میتواند مسیر فهم عقلی و حرکت عقلی و جریان عقلی را هموار کند. ما به طور طبیعی این جریان را داریم؛ هم در جلسات مدح و عزا و شادی و مولودیخوانی و عزاداری، هم در جلسات دعاخوانی؛ این دعای کمیل، این دعای ندبه، این دعای امام حسین در عرفه، و دعاهائی که مخصوص ما است. در میان دیگران، این مقدار دعای خوش لفظ خوش معنای خوش مضمون وجود ندارد؛ این هم از اختصاصات امتیازاتی است که بحمدالله پیروان اهل بیت از آن برخوردارند. اینها همه‌اش عقل و عاطفه را درآمیخته‌ی با یکدیگر در طول تاریخ و در عمق ذهن بشر و عواطف انسان جاری میکند.

🌟 شأن مداح و ستایشگر

بنابراین شأن مداح این است؛ یعنی برانگیختن عواطف، و به کمک اندیشه و خرد بردن این عواطف. شأن مداح و ستایشگر - این حرفه‌ای که امروز در کشور ما بحمدالله بوفور وجود دارد - این است که بتواند با بیان هنری، با شیوه‌ی هنری، با اجرای هنری، معرفت را در بین مردم گسترش دهد. این شد محور اصلی. شعری که انتخاب میکنید، لحنی که انتخاب میکنید، شیوه‌ای که در آن با مردم حرف میزنید، در این جهت قرار بگیرد؛ در جهت افزایش معرفت و عمق بخشیدن به هدایت مردم و دانائیهای آنها از دین و از راه زندگی؛ این کاری است که جامعه‌ی مداح به بهترین وجهی میتواند انجام دهد. بارها عرض کرده‌ایم و این یک حقیقتی است که وقتی شما یک قصیده را یا یک غزل را که حامل معارف است، در یک مجلسی میخوانید، گاهی از ساعتها سخن گفتن فصیح و بلیغ یک گوینده تأثیرش بیشتر و عمیق‌تر میشود؛ این یک فرصت است؛ از این فرصت باید استفاده کرد؛ این فرصت را نباید ضایع کرد. شعری که محتوا نداشته باشد، این فرصت را ضایع میکند؛ یا اگر چنانچه در آن یک نکته‌ی ضعیف و احیاناً غلط وجود داشته باشد، این فرصت را ضایع میکند؛ یا اگر چنانچه کیفیت اجرا جوری باشد که مرزهای شرعی را مخدوش کند، این فرصت ضایع شده است؛ یا اگر جوری باشد که نیازهای

نقد را که امروز مردم به دانستن آنها احتیاج دارند، ندیده بگیرد، این فرصت ضایع شده است. فرض کنیم در دوران جنگ تحمیلی که کشور نیاز داشت به یک حماسه‌ی پرشور عملی و جهاد در میدان، جوانها هم آماده بودند، پدر و مادرها هم آماده بودند، یک نفری برود در مجالس و محافل خود، شعر هم بخواند، خوب هم اجرا کند، منتها اشاره‌ای به این نیاز وقت نکند؛ این ضایع کردن فرصت است. آن روز مداحها نقشهای خیلی خوبی آفریدند. در این جبهه کارهایی که مداحهای ما کردند، اثری که آنها در اعماق جان رزمندگان ما گذاشتند، کم‌نظیر است. من بعضی را اطلاع دارم؛ مداحهای ترک‌زبان یک جور، مداحهای فارس‌زبان یک جور، همین آقایان مداحهای زنگان که امروز یکی از آنها اینجا خواندند، و جاهای دیگر و جاهای دیگر و از همه جا، و همچنین شعرائی که این مداحها را پشتیبانی میکردند، آن روز همه به وظیفه‌شان عمل کردند. امروز هم من نگاه میکنم، میبینم در میان این شعرهائی که خوانده شد، به نیازهای نقد توجه شده بود؛ نمونه‌ی کاملش همین شعر آقای سازگار است، که هر سال همین جور است. ایشان در این شعرها و سرودها یک پیوند لطیفِ درست هنری بین عرش و فرش میزند؛ از حریم ملکوت همین طور آرام و با شیوه‌ی هنری حرکت میکنند، می‌آید در نیاز امروز، آنجا به این نیاز میرسد. ببینید، این ترکیب هنرمندانه است؛ شعر هم خوب است.

🔸 لزوم خودداری از انجام اعمال اختلاف افکن

شما از حنجره استفاده میکنید، که نعمت خدا است؛ از لحن و آهنگ استفاده میکنید، که نعمت خدا است؛ از شعر استفاده میکنید، که قریحه‌اش نعمت خداداد الهی است. این نعمتها در اختیار شما است؛ اینها را در خدمت چه قرار میدهید؟ در خدمت معرفت‌افزائی. اگر در خدمت اختلاف‌افکنی واقع شد، اگر در خدمت تحریک عصبیتهائی قرار گرفت که امروز به خاطر این عصبیته‌ها، متعصبین لجوج در نقاطی از دنیا بیست تا، سی تا سر می‌زنند، این استفاده، استفاده‌ی بدی است؛ این را خیلی مراقب باشید. شما اینجا یک شعری بخوانید، امروز هم که ویدئو و اینترنت و وسائل گوناگون انتقال پیام وجود دارد؛ عکس و تفصیلات آن برود در فلان نقطه، چهار تا آدم جاهل متعصب را تحریک کند، بیندازد به جان یک مشت زن و بچه‌ی بیگناه، خون اینها را بریزد. مراقب این چیزها باشید. اینکه بنده این همه اصرار میکنم، تأکید میکنم برای اینکه اختلافات مذهبی و طایفه‌ای را کمرنگ کنید، برای این است. کسی خیال نکند که اگر ما بخواهیم نعمت این عشقی که دلهای مردم ما را بحمدالله پر کرده و ملامال از محبت اهل بیت است، شکرگزاری کنیم و این عواطف را تحریک کنیم، راهش آن است؛ نه، اشتباه است. اختلاف‌افکنی یا تحریک عصبیتهای اختلاف‌افکن، مصلحت نیست؛ نه امروز مصلحت است، نه زمان امام صادق (علیه‌السلام) مصلحت بود؛ آنها هم جلوی‌ش را گرفتند. بعضی از افراد سطحی‌نگر به این مسئله توجه ندارند

همین طور است اختلافات داخلی و درونی. امروز مردم ما باید امید داشته باشند؛ اگر امید بود،



حماسه خواهد بود. اینکه ما عرض کردیم «حماسه»، حماسه که دستوری نیست، بخشنامه‌ای نیست؛ بخشنامه صادر میکنیم، مردم حماسه ایجاد کنند! مگر میشود چنین چیزی؟ مگر معقول است؟ حماسه از دل میجوشد، حماسه با عقل هدایت میشود، حماسه با ایمان پشتیبانی میشود؛ اینها که دستوری نیست. اگر چنانچه دل از امید خالی شد، فکر از منطق صحیح تهی شد، حماسه به وجود نمی‌آید. ما در ذهنها تردید ایجاد کنیم، در دلها یأس تزریق کنیم، حماسه به وجود می‌آید؟ معلوم است که نه. حماسه‌آفرینی این است: فضای بدبینی به وجود نیاید؛ فضای سوء ظن به وجود نیاید؛ فضای امید، فضای خوشبینی، فضای نگاه به چشم‌اندازها به وجود آید؛ چشم‌اندازهایی که قطعی است، یقینی است، حقیقی است، تلقینی نیست.

مثلاً در اوائل دهه‌ی ۶۰ - سی سال قبل از این - اگر چنانچه ما میگفتیم آینده چنین و چنان خواهد شد، ممکن بود بعضیها بگویند بله، اینها دارند تلقین میکنند؛ اما امروز که دیگر این حرفها نیست؛ امروز که داریم میبینیم حرکت عمیق و وسیع پیشرونده‌ی انقلاب و کشور را به سوی اهداف؛ هم اهداف مادی، هم اهداف معنوی؛ هم اهداف سیاسی، هم اهداف اجتماعی؛ هم اهداف داخلی، هم اهداف بین‌المللی؛ اینها جلوی چشم ما است؛ مگر کسی میتواند منکر شود؟ آن وقت این چشم‌اندازی را که امروز ما برای خودمان ترسیم میکنیم، کسی بیاید در آن تردیدآفرینی کند، یأس آفرینی کند، ناامیدی به وجود بیاورد؛ همچنین در حرکت و جهاد مداوم که نیاز یک کشور و یک امت و یک تاریخ است.

🌸 نیاز به جهاد مداوم

جهاد مداوم، نیاز همه است. همه‌ی پیشرفته‌ها، همه‌ی تمدن‌سازها، به برکت مجاهدتِ دائم شده است. مجاهدتِ دائم هم هم‌هش به معنای رنج کشیدن نیست. جهاد، شوق آفرین است. جهاد، شادی و نشاط آفرین است. امروز که نیاز به این جهاد داریم، کسی بیاید به تنبلی و کسالت و انزوا و بیکاری و بیکاری دعوت کند، اینها میشود کفران نعمت الهی؛ «ألم تر الی الذین بدلوا نعمت الله کفراً و احلوا قومهم دار البوار»؛^۱ این نباید بشود.

در بین شما عزیزان بحمدالله هم پیشکسوتها هستند، هم جوانها هستند، استعدادهای خوبی هم وجود دارد. در میان شما، گل‌های پرطراوتِ نورسی من مشاهده میکنم، که توانسته‌اید خوب وسط میدان بیایید و جای خالی گذشتگان را نه فقط پر کنید، بلکه برتر و بهتر از آنها - ما خیلی از گذشتگان را هم دیدیم - حرکت کنید.

🌸 هنر شعر، آواز و اجرا، وسیله پراکندن معرفت در دلها

آنچه که من به شما عرض میکنم، این است: مداحی، معرفت‌افزایی است. مداحی، پراکندن معرفت و حکمت و امید و عقیده‌ی راسخ است. مداحی، جوشاندن چشمه‌های عواطف در دلها است؛ با استفاده‌ی

از هنر شعر، هنر آواز، هنر اجرا.

البته یک اصل مسلمی وجود دارد عزیزان من! مردم از صدای شما خوششان می‌آید، از شعر شما لذت می‌برند، از اجرای شما - چه در مدحتان، چه در مصیبتتان - دل‌هایشان تکان می‌خورد و اشک می‌ریزند؛ اما به خود شما هم نگاه میکنند. اگر شما از لحاظ اخلاق، از لحاظ تدین، از لحاظ عفت، نمود تحسین‌آوری داشتید، همه‌ی آنچه را که عرض کردیم، به صورت مضاعف در مردم اثر خواهد کرد. اما اگر خدای نکرده بعکس شد؛ مردم نشانه‌ی تزلزل اخلاقی، نشانه‌ی عقب‌ماندگی از لحاظ اخلاق و رفتار و خدای نکرده عفت و این چیزها مشاهده کنند، اثر این هنرها و زیباییهایی که در کار شما هست، از بین خواهد رفت؛ این را مراقب باشید. همه‌مان باید مراقب باشیم؛ ما عمامه‌ایها بیشتر از دیگران، گویندگان مذهبی بیشتر از دیگران، نامداران عرصه‌ی دین و تقوا بیشتر از دیگران. همه باید مراقب باشیم؛ شما هم همین طور. شما کسانی که در عرصه‌ی دین و معرفت و امور الهی دارید کار میکنید، خیلی باید مراقب باشید؛ مراقب اخلاق، مراقب پاکی زبان، پاکی دامن، پاکی دل، پاکی دست. خدای متعال به شما کمک کند. یک مداح آستان فاطمی (سلام الله علیها) وقتی که در یک چنین جایگاهی قرار گرفت، یک انسان برجسته است. یعنی همین جوری که بین ماها فهمیده شده، دانسته شده و اعتقاد پیدا کرده‌ایم، کسانی که در راه مدح ائمه (علیهم‌السلام) و اظهار ارادت به این بزرگوار و توجه دادن دلها به این بزرگواران هستند، اینها پیش خدای متعال عزیز و محبوبند.

در مجالس شادی روضه نخوانیم

البته امروز یک نکته‌ای در جلسه‌ی ما وجود داشت که این نکته، نکته‌ی مستحسنی است. من در این سالهای طولانی، خیلی اوقات به برادران مداح که اینجا می‌خواندند، این اعتراض را میکردم که جلسه‌ی جشن و مولود را تبدیل میکردند به مجلس عزاداری؛ مفصل روضه خواندند و اشک گرفتند! هر چیزی به جای خودش. به شما میگویند مداح. مداح یعنی چه؟ شاخصه‌ی اصلی شما مداحی است، نه روضه‌خوانی. روضه بخوانید، بنده طرفدار روضه‌خوانی‌ام، خودم هم روضه‌خوانم. اینجور نیست که در مجلس مولودی‌خوانی ائمه (علیهم‌السلام) هم حتماً باید یک روضه‌ای خوانده شود، یک دمی داده شود، یک اشکی گرفته شود؛ هیچ لزومی ندارد. بگذارید عواطفی که مردم نسبت به ائمه (علیهم‌السلام) دارند، در خارج اینجور وانمود نشود که منحصر است در قضیه‌ی گریه و سینه‌زنی و عزاداری؛ نه، عزاداری به جای خود، مدیحه و مولودی‌خوانی و شادی هم به جای خود؛ اینها را نباید با هم مخلوط کرد.



هیئت سکولار نداریم

- پدیده مبارک هیئت رزمندگان
- نظم هیأتی را شبیه نظم اداری نکنید
- حفظ و حراست نیروها خیلی مهم است
- هیئت امام حسین سکولار نداریم!
- اهتمام در هیئات به مسأله قرآن خوانی

هیئت سکولار نداریم

هیئت رزمندگان یک پدیده‌ی مبارکی است؛ نَفَس اینکه رزمندگان ما هیئت عزاداری تشکیل بدهند - محور و نقطه‌ی ثقل اصلی هم عزاداری عاشورا است؛ بقیه‌ای که فرمودید، اینها حواشی لازم و خوبی است، اما آن نقطه‌ی ثقل، احیای عاشورا، زنده نگه‌داشتن عاشورا و عمق‌یابی ژرفای حادثه‌ی عاشورا است - چیز بسیار مبارک و مهمی است.

پدیده مبارک هیئت رزمندگان

یک نکته این است که اصل انتساب هیئت به رزمندگان، یک معنای مهمی دارد. رزمندگان یعنی کسانی که در مواجهه‌ی با دشمن مجاهدت کردند؛ مجاهدت هم اعم از مقاتله است؛ مقاتله یعنی جنگ نظامی، مجاهدت مجموعه‌ای از انواع مبارزه‌ها است؛ جنگ نظامی، جنگ فکری، جنگ روحی، جنگ اجتماعی، مجموع اینها اسمش مجاهدت است، مجاهدت شامل همه‌ی اینها هم هست. آن کسانی که اهل مجاهدت در راه خداوند - یکی از خصوصیات مجاهدت و معنای جهاد این است که دشمن در مقابل انسان باشد؛ هر تلاشی را جهاد نمی‌گویند؛ ممکن است کسی یک کار علمی‌ای هم بکند [اما] جهاد نباشد؛ جهاد، آن حرکتی است که در مواجهه‌ی با یک خصم، با یک دشمن، انجام می‌گیرد - و این خصوصیت را دارند، این روحیه را دارند، برای همه‌ی اجتماعات وجودشان مبارک است؛ چون اجتماعات بشری خالی از دشمن نیستند - حالا کم یا زیاد؛ یک وقت مثل ما دشمن زیاد دارند، یک وقت هم این قدر دشمن ندارند اما بالاخره دارند - و اگر چنانچه این جامعه در درون خود یک نیروی مواجه‌شونده و مقابله‌کننده‌ای

داشته باشد که همان مبارزین و رزمندگان و مجاهدین هستند، میتواند احساس امنیت بکند؛ و الا اگر این را نداشته باشد، مثل بدنی است که در درون خودش آن گلوله های سفید را که مثلاً مأمور به مواجهه هستند، نداشته باشد؛ انواع و اقسام بیماریها بر این جامعه ممکن است عارض بشود. اینکه این مجموعه بیایند برای مسئله ی عاشورا و مسئله ی عزاداری حسین بن علی (علیهما السلام) تلاش بکنند و کار کنند و آن را گرم و گرمی و زنده بدارند، این خیلی کار مناسب و لازمی است. بنابراین نفس این انتساب، یعنی انتساب هیئت عزاداری به رزمندگان، چیز مبارکی است، چیز خیلی خوبی است، این را رها نکنید و هر چه میتوانید حفظ کنید و نگه دارید. نکته ی دیگر این است که اسم هیئت در آن تبادر عرفی، [به معنی] بینظمی است؛ میگویند فلانی هیئتی عمل میکند، یعنی بینظم عمل میکند. تقریباً میشود گفت شما اولین کسانی هستید که آمدید این مجموعه ای را که گویا طبیعتش طبیعت "بینظمی" است، تحت نظم درآورید؛ این خیلی چیز خوبی است.

نظم هیأتی را شبیه نظم اداری نکنید

خب، هیئتی بودن - که به اصطلاح تعبیری از بینظم بودن است - به خاطر چیست؟ به خاطر این است که وقتی کسی وارد هیئت امام حسین میشود هیچ کس به او نمیگوید فلان جا بنشین، فلان جا بنشین؛ فلان جور بنشین، فلان جور بنشین؛ کی بیا، کی برو؛ کاملاً همه ی تحرکات، برخاسته ی از اراده ی مردم و خواست خود مردم است که آن هم ناشی از ایمان آنها است؛ این چیز خیلی خوبی است، این را باید نگه دارید؛ یعنی ارتباط هیئت را به ایمان مردم و عشق مردم، و جاذبه و گیرایی خود هیئت و خود این کانون را برای دلهای مردم باید نگه دارید، این را باید حفظ کنید، یعنی جوری نشود که حالت اداری و مانند اینها پیدا بکند. به نظر من مراکز شماها حسینیه ها است. شما مرکز اداری نمیخواهید؛ حسینیه، هیئت، مسجد، مراکز شما اینها است. یعنی اگر آمدیم ما اینجا را وابسته کردیم به یک اداره ای و یک ساختمانی و طبقه ی اول و طبقه ی دوم و صندلی گردان و مانند اینها، این دیگر هیئت نمیشود؛ میترسم اشکال پیدا بکند، نمیگویم قطعاً هیئت نمیشود، اما به نظرم میرسد که طبیعت کار هیئت این است که مردم با عشق و شور و اشک بیایند طرف مجلس امام حسین؛ این است که اثر میکند؛ این است که از دلش این انقلاب میجوشد، یا لااقل مززع خوبی برای رشد فضائل انقلابی و معارف انقلابی میشود.

حفظ و حراست نیروها خیلی مهم است

نکته ی بعد که خیلی مهم است، همین مسئله ی تربیت نیروها یا حراست از نیروهای گوینده



و خواننده از خطاها و اشتباهات است؛ این خیلی مهم است. واقعاً یکی از گرفتاریهای ما این است؛ حالا اسم مداحها بد در رفته، مخصوص مداحها نیست، مداح و غیر مداح ندارد. از کسانی که در این ماجرای منبر رفتن و از عاشورا خواندن وارد بوده‌اند - اعم از مداح و منبری و مانند اینها - مواردی دیده شده که حرفهای نامناسبی از اینها صادر شده. یک وقت حالا من و شما نشستیم، یک حرف غلطی هم از دهان بنده می‌آید بیرون، چیزی نیست، [چون] دو نفر پهلو هم نشستیم، مهم نیست؛ یک وقت نه، ما هزار نفر، ده هزار نفر، گاهی پنجاه هزار نفر مستمع داریم، گاهی این جمعیت تبدیل میشود به جمعیت‌های میلیونی به‌خاطر انتشار؛ اینجا باید محاسبه بشود که تأثیر یک حرف غلط و نامناسب بر روی ذهن مخاطب چیست. یک عده‌ای همان حرف غلط را قبول میکنند، و یک معرفت غلطی پیدا میکنند؛ یک عده‌ای آن را استنکار میکنند و این استنکار موجب میشود که از اصل دین زده بشوند؛ بین کسانی و کسانی سر این حرف اختلاف می‌افتد؛ ببینید، از چند جهت مجاری فساد به‌وجود می‌آید برای یک حرف غلطی که یک نفر می‌زند. از قدیم دیده بودیم ما - مخصوص حالا نیست؛ از بچگی میرفتیم روضه و پای منبر - گاهی روضه‌خوان‌ها روضه‌هایی می‌خواندند که معلوم بود غلط است، معلوم بود خلاف است، اما می‌خواندند؛ برای اینکه حالا چهارنفر مستمع دلشان بسوزد و گریه کنند. مگر به هر قیمتی باید این کار را کرد؟ حادثه را بیان کنید؛ با هنرمندی بیان کنند تا مردم دلشان شیفته بشود و منقلب بشود، نه اینکه خلاف بگویند. حالاها هم میشنوم، منبری یا مداح سر منبر خطاب به امیرالمؤمنین میکند و میگوید آقا هرچه داری از امام حسین داری! شما فکرش را بکنید! این چه حرفی است و این چه مَهمل‌گویی است که کسی این جور درباره‌ی امیرالمؤمنین حرف بزند؟ امام حسین هرچه دارد از امیرالمؤمنین دارد، امام حسین هرچه دارد از پیغمبر دارد؛ چرا نمی‌فهمند این معانی و این مسائل را؟ آن وقت ادعا هم دارند، هرچه هم به دهنشان بیاید می‌گویند؛ یعنی اینها را خیلی باید به‌نظر من بزرگ بشمریم.

🏠 هیئتِ امام حسینِ سکولار نداریم!

یک نکته هم همین مطلبی است که آقای نجات اشاره کردند که درست هم هست. هیئتها نمیتوانند سکولار باشند؛ هیئتِ امام حسینِ سکولار ما نداریم! هرکس علاقه‌مند به امام حسین است، یعنی علاقه‌مند به اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است، اسلام مقاتله است، اسلام خون دادن است، اسلام جان دادن است؛ معنای اعتقاد به امام حسین این است. اینکه آدم در یک مجلس روضه یا هیئت عزاداری مراقب باشد که نبادا وارد مباحث اسلام سیاسی بشود، این غلط است. البته معنای این حرف این نیست که هر حادثه‌ی سیاسی در کشور اتفاق می‌افتد، ما باید حتماً در مجلس روضه آن را با یک گرایش خاصی - حالا یا این طرف، یا آن طرف

- بیان کنیم و احياناً با یک چیزهایی هم همراه باشد؛ نه، اما فکر انقلاب، فکر اسلام، خط مبارکی که امام (رضوان الله علیه) در این مملکت ترسیم کردند و باقی گذاشتند، اینها بایستی در مجموعه‌ها و مانند اینها حضور داشته باشد.

به هر حال کار بزرگی است، کار مهمی است؛ و شایسته‌ترین مجموعه‌هایی که می‌توانند برای امام حسین عزاداری کنند، واقعاً همین مجاهدین فی سبیل‌الله‌اند، همین رزمندگانند، همین جوانها هستند؛ و شما این را قدر بدانید و این را هدایت کنید؛ هدایت کنید. این می‌تواند یک چشمه‌ی خورشید و چشمه‌ی نوری باشد برای اشعاع در مغزها و در فکرها و در دلها و مخاطبین که بتواند اینها را از لحاظ معارف اسلامی و معارف دینی بالا ببرد.

اهتمام در هیئات به مسأله قرآن خوانی

چقدر خوب است که در محافل هیئتها، به مسأله‌ی قرآن - قرآن خوانی و معارف قرآنی - اهتمام ورزیده بشود؛ چقدر خوب است که در این نوحه خوانیها مضامین اسلامی، مضامین انقلابی، مضامین قرآنی گنجانده بشود؛ یک وقت هست که سینه می‌زنند و صد بار با تعبیرات مختلف مثلاً می‌گویند «حسین وای»، خوب این یک کاری است اما هیچ فایده‌ای ندارد و هیچ چیزی از «حسین وای» انسان نمی‌فهمد و یاد نمی‌گیرد. یک وقت هست که شما در همین مطلبی که [عزادار] تکرار میکند و حرفی که [با آن] سینه می‌زند، با زبان نوحه و با زبان شعر، یک مسأله‌ی روز، یک مسأله‌ی انقلابی، یک مسأله‌ی اسلامی، یک معرفت قرآنی را می‌گنجانید؛ او وقتی تکرار میکند، در ذهن او ملکه می‌شود؛ این خیلی باارزش است، کاری است که هیچ‌کس دیگر غیر از شما نمیتواند این کار را بکند؛ یعنی هیچ رسانه‌ای واقعاً قادر نیست که این جور معارف الهی را با جسم و جان و فکر و روح و احساس و عقل و مانند اینها آمیخته کند. لذا کار کار مهمی است، کار بزرگی است و امیدواریم که ان شاء الله خدای متعال بهتان توفیق بدهد و شما را مأجور بدارد که بتوانید به بهترین وجهی ان شاء الله این کار را پیش ببرید.



مسئولیت سنگین مداحان در برابر تخریب اعتقادی دشمن

- ❁ منابر و مجالس روضه، وسیله منحصر به فرد در برابر تهاجم فرهنگی
- ❁ چگونگی از دست دادن این فرصت منابر و مجالس روضه
- ❁ فضای مداحی نباید از حدود ضوابط شرع خارج شود
- ❁ در گذشته مداحها مجبور بودند شعر را حفظ کنند

مسئولیت سنگین مداحان در برابر تخریب اعتقادی دشمن

اهداف بزرگ اجتماعی، ایجاد حیات طیبه‌ی اسلامی و جامعه‌ی اسلامی [است]؛ جامعه‌ای که افراد خود را فرصت بدهد که بتوانند به‌سوی این هدف حرکت کنند: جامعه‌ی آباد، جامعه‌ی آزاد، جامعه‌ی مستقل، جامعه‌ی دارای اخلاق والا، جامعه‌ی متحد، یکپارچه، جامعه‌ی متقی و پرهیزگار؛ اینها اهداف جامعه‌ی اسلامی است. دنیایی که مقدمه‌ی آخرت است، دنیایی که انسان را ناگزیر به بهشت میرساند، ایجاد یک چنین دنیایی هدف کلان اجتماعی و سیاسی اسلام است؛ اینها را در مقابل ما ترسیم کردند. راه آن چیست؟ چه‌جور میشود به این هدفها رسید؟ همین‌طور که فرمود: «أَعْيُنُونِي» - فرمایش، فرمایش امیرالمؤمنین است - به من کمک کنید؛ یعنی آنچه را که امیرالمؤمنین در زندگی خود و تلاش و جهاد خود، همه را در این راه مصرف کرد، و آن عبارت است از ایجاد چنین دنیایی برای بشریت در طول تاریخ؛ کمک کنید به من که این هدف انجام بگیرد. چه‌جور «بِوَرَعٍ»، با ورع؛ «وُاجْتِهَادٍ»، با کوشش، با تلاش، تنبلی ممنوع است، بیکارگی ممنوع است، خسته شدن ممنوع است، مأیوس شدن ممنوع است. این حرکت عظیم وقتی انجام بگیرد، آن‌وقت شما دل مبارک فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) را شاد میکنید، دل امیرالمؤمنین را شاد میکنند؛ چون آنها برای همین هدف آن همه تلاش کردند، آن همه مجاهدت به‌خرج دادند.

عزیزان من، جوانان عزیز! امروز این فرصت برای ما ملت ایران فراهم است؛ دیروز فراهم نبود، دیروز سخت بود؛ امروز در دوران جمهوری اسلامی این فرصت برای احاد جامعه هست که

حرکت کنند، درست حرکت کنند، درست زندگی کنند، مؤمنانه زندگی کنند، با عفت زندگی کنند؛ نه اینکه راه گناه بسته است، [نه]، راه گناه همیشه باز است، اما راه خوب زیستن، مؤمن زیستن، عقیف زیستن هم در زیر سایه‌ی اسلام باز است. البته این جور زندگی کردن لذتهای خود را دارد، سختیهای خود را هم دارد. كَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيْطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنَّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ الْقَوْلِ غُرُورًا؛^۱ همیشه در قبال خطا پیغمبران، دشمنان بودند؛ دشمنان، چه کسانی هستند؟ شیاطین انس، شیاطین جن. در مقابل این صف بظاهر عریض و طویل شیاطین، صف پولادین و استوار مؤمنان قرار میگیرد. ملت ایران این را تجربه کرد و معلوم شد که میتوان بر دشمن پیروز شد، همچنان که بحمدالله ملت ایران تا امروز پیش رفته. باید تلاش کنیم، درس زندگی صدیقه‌ی طاهره، فاطمه‌ی زهرا (سلام‌الله‌علیها) این است برای ما: تلاش، اجتهاد، کوشش، پاک زندگی کردن؛ همچنان که آن بزرگوار یکپارچه معنویت و نور و صفا بود: الطَّهْرَةُ الطَّاهِرَةُ الْمُطَهَّرَةُ التَّقِيَّةُ التَّقِيَّةُ [الرَّضِيَّةُ] الزَّكِيَّةُ؛^۲ پاکی و آراستگی و تقوا و نورانیت آن بزرگوار، همان چیزی است که در طول تاریخ تشیع بر معارف ما سایه‌افکن بوده است.

🌟 منابر و مجالس روضه، وسیله منحصر به فرد در برابر تهاجم فرهنگی

آنچه من در این جلسه مناسب است عرض بکنم - بیش از مطالب دیگر - مربوط میشود به مسئولیت سنگینی که امروز جامعه‌ی مداحان بر عهده دارد و بر دوش دارد. برادران عزیز! این سنت مداحی شیوه‌ی مداحی و ستایشگری خاندان پیغمبر - که افتخار بزرگی است - در بین جامعه‌ی ما خوشبختانه رواج پیدا کرده است، ریشه‌دار شده است، قبلها بود، اما محدود بود؛ امروز این سفره، گسترده شده است؛ این میدان، باز شده است. افراد زیادی - هزاران نفر - امروز در سرتاسر کشور با استفاده از ذوق و هنر و انواع و اقسام شیوه‌های بیانی، در این عرصه مشغول فعالیتند؛ خوب، این میشود یک فرصت. هر فرصتی همراه است با یک مسئولیت؛ وقتی شما نتوانید با کسانی مخاطبه بکنید، مسئولیتتان در یک حد است؛ وقتی توانستید مخاطبه کنید، طبعاً فراتر از حدّ شخصی و به اندازه‌ی حوزه‌ی توان تخاطب،^۳ مسئولیت گسترش پیدا میکند. شما که میتوانید با مردم حرف بزنید، با هنر شعر و صدا و آهنگ میتوانید با مردم مخاطبه کنید، این مسئولیت‌آور است. همه‌ی این فرصتها و امکانات، همراه خود دارای یک مسئولیتی هستند؛ این مسئولیت را باید خوب بتوانید ادا کنید. اگر جامعه‌ی مداح کشور آنچنان که شایسته‌ی این رتبت و این مقام است بتواند مسئولیت خود را ادا کند، تحوّل در سطح کشور اتفاق میافتد.

من مکرر عرض کردم، گاهی یک قطعه‌ی شعر که شما در یک مجلسی میخوانید، آن را خوب

۱. سوره‌ی انعام، بخشی از آیه‌ی ۱۱۲

۲. کامل الزیارات، ص ۳۱۰

۳. طرف صحبت قرار دادن

ادا میکنید، وقتی یک قطعه‌ی پر مغزِ خوش‌مضمونِ آموزش‌دهنده و آموزنده‌ای است، گاهی از یک سخنرانی دو ساعته، سه ساعته‌ی ما تأثیر آن بیشتر است؛ گاهی این‌جور است؛ خوب، این خیلی فرصت خوبی است. اگر این هزاران عنصر ستایش‌گر و مدّاح و خواننده‌ی مذهبی که در سراسر کشور، در مجالس، در محافل، با مردم مخاطبه میکنند و میخوانند، حدود و ضوابط این کار بزرگ را درست رعایت نکنند، شما ببینید چه اتفاقی میافتد. دشمنان ما از صدها وسیله، با صدها زبان، با انواع و اقسام کارها، در صدد تخریب اعتقاد، تخریب عمل، تخریب مسیر هستند؛ در نظام جمهوری اسلامی در درجه‌ی اول، و در دنیای اسلام در درجه‌ی بعد. خیلی از آحاد مردم میفهمند، میبینند، میدانند کارهایی را که دشمن دارد میکند، کانال‌های تلویزیونی، شبکه‌های رادیویی، انواع و اقسام شیوه‌های ارتباطی جدید الکترونیکی و غیره؛ یک چیزهایی هم هست که ما بیشتر اطلاع پیدا میکنیم، آحاد مردم نمیدانند چه کارهای پیچیده‌ای دارد در کشور ما انجام میگیرد برای انحراف افکار آحاد مردم ما، برای تغییر مسیر حرکت این ملت، برای به زانو درآوردن اسلام، برای الگو نشدن جامعه‌ی شیعه و معارف شیعه در دنیای اسلام، [خیلی] کارها دارد میشود.

در مقابل این تلاشی که دشمن میکند، ما امکانات منحصربه‌فردی داریم. بله، از راه اینترنت هم میشود جواب آنها را داد، از راه‌های مشابه آنها هم میشود مقابله کرد - البته حجم کار آنها بمراتب بیشتر است - اما ما وسیله‌هایی داریم که این وسیله‌ها منحصربه‌فرد است؛ یکی از آنها همین شما هستید، یکی از آنها همین جامعه‌ی مدّاحند. این مخاطبه‌ی چهره‌به‌چهره و روبه‌رو و استفاده‌ی از ابزار هنر برای انتقال مفاهیم به مخاطبین در شکل انبوه آن - یعنی بحث دو نفر و سه نفر و ده نفر مدّاح نیست؛ هزاران نفر در سطح کشور این کار را میکنند - یکی از وسایل منحصربه‌فردی است که ما داریم، آنها ندارند. این منبرها یکی از آن وسایل منحصربه‌فرد است؛ این مجالس روضه‌خوانی همین‌جور؛ این هیئات مذهبی همین‌جور. اگر محتوا و مضمون منبرهای ما، مدّاحیهای ما، هیئتهای ما، نوحه‌خوانیهای ما، محتوا و مضمون شایسته‌ای باشد، هیچ وسیله‌ای نمیتواند با آنها مواجهه و مقابله بکند، یعنی کاملاً منحصربه‌فرد است؛ ببینید، فرصت، این است؛ این فرصت را نباید ضایع کرد؛ این امکان را نباید از دست داد.

🔗 چگونگی از دست دادن این فرصت منابر و مجاس روضه

بدتر از از دست دادن این فرصت، این است که ما آن را در راه بد مصرف کنیم. اگر جلسه‌ی مذهبی ما و خوانندگی و مدّاحی ما یا منبر ما به این نتیجه منتهی بشود از پای منبر، بی اعتقاد به آینده و ناامید از آینده بلند شوند، ما این فرصت را هدر داده‌ایم و کفران کرده‌ایم



این نعمت را؛ اگر از پای منبر ما یا مداحی ما مردم درحالی بلند شوند که هیچ‌گونه آگاهی نسبت به وضع خودشان و وظایف خودشان پیدا نکرده باشند، ما این فرصت را از دست داده‌ایم؛ اگر خدای نکرده جلسات ما، جلسات وحدت‌شکن باشد، این فرصت را از دست داده‌ایم؛ اگر کیفیت حرف زدن ما یا مضمون حرفهای ما جوری باشد که دشمنان ما را در هدفهایشان موفق بکند، ما این نعمت الهی را - بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا^۴ - تبدیل کرده‌ایم به نعمت؛ این را باید مواظب بود، باید مراقب بود. بارها ما گفته‌ایم، برای آدمهای آگاه و مطلع از اوضاع جهان و جهان اسلام هم این مثل روز روشن است که امروز اختلافات مذهبی در میان مسلمانان، یک وسیله و برگه‌ای است در دست دشمنان ما. یک شمشیر در دست دشمنان ما، همین اختلافات مذهبی است. علنی کردن اختلافات، صریح کردن مخالفت‌های اعتقادی، به زبان آوردن مطالبی که کینه‌ها را برمیافروزد، یکی از وسایلی است که دشمن ما از آن بیشترین استفاده را دارد میکند. حالا [اگر] ما جوری عمل بکنیم که این مقصود دشمن برآورده بشود، این «بَدَلُوا نِعْمَتَ اللَّهِ كُفْرًا» است. در جلسات نباید کینه‌ورزیهای مذهبی را زیاد کرد؛ این را چقدر باید تکرار کرد؟ بارها تکرار کرده‌ایم؛ بعضی حاضر نیستند [گوش کنند]. شما اگر بخواهید آن کسی را که موافق مذهب شما نیست و عقیده‌ی حق شما را قبول ندارد هدایت کنید، چه کار میکنید؟ اول شروع میکنید به مقدّسات او بدگویی کردن و دشنام دادن؟ اینکه بکلی او را از شما دور خواهد کرد و امید هدایت او را به صفر خواهد رساند. راه این کار این نیست. امروز شما میبینید، دنیای تشیع مورد مهاجمه است؛ کسانی که اسم شیعه و سنی به گوششان نخورده بوده است - ایادی استکبار - حالا در تبلیغات رسمی‌شان مدام تکیه میکنند که بله، ایران شیعه، گروه شیعه در عراق، گروه شیعه در فلان کشور! مدام روی مسئله‌ی شیعه و سنی تکیه میکنند؛ چرا؟ چون این را وسیله‌ی خوبی پیدا کرده‌اند برای ایجاد نِقار^۵ بین مسلمانان. خب بله، ما افتخارمان به این است که شیعه‌ی علوی هستیم، ما افتخارمان به این است که معرفت به مقام ولایت پیدا کرده‌ایم؛ امام بزرگوار ما پرچم ولایت امیرالمؤمنین را سر دست گرفت، لکن این وسیله‌ای شد برای اینکه دنیای اسلام - شیعه و غیرشیعه - احساس افتخار کنند به اسلامیت؛ حالا کاری بکنیم که این احساس افتخار، این احساس علاقه‌مندی دنیای اسلام نسبت به جامعه‌ی شیعه و افتخار شیعه، تبدیل بشود به دشمنی و بغض و کینه؟ این همان چیزی است که دشمن میخواهد؛ نباید بگذاریم. این یک نکته‌ی بسیار مهم است؛ این را مراقب باشید؛ اینها را شما بیش از دیگران باید مراقب باشید. کاری نکنیم که دشمن را در مقصودی که دارد، موفق بکند؛ شمشیر دشمن را تیز نکند. بزرگان ما، علمای ما، مراجع ما، شخصیت‌های بزرگ دنیای اسلام همیشه ما را توصیه کردند به همین معنا. این یک نکته است؛ نکته‌ی بسیار اساسی است.

۴. سوره‌ی ابراهیم، بخشی از آیه‌ی ۲۸

۵. کینه

فضای مداحی نباید از حدود ضوابط شرع خارج شود

نکته‌ی دوم: در محیط‌های مراسم مذهبی، مراقب باشید هیچ کاری که از حدود ضوابط شرع ممکن است بیرون برود، رخ ندهد؛ این را مراقبت کنید. محیط مداحی و خوانندگی دینی، یک محیط پاک و مطهری است؛ نگذاریم آلودگی‌هایی که متأسفانه در دنیای هنر در بین مردمان بیقید و بیمبالات رواج پیدا کرده است، به محیط هنر اسلامی و مذهبی در محیط‌های مذهبی رسوخ کند و نفوذ کند؛ این را مراقب باشید. محیط، محیط پاکیزه، طیب، طاهر، [همراه با] عفت؛ این جور محیطی باید باشد محیطی که ما در آنجا معارف اسلامی را می‌خواهیم با زبان شعر بیان کنیم.

سعی کنیم آنچه را به‌عنوان مضمون و محتوا در شعر خودمان می‌گنجانیم، هر کلمه‌ی آن آموزنده باشد. فرق نمی‌کند؛ گاهی مصیبت است، گاهی مدح است؛ همه‌ی اینها می‌تواند جوری انتخاب بشود که آموزنده باشد. در دوران شور انقلاب و هیجان انقلاب، در محرّمی که آخرین محرّم دوران طاغوت بود و محرّمی بود که بلافاصله بعد از محرّم و صفر، پیروزی انقلاب اتفاق افتاد، هیئات مذهبی در شهرهای مختلف، نوحه‌هایی را می‌خواندند که هر یک از این نوحه‌ها به‌قدر یک خطابه‌ی بلند و بلیغ، مردم را روشن میکرد و آگاه میکرد و بصیرت میداد. باید همیشه همین جور باشد؛ نوحه‌ها را [پرمحتوا کنید]. این کاری که نوحه‌خوان انجام میدهد، کار بسیار جذاب و جالبی است. این سنت نوحه‌خوانی و رفتارهایی که در نوحه‌خوانی انجام می‌گیرد، کارهای بسیار مهمی است؛ اینها استثنائی جامع‌ی شیعه است، یعنی مخصوص ما است؛ در جاهای دیگر، به این شکل در مراسم مذهبی وجود ندارد؛ این از امتیازات ما است؛ این را باید پرمحتوا کرد، پرمضمون کرد. به این چیزها اگر ان‌شاءالله توجه بشود، جامع‌ی مدّاح یکی از اثرگذارترین پیشروان اصلاح در نظام فکری و عملی جامع‌ی ایران خواهد بود، و این می‌تواند تحقق پیدا کند، کما اینکه الان هم در هر جایی که انسان مشاهده میکند که مدّاح بامسئولیتی، متعهدی، شعر درست را، شعر خوب را، با شیوه‌ی درست اجرا میکند، واقعاً اثر می‌گذارد، مخاطبین خودش را بیدار میکند، آگاه میکند؛ و این از آن کارهایی است که هیچ صدقه‌ی جاریه‌ای معلوم نیست به این اندازه بتواند ارزش پیدا کند در پیشبرد جامعه؛ پیش خدای متعال کمتر کاری است که این‌همه بتواند انسان برای آن ارزش‌گذاری بکند؛ خیلی کار مهمی است. شما بحمدالله این نعمت را دارید: صدای خوش، توانایی اجرای خوب، با آهنگ خوب؛ اگر چنانچه این را همراه کنید با همین خصوصیتی که اشاره شد، به نظر میرسد که یکی از کارهای بزرگ در پیشبرد اهداف نظام اسلامی و جمهوری اسلامی تحقق پیدا خواهد کرد.



در گذشته مدّاحها مجبور بودند شعر را حفظ کنند

خوشبختانه امروز، شعر خوب هم کم نداریم؛ شعرای خوب، شاعران دینی و آیینی، شعرایی که درباره‌ی مسائل گوناگون شعر میگویند و شعرهای خوب میگویند، که امروز هم بحمدالله از بعضی از اینها بهره‌مند شدیم، استفاده کردیم و خیلی خوب بود. در گذشته مدّاحها مجبور بودند شعر را حفظ کنند؛ امروز شماها این سنت را هم به هم زده‌اید؛ خودتان را راحت کرده‌اید، کاغذ در می‌آورید؛ خب، شعرهای خوب را میشود نوشت و خواند و این امکان بحمدالله هست. یکی از بزرگ‌ترین نعمتهای خدا این است که امروز در اختیار ما است. و جامعه‌ی مدّاح، با این توان وسیع، با این امکان بزرگ، به اعتقاد بنده یکی از نعمتهای الهی است برای کشور ما و برای مردم ما؛ و شعرایی که شعر میگویند و این مدّاحان را آماده میکنند برای اینکه بتوانند این مسئولیت را انجام بدهند، حقاً و انصافاً کار بزرگی انجام میدهند. از خدای متعال توفیق همی شما عزیزان را، مخصوصاً جوانها را - که میدان کاری وسیعی در مقابل دارید - خواهانیم و امیدواریم ان شاءالله همی شما مأجور و منظور نظر حضرت بقیّه‌الله اعظم (ارواحنا فداه) باشید.

یکی از چیزهایی که ما امروز خیلی احتیاج داریم، برنامه‌های مطالعاتی برای قشرهای مختلف است. بارها اتفاق می‌افتد که جوانها را، نوجوانها را به کتابخوانی تشویق میکنیم؛ مراجعه میکنند، میگویند آقا چه بخوانیم؟ این سؤال یک جواب ندارد؛ احتمالاً جوابهای متعددی دارد. مجموعه‌ی متصدیان امر کتاب - چه در وزارت ارشاد، چه در مجموعه‌ی کتابخانه‌ها - روی این مسئله باید کار جدی بکنند؛ در بخشهای مختلف، برای قشرهای مختلف، به شکلهای مختلف، با تنوع متناسب، سیرمطالعاتی درست کنند؛ اول این کتاب، بعد این کتاب، بعد این کتاب. وقتی که جوان، نوجوان، یا کسی که تاکنون با کتاب انس زیادی نداشته است، وارد شد، حرکت کرد، راه افتاد، غالباً مسیر خودش را پیدا خواهد کرد.

بیانات در دیدار مسئولان کتابخانه‌ها و کتابداران ۱۳۹۰/۴/۲۹